خرقه سالوس

صلاح کار کجا و من خراب کجا — ببین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا

دلم ز صومعه بگرفت و خرقه سالوس — کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا

چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را — سماع وعظ کجا نغمه رباب کجا

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد — چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

چو گل ببینش ما خاک آستان شماست — کجا رویم بفرما از این جناب کجا

مبین بسیب زنخدان که چاه در راهست — کجا هی روی ای دل بدین شتاب کجا

بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال — خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا

قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست

قرار چیست صبوری کدام و خواب کجا

جوال فال (۲)

به متفاوت بودن بعضی از مسائل باید پی برد نباید عجله کرد باید فرق بین خو ب و بد را فهمید و برای یافتن حقیقت لحظه‌ای آرام ننشست چون صلاح کار در حسن و پاکی و دوستی خداوند است.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

منزل جانان

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها — که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

به بوی نافه کاخر صبا زان طره بگشاید — ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها

مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم — جرس فریاد می دارد که بربندید محملها

بمی سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید — که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل — کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها

به کام دل رسد روزی به بدنامی کشد کارم — نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها

حضوری گر همی خواهی از او غایب مشو حافظ

متی ما تلق من تهوی دع الدنیا و اهملها

جواب فال (۱)

ای عزیز دل بزودی از اندوه رهایی می‌یابی، خدا را فراموش نکن، همه کارها اول آسان است اما بعد به مشکل می‌رسد باید صبر و تحمل داشته و سعی کنی نصیحت بزرگان را گوش کنی، آنوقت است که به یقین می‌رسی و اگر عقل را فراراه خود قرار دهی و از جاسوسان برحذر باشی به امید الهی مشکلاتت حل خواهد شد.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سرود زهره

صبا بلطف بگو آن غزال رعنا را — که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را

شکرفروش که عمرش دراز باد چرا — تفقدی نکند طوطی شکرخا را

غرور و حرمت اجازت مگر نداد ای گل — که پرسشی نکنی عندلیب شیدا را

بخلق و لطف توان کرد صید اهل نظر — به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست — سهی قدان سیه چشم ماه سیما را

چو با حبیب نشینی و باده پیمایی — بیاد دار محبان باده پیما را

جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب — که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را

در آسمان عجب گر بگفت حافظ

سرود زهره برقص آورد مسیحا را

جواب فال (۴)

چرا فکر می‌کنی به عشقت نمی‌رسی؟ شیرین‌ترین لحظات زندگی آنست که به انتظار عشقی باشی که آن عشق به تو توان زندگی کردن می‌دهد، چون به زندگی امیدواری - پس عاشق باش و ثابت قدم .

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

* ترک شیرازی

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را — به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

بده ساقی باقی که در جنت نخواهی یافت — کنار آب رکنا با دو گلشت مصلا را

فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب — چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است — به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را

من آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم — که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

اگر دشنام فرمایی و گر نفرین دعا گویم — جواب تلخ می زیبد لب لعل شکرخا را

نصیحت گوش کن جانا که این دو سه گوهر دانش — جوانان سعادتمند پند پیر دانا را

حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو — که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را

غزل گفتی و در سفتی بیاد خوش بخوان حافظ

که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریا را

جواب فال (۳)

خودت را باور کن، کارهای ناتمام را به اتمام برسان، سعی کن راز دلت را به هر کس نگوئی، به عشق فکر کن، به امید خدا موفق خواهی شد... انشاءالله .

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

راز پنهان

۵

دل می رود ز دستم صاحبدلان خدارا — دردا که رازپنهان خواهد شد آشکارا
کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز — باشد که باز بینیم دیدار آشنا را
دور زمهرگردون افتاده است وافتان — کیی به جای یاران فرصت شمار یارا
در حلقهٔ گل و مل خوش خواند دوش بلبل — هات الصبوح هبوا یا ایها السکارا
ای صاحب کرامت شکرانهٔ سلامت — روزی تفقدی کن درویش بینوا را
هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی — کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را
سرکش مشو که چون شمع از غیرتت بسوزد — دلبر که در کف او موست سنگ خارا
آیینه سکندر جام می است بنگر — تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند — ساقی بده بشارت رندان پارسا را

حافظ بخود نپوشید این خرقهٔ می آلود
ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را

جواب فال (۵)

مطمئن باش او خواهد آمد چون قلب تو مثل آینه پاک است تو سعی کن خوب باشی اگرچه مردم به این مسئله پی نبرند خدا با توست (عشق را فراموش نکن).

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

دعای صبحگاهی

۶

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را — که بچکر پادشاهی ز نظر مران گدا را
ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم — مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را
مژه سیاهت اگر در خون ما اشارت — ز فریب او ببندش دغلی مکن بکارا
دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی — تو ازین چه سود داری که نمی کنی مدارا
هر شب درین امیدم که نسیم صبحگاهی — به پیام آشنایی بنوازد آشنا را
چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی — دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را

به خدا که بر در ما ای ده توبه حافظ سحرخیز
که دعای صبحگاهی اثری کند شما را

جواب فال (۶)

هیچ وقت از دعا غافل نشو- همیشه فکر کن که کسی از راه دور می‌آید و نوید یک زندگی عالی را به تو می‌دهد پس سعی کن به آن برسی و در این راه امیدت به خدا باشد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مرید جام می

۷

صوفی بیا که آینه صافی است جام را — آیینهٔ صفای می لعل فام را
راز درون پرده ز رندان مست پرس — کاین حال نیست زاهد عالی مقام را
عنقا شکار کس نشود دام باز چین — کانجا همیشه باد بدست است دام را
در بزم دور یک دو قدح درکش و برو — یعنی طمع مدار وصال دوام را
ای دل شباب رفت و چو پیری گلی ز عیش — پیرانه سر بکن هنری ننگ و نام را
در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند — آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
ما را بر آستان تو بس حق خدمتست — ای خواجه باز بین به ترحم غلام را

حافظ مرید جام می است ای صبا برو
وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

جواب فال (۷)

عمرت سریع می‌گذرد سعی کن لحظات را دریابی اگر کار خیری داری انجام بده و قدر زندگی جوانی را بدان عمر مثل جوی آب می‌گذرد تعلل چرا؟

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نفس نافرجام

۸

ساقیا برخیز در ده جام را — خاک بر سر کن غم ایام را
ساغری بر کفنم نه تا ز سر — برکشم این دلق ازرق فام را
گرچه بدنامی است نزد عاقلان — ما نمی خواهیم ننگ و نام را
باده در ده چند ازین باد غرور — خاک بر سر نفس نافرجام را
دود آه سینهٔ نالان من — سوخت این افسردگان خام را
محرم راز دل شیدای خود — کس نمی بینم ز خاص و عام را
با دلارامی مرا خاطر خوش است — کز دلم یکباره برد آرام را
سنگدل دیگر بسر واندر چمن — هر که دید آن سرو سیم اندام را

صبر کن حافظ به سختی روز و شب
عاقبت روزی بیابی کام را

جواب فال (۸)

تو مطمئن باش که به مراد خود خواهی رسید فقط شکیبا باش به هیچ چیز شک نکن سعی کن به همه کمک کنی اگرچه آنها قدر کمکهایت را ندانند تو بخاطر خدا این کار را انجام بده ــ بهترینها در انتظار توست .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مژده گل

۹

رونق عهد شباب است دگر بستان را — می رسد مژدهٔ گل بلبل خوش الحان را

ای صبا گر به جوانان چمن باز رسی — خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را

گر چنین جلوه کند مغبچه باده فروش — خاک کوی در میخانه کنم مژگان را

ای که بر رمز کشی از خم ما را چو کمان — مضطرب حال مگردان من سرگردان را

نرسم این قوم که بر دزد کشان می خندند — در سر کار خرابات کنند ایمان را

یار مردان خدا باش که در کشتی نوح — هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را

برو از خانهٔ گردون به در و نان مطلب — کان سیه کاسه در آخر بکشد مهمان را

هر که را خوابگه آخر مشتی خاک است — گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد — وقت آن است که بدرود کنی زندان را

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

جواب فال (۹)

فقط در صورتی موفق خواهی شد که زیاد بفکر تحمیلات زندگی نباشی و اگر همه مشکلات حل شد به زودی به خوشبختی کامل می‌رسی حتی در آن موقع خدا را فراموش نکن، تو آدم خوشختی هستی خدا به تو لطف بسیار دارد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خرابات مغان

۱۰

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما — چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما

ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون — روی سوی خانهٔ خمار دارد پیر ما

در خرابات طریقت ما بهم منزل شویم — کاین چنین رفته است در عهد ازل تقدیر ما

عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوشست — عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد — زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

با دل سنگینت آیا هیچ در گیرد شبی — آه آتشناک و سوز سینهٔ شبگیر ما

تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش
رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

جواب فال (۱۰)

آنقدر آه تو دامن گیر است که اگر از کمان جدا شود شر دشمنانت را خواهد کند پس سعی کن مأیوس نباشی و به آینده دقیق بنگری و از زندگی لذت بری چون تقدیر تو چنین است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

کرشمه

۱۱

ساقی به نور باده بر افروز جام ما — مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم — ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق — ثبت است بر جریدهٔ عالم دوام ما

چندان بود کرشمه و ناز و سهی قدان — کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما

ای باد اگر بگلشن احباب بگذری — زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما

گو نام ما ز یاد بعد را چه می بری — خود آید آنکه یاد نیاری ز نام ما

مستی بچشم شاهد دلبند ما خوش است — زان رو سپرده اند بمستی زمام ما

ترسم که صرفه ای نبرد روز بازخواست — نان حلال شیخ ز آب حرام ما

دریای اخضر فلک و کشتی هلال — هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

حافظ ز دیده دانهٔ اشکی همی فشان
باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما

جواب فال (۱۱)

زندگی به کام تو می‌باشد پس بکوش تا از این چیزی که نصیب تو شده لذت ببری به دلت بد راه نده، سعی کن از آنچه داری لذت ببری آنچه که از راه حلال بدست آورده‌ای صدها مرتبه بهتر از آن چیزی است که از راه حرام بدست تو بیاید و تو را در یک مقطع زمانی خوشحال کند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عزم دیدار

۱۲

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما — آب روی خوبی از چاه زنخدان شما

عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده — باز گردد یا برآید چیست فرمان شما

کس به دور نرگست طرفی نبست از عافیت — به که مفتون نشوند مستوری و مستان شما

بخت خواب آلود ما بیدار خواهد شد مگر — زانکه زد بر دیده آب روی رخشان شما

با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته ای — بو که بویی بشنویم از خاک بستان شما

عمر تان باد و مرادای ساقیان بزم جم — گر چو جام ما نشد پیری به دوران شما

دل خرابی می کند دلدار را آگه کنید — زینهار ای دوستان جان من و جان شما

گرچه دوریم از بساط قرب هست نزدیک — بندهٔ شاه شاهیم و ثنا خوان شما

ای شه شاه بلند اختر خدا را همتی — تا ببوسم همچو اختر خاک ایوان شما

می کند حافظ دعایی بشنو و آمینی بگو
روزی ما باد بسل شکر افشان شما

جواب فال (۱۲)

آدم دل پاکی هستی و در دوستی بسیار رعایت دیگران را می‌کنی دوستان تو باید بدانند اگر با تو بد تا کنند باید منتظر عقوبت آن باشند تو به یک زندگی خوب می‌رسی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نگارستان ۱۴

گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب — گفت در دنبال دل رفتم کن این مسکین غریب

گفتمش مگذر زرائی گفت معذورم بدار — خانه پر درد و چه تاب آرد غم چندین غریب

خفته بر بخت شاهی نازنینی را چه غم — گر ز خار و خاره سازد بستر و بالین غریب

ای که در زنجیر زلفت جای چندین آشناست — خوش فتاد آن خال مشکین بر رخ نسرین غریب

می نماید عکس می در رنگ روی همچو مشت — همچو برگ ارغوان بر صفحهٔ نسرین غریب

بس غریب افتاده است آن مورد خرگه رخت — گرچه بنود در نگارستان خط مشکین غریب

گفتم ای شام غریبان طرهٔ شبرنگ تو — در سر گلامان حذر کن چون بنالد این غریب

گفت حافظ آشنایان در مقام حیرتند
دور نبود گر نشیند خسته و مسکین غریب

جواب فال (۱۴)

تو اصلاً غمگین مباش در جایی قدم نهاده‌ای که بستر خوشی را برایت مهیا کرده اند اگر دنبال کار خیر هستی پس شتاب کن اگر هم دوست داری ازدواج کنی پس هرچه زودتر. خدا در همه کارها کمکت می‌کند چه شانسی بهتر از این .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

تخت زمرد ۱۳

می دمید و گلبست سحاب — الصبوح الصبوح یا اصحاب

می چکد ژاله بر رخ لاله — المدام المدام یا احباب

می وزد از چمن نسیم بهشت — هان بنوشید دم به دم می ناب

تخت زمرد زده است گل بچمن — راح چون لعل آتشین دریاب

در میخانه بسته اند دگر — افتح یا مفتح الابواب

لب و دندانت را حقوق نمک — هست بر جان و سینه‌های کباب

این چنین نوشی عجب باشد — گر ببندند میکده به شتاب

بر رخ ساقی پری پیکر
همچو حافظ بنوش باده ناب

جواب فال (۱۳)

فقط کار خودت را بکن با کسانی مشورت بکن که حسود و ریاکار نیستند -اگر دری بسته شد از حکمت خداست مطمئن باش به رحمت خدا دری گشوده می‌شود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

فتنه در جهان ۱۶

غمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت — به قصد جان من زار ناتوان انداخت

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود — زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

به یک کرشمه که نرگس به خود فروشی کرد — فریب چشم تو صد فتنه در جهان انداخت

بنفشه طرهٔ مفتول خود گره می زد — صبا حکایت زلف تو در میان انداخت

ز شرم قامت یارم که بر روی تو نسبتش کردند — سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت

من از وجود مطرب ندیدمی زین پیش — هوای منسجمی نام این و آن انداخت

کنون به آب می لعل خرقه می شویم — نصیبهٔ ازل از خود نمی توان انداخت

مگر گشایش حافظ درین خرابی بود — که بخشش ازلش در مغان انداخت

جهان به کام من اکنون شود که دور زمان
مرا به بندگی خواجه جهان انداخت

جواب فال (۱۶)

اگر در کارت نیّت خیر نباشد مطمئن باش شکست خواهی خورد باید رعایت حال مردم را بکنی، کینه را از دل بیرون کن انشاءالله به خوشبختی خواهی رسید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

چشم خمارین ۱۵

ای شاهد قدسی که کند بند نقابت — وی مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت

درویش نمی پرسی و ترسم که نباشد — اندیشهٔ آمرزش و پروای ثوابت

راه دل عشاق زد آن چشم خمارین — پیداست از این شیوه که مست است شرابت

تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت — تا باز چه اندیشه کند رای صوابت

هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی — پیداست نگار اگر بلندست جنابت

دور است سر آب ازین بادیه هشدار — تا غول بیابان نفریبد به سرابت

تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل — باری به غلط صرف شد ایام شبابت

ای قصر دل افروز که منزلگه انسی — یارب مکناد آفت ایام خرابت

حافظ نه غلامی است که از خواجه گریزد
صبحی کن و باز آ که خرابم ز عتابت

جواب فال (۱۵)

با حوصله دنبال آ، کسی که هستی برو شاید تیرت در یک مقطع زمانی به خطا رود اما به هدفت می‌رسی، عاشق باید جگر شیر داشته باشد و معشوق را تحمل کند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

غم جانانه

۱۷

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت — آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت

تنم از واسطهٔ دوری دلبر بگداخت — جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

سوز دل بین که ز بس آتش شکم دل شمع — دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت

آشنایی نه غریبست که دلسوز من است — چون من از خویش بخندم دل بیگانه بسوخت

غرقه زهد مرا آب خرابات ببرد — خانهٔ عقل مرا آتش میخانه بسوخت

چون پیاله دلم از توبه گرو شکست — همچو لاله جگرم بی می و خمخانه بسوخت

ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردم چشم — غرقه از سرمه بدر آمد و دیگر از دیده بسوخت

ترک افسانهٔ گو حافظ و می نوش دمی
که نخفتیم شب و شمع به افسانه بسوخت

جواب فال (۱۷)

حقیقت زندگی را باور کن به دنبال آرزوهای محال نباش آنچه را که داری شکر کن با احتیاط عمل کن باید تلاش زیاد بکنی به دنبال غیرممکن نباش، آنچه که داری از آن کمال استفاده را بکن، انشاءالله که خوب است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ایام فراق

۱۸

ساقیا آمدن عید مبارک بادت — وان مواعید که کردی مرو از یادت

در نگفتم که درین مدت ایام فراق — بر گرفتی ز حریفان دل و دل می دادت

برسان بندگی دختر رز گو بدر آی — که دم و همت ما کرد ز بند آزادت

شادی مجلسیان در قدم و مقدم تست — جای غم باد هر آن دل که نخواهد شادت

شکر ایزد که ز تاراج خزان رخنه نیافت — بوستان من و سرو و گل و شمشادت

چشم بد دور کزان تفرقه‌ات باز آورد — طالع نامور و دولت مادرزادت

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
ور ز طوفان حوادث ببرد بنیادت

جواب فال (۱۸)

تو انسان چیزفهمی هستی، دیگران را درک می‌کنی،سعی کن به بیچارگان کمک کنی، دعا را فراموش نکن، مناجات با خدا و شب زنده‌داری باعث اخلاص تو در درگاه حق تعالی می‌شود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

* فکر معقول

۱۹

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست — منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست

شب تار است و ره وادی ایمن در پیش — آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد — در خرابات بگویید که هشیار کجاست

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند — نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست

هر سر موی مرا با تو هزاران کار است — ما کجاییم و ملامتگر بی‌کار کجاست

باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش — کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست

عقل دیوانه شد آن سلسلهٔ مشکین کو — دل ز ما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست

ساقی و مطرب و می جمله مهیاست ولی — عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج
فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

جواب فال (۱۹)

همه آدمها یک مشکلی دارند چون معصوم نیستند سعی نکن هرکسی را محرم اسرار خود کنی با یک انسان دوراندیش مشورت کن، دست از کار و کوشش بر ندار، چرا که جدیت در کار تو را پیروز می‌گرداند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حریفان نفاق

۲۰

روز و یک سو شد و عید آمد و دلها برخاست — می و خمخانه به جوش آمد و می باید خواست

نوبت زهد فروشان گران جان بگذشت — وقت رندی و طرب کردن رندان پیداست

چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد — این چه عیبست بدین بی‌خردی این چه خطاست

باده نوشی که در او روی و ریایی نبود — بهتر از زهد فروشی که در او روی و ریاست

ما نه رندان ریاییم و حریفان نفاق — آنکه او عالم سر است بدین حال گواست

فرض ایزد بگزاریم و بکس بد نکنیم — وانچه گویند روا نیست نگوییم رواست

چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم — باده از خون رزانست نه از خون شماست

این چه عیبست کزان عیب خلل خواهد بود
ور بود نیز چه شد مردم بی عیب کجاست

جواب فال (۲۰)

آینده‌ای روشن و زیبا در انتظارت است، برای رسیدن به این خوشبختی شکرگزار درگاه خداوند باش و از اعمال نیک غافل نشو، زیرا سعادت تو در گرو اعمال نیک است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خلوتیان ملکوت

۲۱

دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست — گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

کشیدی که دین بزم دمی خوش بنشست — که نه در آخر صحبت به ندامت برخاست

شمع اگر زان لب خندان سخن با زبان لافی زد — پیش عشاق تو شبها به غرامت برخاست

چمن باد بهاری ز کنار گل و سرو — به هواداری آن عارض و قامت برخاست

مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت — به تماشای تو آشوب قیامت برخاست

پیش رفتار تو با بنگرفت از خجلت — سرو سرکش که بناز از قد و قامت برخاست

حافظ این خرقه بیندازکه جان بیری
کاتش افرقه سالوس کرامت برخاست

جواب فال (۲۱)

چرا فکر می‌کنی همیشه دیگران راست می‌گویند ؟ زیادی به دیگران تکیه می‌کنی، سعی کن حتی شده به غلط کارت را انجام بدهی، تا برایت تجربه شود. ایمانت را محکم کن و خدا را فراموش نکن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ندای عشق

۲۲

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست — سخن شناس نیی جان من خطا اینجاست

سرم به دنیی و عقبی فرو نمی آید — تبارک الله ازین فتنه ها که در سر ماست

در اندرون من خسته دل ندانم کیست — که من خروشم و او در فغان و در غوغاست

دلم ز پرده برون شد کجایی ای مطرب — بنال هان که ازین پرده کار ما بنواست

مرا به کار جهان هرگز التفات نبود — رخ تو در نظر من چنین خوش آراست

نخفته ام ز خیالی که می پزد دل من — خمار دیشب دارم شراب خانه کجاست

چنین که صومعه آلوده شد ز خون دلم — کرم بباده شوید حق بدست شماست

از آن به دیر مغانم عزیز میدارند — که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

چه سازبود که در پرده می زد آن مطرب — که رفت عمر و هنوزم دماغ پر ز هواست

ندای عشق تو دیشب در اندرون دادند
فضای سینه حافظ هنوز پر ز صداست

جواب فال (۲۲)

چیزی بنام وجدان برای زندگیت قضاوت می‌کند پیوسته در درون تو غوغاست سعی کن به آن رجوع کنی، با ندای درونت کنار بیا.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پیوند جان

۲۳

خیال روی تو در هر طریق همراه ماست — نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست

به رغم مدعیانی که منع عشق کنند — جمال چهره تو حجت موجه ماست

ببین که سیب زنخدان تو چه می گوید — هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست

اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد — گناه بخت پریشان و دست کوته ماست

به حاجب در خلوت سرای خاص بگو — فلان ز گوشه نشینان خاک درگه ماست

بصورت از نظر ما اگرچه محجب است — همیشه در نظر خاطر مرفه ماست

اگر به سالی حافظ دمی ز بندگیت شای
که سالهاست که مشتاق روی چون مه ماست

جواب فال (۲۳)

خدا به تو توجه دارد سعی کن اعمالت در جهت رضای خدا باشد آینده خوبی در انتظار توست، از این فرصت بدست آمده کمال استفاده را ببر، فرصتها را غنیمت شمار.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مقام عیش

۲۵

شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست — صلای سرخوشی ای صوفیان باده پرست

اساس توبه که در نمکی چو سنگ نمود — ببین که جام زجاجی چه طرفه اش بشکست

بیار باده که در بارگاه استغنا — چه پاسبان و چه سلطان چه هوشیار و چه مست

ازین رباط دودر چون ضرورتست رحیل — رواق و طاق نشیمت چه بلند و چه پست

مقام عیش میسر نمی شود بی رنج — بلی بحکم بلا بسته اند عهد الست

بهست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می باش — که نیستی است سرانجام هر کمال که هست

شکوه آصفی و اسب باد و خلق طیر — به باد رفت و از و خواجه هیچ طرف نبست

به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی — هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست

زبان گلک تو حافظ چه شکر آن گوید
که گنج نعمت می بندد ست به دست

جواب فال (۲۵)

اگر می‌خواهی خوش زندگی کنی باید تلاش کنی و قانع باشی و کارهای خوبت را همیشه به نکوئی یاد می‌کند و چون عمر فنا شدنی است پس غصه‌اش را نخور خوش باش.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

دولت عشق

۲۴

مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست — که به پیمانه‌کشی شهره شدم روز الست

من همان دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق — چاتکبیری زدم و یکسره بر هر چه که هست

می بده تا دهمت آگهی از سر قضا — که بدین مرتبه از جام جهان‌بین شده مست

گر کوه کم است از کمر مور اینجا — ناامید از در رحمت مشو ای باده‌پرست

بجز آن نرگس مستانه که چشمش مرساد — زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

جان فدای دهنش باد که در باغ نظر — چمن آرای جهان خوشتر ازین غنچه نبست

حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد

یعنی از دخل تواش نیست بجز باد به دست

جواب فال (۲۴)

از اینکه به معنویات فکر می‌کنی آرامش خیالی در ضمیر تو بوجود آمده، به همین بس که در این دنیای فانی متوجه اهل زندگی شده‌ای.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خنده جام می

۲۶

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست — پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

نرگسش عربده‌جوی و لبش افسوس‌کنان — نیمشب دوش بر بالین من آمد بنشست

سر فراگوش من آورد به آواز حزین — گفت ای عاشق دیرین خبرت هست که مست

عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند — کافر عشق بود گر نشود باده‌پرست

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر — که نداد بجز این تحفه به ما روز الست

آنچه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم — اگر از خمر بهشت است و گر از باده مست

خنده جام می و زلف گره‌گیر نگار

ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست

جواب فال (۲۶)

از مسائلی که برایت پیش خواهد آمد کمال استفاده را بکن یا مشکلات بجنگ حتماً موفق خواهی شد با همه به نرمی رفتار کن، کینه هیچ کس را به دل نگیر، سعی کن خوب باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حق قدیم

۲۸

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست — که مونس دم و همدم دعای دولت تست

سرشک من که ز طوفان نوح دست ببرد — ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شست

بکن معامله‌ای وین دل شکسته بخر — که با شکستگی ارزد به صد هزار درست

زبان مور به آصف در از گشت و روا است — که خواجه خاتم جم یاد کرد و باز نجست

دلا طمع مبر از لطف بی‌نهایت دوست — چو لاف عشق زدی سر ببر چابک و چست

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست — که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز — نمی‌کنی به ترحم نظاره سلسله‌ست

مرنج حافظ و از دلبران حاجت مجوی

گناه باغ چه باشد چو این گیاه نرست

جواب فال (۲۸)

از اینکه کار تو به سر منزل مقصود نرسید ناراحت نباش شاید یک جای کار تو اشکال داشته، پس ناامید نشو تلاش کن، و از اشتباهات گذشته عبرت بگیر انشاءالله موفق خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شمع دل

۲۷

در دیر مغان آمدیم قدحی در دست — مست از می و میخواران از نرگس مستش مست

در نعل سمند او شکل مه نو پیدا — وز قد بلند او بالای صنوبر پست

آخر به چه گویم سبب از خود و خبرم چون نیست — وز هر چه گویم نیست با وی نظرم چون هست

شمع دل دمسازم بنشست چو او برخاست — وافغان ز نظربازان برخاست چو او بنشست

گر غالیه خوشبو شد در گیسوی او پیچید — ور دسته گلی گشت در ابروی او پیوست

باز آی که باز آید عمر شده حافظ

هر چند که ناید باز تیری که بشد از شست

جواب فال (۲۷)

از فرصت‌های بدست آمده استفاده کن، تو می‌خواهی کاری را انجام دهی پس انجام بده، تعلل نکن، چون سرنوشت خوبی برایت رقم خورده شده، حتماً موفق خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

طواف کعبه

۳۰

زلفت هزار دل به یکی تاره موبیست — راه هزار چاره که از چاره رویست
تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان — بگشود نافه‌ای و در آرزویست
شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو — ابرو نمود و جلوه گری کرد و رویست
ساقی به چند رنگ می اندر پیاله ریخت — این نقشها نگر که چه خوش در کدویست
یارب چه غمزه کرد و صراحی که خون خم — با نغمه‌های غلغلش اندر گلویست
مطرب چه پرده ساخت که در پرده سماع — بر اهل وجد و حال درهای دیویست

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست
احرام طوف کعبه دل بی وضویست

جواب فال (۳۰)

از زندگی خسته و ناامید شده‌ای به اطراف خود نگاه کن و ببین که مشکلات برای همه بوجود می‌آید پس ناامیدی را کنار بگذار صبر و تحمل را پیشه کن تا بر مشکلات فائق آیی زندگی را جدی بگیر، سعی و تلاش کن، موفقیت در انتظار توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خیال تو

۲۹

ما را ز خیال تو چه پروای شرابست — غم کو سر خود گیر که غمخانه خرابست
گر خبر شت است بریزید که بی دوست — بر شربت عدلم که دهی عین عذابست
افسوس که شد دلبر و در دیده گریان — تحریر خیال خط و نقشش بر آبست
بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود — زین سیل دمادم که درین منزل خوابست
مشتاق عیان می گذرد بر تو ولیکن — اغیار بسی بیند از آن بسته نقابست
گل برخ رنگین تو تا لطف عرق دید — در آتش شوق آنم دل غرق گلابست
سزاست در دشت بیابان گذاریم — دست از سر آبی که جهان جمله سرابست
در کنج دماغم مطلب جای نصیحت — کاین گوشه پر از زمزمه چنگ و ربابست

حافظ چه شد ار عاشق و رند است و نظرباز
بس طور عجب لازم ایام شبابست

جواب فال (۲۹)

از شکست های گذشته زندگیت برای رسیدن به موفقیتهای آتی استفاده کن از خدا مدد بجو به کار و زندگیت بی اعتنا نباش، با تلاش مجدد موفقیت تو حتمی است در همه کارهایت به خدا توکل کن با تلاش و توکل به خدا انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سرو چمن

۳۲

خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست — گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست
مرا و سرو چمن را به خاک راه نشاند — زمانه تا قصب زرکش قبای تو بست
ز کار ما و دل غنچه صد گره بگشود — نسیم گل چو دل اندر پی هوای تو بست
مرا به بند تو و دوران چرخ راضی کرد — ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست
چو ما ذبرد دل مسکین من گره بنگشن — که عهد با سر زلف گره گشای تو بست
تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال — خلاف کرد دل امیدوار و فای تو بست

ز دست جور تو تنگم ز شرم خواهم رفت
به بند و گفت که حافظ بر و که پای تو بست

جواب فال (۳۲)

درهای سعادت بر رویت گشوده شده است، بخت و اقبال به شما رو کرده برای رسیدن به اهدافت از یاری دوستان خوب مدد بگیر به خدا توکل کن و حرف یاوه‌گویان را گوش مده و خودت به دنبال رسیدن به اهدافت باش و در راهی که پیش می‌گیری تردید نکن خداوند پشتیبان توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

تاج خورشید

۳۱

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشبست — یارب این تأثیر دولت در کدامین کوکبست
تا کبیسی تو دست نا سزایان کم رسد — هر دلی از حلقه‌ای در ذکر یارب یاربست
کشته چاه زنخدان توام کز هر طرف — صد هزارش کاروان جان ز یر طوق غبغبست
شهسوارا که مه آینه دار روی اوست — تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکبست
عکس خوی بر عارضش بین کافتاب گرم رو — در هوای آن عرق تا هست سر در قلب قبست
من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می — زاهدان منعم و دارید کاینم مذهبست
اندر آن موکب که بر پشت صبا بندند زین — با سلیمان چون برانم من که مورم کمرکبست
آنکه ناوک بر دل من زیر چشمی می زند — قوت جان حافظش در خنده زیر لبست

آب حیوانش ز نفتا بر لافت می چکد
زاغ کلک من بنام ایزد چه عالی مشربست

جواب فال (۳۱)

می‌گویند شب قدر شبی است که درهای رحمت خدا گشوده خواهد شد این فرصت بدست آمده را از دست مده، چون خدا به تو نظر کرده، پس تو مورد الطاف خداوندی قرار گرفته‌ای، هرچه زودتر از این فرصت استفاده کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

منظر چشم

۳۴

رواق منظر چشم من آشیانه تست — کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست

بلطف خال و خط از عارفان ربودی دل — لطیفه‌هایی عجب زیر دام و دانه تست

دلت به وصل گل ای بلبل صبا خوش باد — که در چمن همه گلبانگ عاشقانه تست

علاج ضعف دل ما بلب حوالت کن — که این مفرح یاقوت در خزانه تست

به تن مقیم‌م از دولت ملازمت — ولی خلاصه جان خاک آستانه تست

من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی — درخزانه به مهر تو و نشانه تست

تو خود چه‌ایی ای شهسوار شیرین کار — که تو منی چو فلک رام تازیانه تست

چه جای من که بنفرد سپهر شعبده باز — ازین حیل که در انبانه بهانه تست

سرود مجلست اکنون فلک به رقص آرد
که شعر حافظ شیرین سخن ترانه تست

جواب فال (۳۴)

درهای سعادت همیشه بر روی شما گشوده است و همای رحمت همیشه بروی بام شماست این نتیجه تلاش و همت و روح بزرگ توست، به موفقیتهای بزرگی دست خواهی یافت. شکر گذار راهنمایت با ش و همیشه به او توکل کن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

کوی دوست

۳۳

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت — چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت

جانا به حاجتی که ترا هست با خدا — کاخر دمی بپرس که ما را چه حاجت

ای پادشاه حسن خدا را بزنیم — آخر سؤال کن که گدا را چه حاجت

ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست — در حضرت کریم تمنا چه حاجت

محتاج قدغنیست کرت قصد خون ماست — چون رخت از آن تست بیغما چه حاجت

جام جهان نماست ضمیر منیر دوست — اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت

آن شد که بار منت طاح بردمی — گوهر چو دست داد به دریا چه حاجت

ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست — احباب حاضرند به اعدا چه حاجت

ای عاشق گدا چو لب روح بخش یار — می دادنت وظیفه تقاضا چه حاجت

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود
با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت

جواب فال (۳۳)

از دوستان ناباب و کسانی که خیر زندگی تو را نمی‌خواهند دوری کن، عزت نفس داشته باش با همت و پشتکار خود و توکل به خدا انشاءالله در راهی که در پیش داری نیازی به دیگران پیدا نمی‌کنی از معاشرت با انسانهای پست و بی مایه پرهیز کن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

چشم جادو

۳۶

تا سر زلف تو در دست نسیم افتادست — دل سودازده از خصه دو نیم افتادست

چشم جادوی تو خود عین سواد سحر است — لیکن این بس که آن نرگس نیم افتادست

در خم زلف تو آن خال سیه دانی چیست — نقطه دودهٔ که در حلقهٔ جیم افتادست

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار — چیست طاووس که در باغ نعیم افتادست

دل من از هوس بوی تو ای مونس جان — خاک راهیست که در دست نسیم افتادست

هر سحر گو این تن خاکی نتواند برخاست — از سر کوی تو زان رو که عظیم افتادست

سایهٔ قد تو بر قالبم ای سیمبر دم — عکس رویست که بر جام جم افتادست

آنکه بر کنجب مقامش بنداز یاد لبت — بر در میکده دیدم که مقیم افتادست

حافظ گشده را با غمت ای یار عزیز
استادیست که در مسجد قدیم افتادست

جواب فال (۳۶)

یار شیرینت از تو جدا افتاده برای هیچ عاشقی رسیدن به معشوق به سادگی بدست نیامده غم و غصه خوردن را رها کن با سعی و تلاش و همتی بالا انشاءالله که موفق می‌شی .

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نصیحت

۳۵

بر رهٔ کارخودای واعظ این چه فریاد است — مرا فتاد دل از ره ترا چه افتادست

میان او که خدا آفریده است از هیچ — دقیقه ایست که هیچ آفریده نگشادست

به کام تا نرساند مرا لبش چون نای — نصیحت همه عالم به گوش من بادست

گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است — اسیر عشق تو از هر دو عالم آزادست

اگر چه مستی عشقم خراب کرد ولی — اساس هستی من زان خراب آبادست

دلا مثال زبید داد و جو یار که یار — ترا نصیب همین کرده و این دادست

برو فسانه خوان و فسون مدم حافظ
کزین فسانه و افسون مرا بسی یادست

جواب فال (۳۵)

همچون سالکی که در راه سیر و سلوک پیمی به خود راه نمی‌دهد با قلبی سرشار از امید بدون واهمه به راه خود ادامه بده موفقیت تو زبانزد خاص و عام خواهد شد از دوستان ناباب برحذر باش.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

قصر آمال ۳۷

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است — بیار باده که بنیاد عمر بر باد است
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود — ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
چه گویمت که به میخانه دوش مست و خراب — سروش عالم غیبم چه مژده ها داد است
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین — نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
نصیحتی کنمت یاد گیر و در عمل آر — که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است
غم جهان مخور و پند من مبر از یاد — که این لطیفه هشتم ز پیر دلشاد است
رضا به داده بده و ز جبین گره بگشای — که بر من و تو در اختیار نگشاد است
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد — که این عجوزه عروس هزار داماد است
نشان عهد و وفا نیست در تبسم گل — بنال بلبل بیدل که جای فریاد است

حسد چه می بری ای سست نظم بر حافظ
قبول خاطر و لطف سخن خداداد است

جواب فال (۳۷)

بلند پروازی‌ها و آمال و آرزوهای پوچ و عبث را از فکر خود بیرون کن دنیا محل گذر است ، دم را غنیمت شمار و حرص و حسرت را از خودت دور کن به خدا توکل کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

هنگام وداع ۳۸

بی مهر رخت روز مرا نور نماندست — وز عمر مرا جز شب دیجور نماندست
هنگام وداع تو بس کز گریه کردم — دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست
می رفت خیال تو ز چشمم و می گفت — هیهات ازین گوشه که معمور نماندست
وصل تو اجل رازسرم دور همی داشت — از دولت هجر تو کنون دور نماندست

نزدیک شد آن دم که رقیب تو بگوید — دور از رخت این خسته رنجور نماندست
صبر است مرا چاره هجران تو لیکن — چون صبر توان کرد که مقدور نماندست
در هجر تو کز چشم مرا آب روانست — کو خون جگر ریز که معذور نماندست

حافظ ز غم اگر گریه نپرداخت به خنده
ماتم زده را داعیه سور نماندست

جواب فال (۳۸)

فراق و دوری عزیزی شما را بی تاب می‌کند صبور باشید و به وصال امیدوار روز وصل اگرچه با تأخیر ولی بوجود خواهد آمد اگر انسان با رنج به چیزی دسترسی پیدا کند شیرین و دلچسب تر خواهد بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نازنین پسر ۳۹

باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است — شمشاد خانه پرور ما از که کمتر است
ای نازنین پسر تو چه مذهب گرفته ای — کت خون ما حلال تر از شیر مادر است
چون نقش غم ز دور ببینی شراب خواه — تشخیص کرده ایم و مداوا مقرر است
از آستان پیر مغان سر چرا کشیم — دولت درین سرا و گشایش درین در است
یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب — کز هر زبان که می شنوم نامکرر است
وی وعده داد و صلح و در سر شراب داشت — امروز تا چه گوید و بازش چه در سر است
شیراز و آب کن و لبان یار خوش نسیم — عیش مکن که خال رخ هفت کشور است
ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم — با پادشه بگوی که روزی مقدر است

حافظ چه طرفه شاخ نباتیست کلک تو
کش میوه دلپذیرتر از شهد و شکر است

جواب فال (۳۹)

برای انسانهای پوچ و عبث گو احترامی قائل مشو و بدان که رفتارهای آنها از حسادتشان منشأ می‌گیرد ولی درود بر تو ای عزیز که بی نیازی و قناعت در طبع و ذات توست و ظواهر دنیا برایت به هیچ نمی‌ارزد دلیل کامروایی‌ات همین خواهد بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

محرم راز ۴۰

الا ندا که در میکده باز است — زان رو که مرا بر در او روی نیاز است
خمها همه در جوش و خروشند ز مستی — وان می که در آنجاست حقیقت نه مجاز است
از وی همه مستی و غرور است و تکبر — وز ما همه بیچارگی و عجز و نیاز است
رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم — با دوست بگوییم که او محرم راز است
شرح گلشن زلف خم اندر خم جانان — کوته نتوان کرد که این قصه دراز است
با رند دل مجنون و خم طره لیلی — رخساره محمود و کف پای ایاز است
بر دوخته ام دیده چو باز از همه عالم — تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
در کعبه کوی تو هر آنکس که در آید — از قبله ابروی تو در عین نماز است

ای مجلسیان سوز دل حافظ مسکین
از شمع بپرسید که در سوز و گداز است

جواب فال (۴۰)

شاکر کسی باش که لطفش در همه حال شامل حالت خواهد بود به او توکل کن به اویی که یاری باوفا و محرم اسراری با صفا را در مسیر زندگیت قرار داده مهر و محبت را توشه سفر زندگیت کن انشاءالله که هیچگاه نیازمند نخواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

قصه فاش

۴۲

حال دل با تو گفتنم هوس است — خبر دل شنفتنم هوس است

طمع خام بین که قصه فاش — از رقیبان نهفتنم هوس است

شب قدری چنین عزیز و شریف — با تو تا روز خفتنم هوس است

وه که دزدانه‌ای چنین نازک — در شب تار رفتنم هوس است

ای صبا اشبم مده فرهای — که سحرگه شکفتنم هوس است

از برای شرف بنوک مژه — خاک راه تو رفتنم هوس است

هیچ حافظ به زعم مدعیان
شعر رندانه گفتنم هوس است

جواب فال (۴۲)

برای رسیدن به موفقیت از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنی حاضر هستی مشکلترین شرایط را تحمل کنی و به هدفت برسی بدخواهان در مسیرت قرار گرفته‌اند رسیدن به هدف به زودی برایت مقدور نیست ولی با کوششی بسیار و سعی و تلاش انشاءالله موفق خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

باده فرح بخش

۴۱

اگرچه باده فرح بخش و باد گل بیز است — به بانگ چنگ مخوری که محتسب تیز است

صراحی و حریفی گرت به چنگ افتد — بعقل نوش که ایام فتنه انگیز است

در آستین مرقع پیاله پنهان کن — که همچو چشم صراحی زمانه خونریز است

به آب دیده بشویم خرقه‌ها ازمی — که موسم ورع و روزگار پرهیز است

مجوی عیش خوش از دور باژگون سپهر — که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است

سپهر برشده پرویزنیست خون افشان — که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

عراق و فارس گرفتی بشعر خوش حافظ
بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

جواب فال (۴۱)

برای هر کاری بهایی را بپرداز که ارزش آن را داشته باشد بلند پرواز و زیاده خواه نباش به آنچه داری اکتفا کن، دل به جوانی زودگذرت خوش مکن عمر کوتاه‌تر از آن است که فکرش را کنی، هر بهاری خزانی دارد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حدیث مدعیان

۴۴

کنون که کف گل جام باده صافست — به صد هزار زبان بلبلش در اوصافست

بخواه دفتر اشعار و راه صحرا گیر — چه وقت مدرسه و بحث کشف کشافست

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد — که می حرام ولی به ز مال اوقافست

به درد و صاف تو احکم نیست خوش بکش — که هر چه ساقی ما کرد عین الطافست

بهر ز خلق و ز عنقا قیاس کار بگیر — که صیت گوشه نشینان ز قاف تا قافست

حدیث مدعیان و خیال همکاران — همان حکایت زرد و زبو ریافست

خموش حافظ و این نکته‌های چون زر صرخ
نگاه دار که قلاب شهر صرافست

جواب فال (۴۴)

درهای موفقیت بسویت گشوده شده است و به هرچه اراده کنی خواهی رسید رقیبان و بد خواهانی در گروه تمجید کنندگان تو قرار گرفته‌اند و بدان که به دنبال جاه و مقام تو هستند هشیار باش و سنجیده عمل کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

صحبت یار

۴۳

صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوشست — وقت گل خوش باد کز وی وقت میخواران خوشست

از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود — آری آری طیب انفاس هواداران خوشست

نا گشوده گل نقاب آهنگ رحلت ساز کرد — ناله کن بلبل که گلبانگ دل افکاران خوشست

مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندر راه عشق — دوست را با ناله شبهای بیداران خوشست

نیست در بازار عالم خوشدلی ورنه که هست — شیوه رندی و خوشباشی عیاران خوشست

از زبان سوسن آزاده‌ام آمد به گوش — کاندرین دیرکهن کار سکباران خوشست

حافظا ترک جهان گفتن طریق خوشدلی است
تا نپنداری که احوال جهانداران خوشست

جواب فال (۴۳)

هیچ چیز در زندگی به اندازه سادگی و بی ریایی آرامش و لذت به همراه ندارد انسان ساده به خود امیدوار و مسلط است. معنی زندگی را در سادگی جستجو کن، انسان ساده امیدوارتر و فعال‌تر است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۴۶ ★ نغمه چنگ

گل در بر و می بر کف و معشوق به کام است — سلطان جهانم چنین روز غلام است

کو شمع میارید درین جمع که امشب — در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است

در مذهب ما باده حلال است ولیکن — بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است

گوشم همه بر قول نی و نغمه چنگ است — چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است

در مجلس ما عطر مياميز که ما را — هر لحظه ز گیسوی تو خوشبوی مشام است

ای چاشنی قند گو هیچ ز شکر — زان رو که مرا در لب شیرین تو کام است

آنکه غمت در دل ویرانه مقیم است — هواره مرا گنج خرابات مقام است

با محتسب عیب مگویید که او نیز — پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

حافظ ننشین بی می و معشوق زمانی
کایام گل و یاسمن و عید صیام است

جواب فال (۴۶)

به آینده امیدوار باش کامروایی و موفقیت در انتظار توست و تا آخر عمر با تو خواهد بود به هرچه می‌خواهی، خواهی رسید. از همه چیز بی نیاز می‌شوی.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۴۵ عمر عزیز

درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است — صراحی می ناب و سفینه غزل است

جریده رو که گذرگاه عافیت تنگست — پیاله گیر که عمر عزیز بی بدل است

زمین ز بی خبری بر جهان بولم بوس — ملالت علاجم ز ظلم بی عملست

بچشم عقل درین رهگذار پر آشوب — جهان و کار جهان بی ثبات و بی محلست

بگیر طره مه چهره‌ای و قصه مخوان — که مهر و نحس ز تاثیر زهره و زحلست

دلم امیدفزایان به وصل روی تو داشت — ولی اجل به ره عمر رهزن املست

به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش
چنین که حافظ ماست باده از لست

جواب فال (۴۵)

آنچه از انسان می‌ماند چیزی جز محبت و نیکوکاری نیست انسان فانی است و عمر کوتاهتر از آنکه فکرش را کنی با انسانهای بی ریا معاشرت کن و بدان همه – هستند

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۴۸ راز نهان

صوفی از پرتو می راز نهانی دانست — گوهر هر کس ازین لعل توانی دانست

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس — که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

عرضه کردم دو جهان بر دل کارافتاده — بجز از مشق تو باقی همه فانی دانست

آن شد اکنون که ز ابنای عوام اندیشم — محتسب نیز درین عیش نهانی دانست

دلبر آسایش ما مصلحت وقت ندید — ورنه از جانب ما دل نگرانی دانست

سنگ و گل را کند از یمن نظر لعل و عقیق — هر که قدر نفس باد یمانی دانست

ای که از فرط عقل آیت عشق آموزی — ترسم این نکته به تحقیق مذانی دانست

می بیاور که نسازد به گل باغ جهان — هر که غارت گری باد خزانی دانست

حافظ این گوهر منظوم که از طبع انگیخت
اثر تربیت آصف ثانی دانست

جواب فال (۴۸)

به همنوعان و زیردستان و محتاجان کمک کن از مستمندان دستگیری کن که جز خوبی و نیکی چیزی از این دنیای فانی برایت نمی‌ماند قدر لحظه لحظه زندگیت را بدان .

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۴۷ سرافرازی

بکوی میکده هر سالکی که ره دانست — دری دگر زدن اندیشه تبه دانست

زمانه افسر رندی نداد جز بکسی — که سرفرازی عالم درین کله دانست

بر آستانه میخانه هر که یافت رهی — ز فیض جام می اسرار خانقه دانست

هر آنکه راز دو عالم ز خط ساغر خواند — رموز جام جم از نقش خاک ره دانست

ورای طاعت دیوانگان ز ما مطلب — که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست

دلم ز کرشمه ساقی امان نخواست به جان — چرا که شیوه آن ترک دل سیه دانست

ز جور کوکب طالع سحرگهان چشم — چنان گریست که ناهید دید و مه دانست

بلند مرتبه شاهی که نه رواق سپهر — فرو نه‌ای ز خم طاق بارگه دانست

حدیث حافظ و ساغر کسی نزد پنهان
چه جای محتسب و شحنه پادشه دانست

جواب فال (۴۷)

افراط و تفریط انسان را از راه درست و راست منحرف می‌کند اعتدال را در زندگی برگزین که راه راست همین است. و بدین وسیله حقایق را خواهی شناخت . انشاءالله که موفق خواهی شد.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

بت شیرین

۵۰

بدام زلف تو دل مبتلای خویشتن است
بکش غمزه که اینش سزای خویشتن است

گرت ز دست برآید مراد خاطر ما
بدست باش کنیزی بجای خویشتن است

بجان ای بت شیرین من که همچون شمع
شبان تیره مرادم فنای خویشتن است

چرا ای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل
مکن که آن گل خندان برای خویشتن است

بمشک چین و چگل نیست بوی گل محتاج
که نافه‌هاش ز بند قبای خویشتن است

مرو بخانهٔ ارباب بی مروت دهر
که گنج عافیت در سرای خویشتن است

بسوخت حافظ و در شرط عشقبازی او
هنوز بر سر عهد و وفای خویشتن است

جواب فال (۵۰)

اعتماد و اطمینان، مهر و محبت و وفاداری به ارمغان می‌آورد به کسی که دلباخته‌ای اعتماد داشته باش و بدان که به عهد و وفای خود پایبند است پس دلسرد مباش و به عهد خود وفا کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سیرت درویشان

۴۹

رو ضنه بدین خلوت درویشان است
مایحتشمی خدمت درویشان است

گنج عزت که طلسمات عجایب دارد
فتح آن در نظر همت درویشان است

قصر فردوس که رضوانش به دربانی نرفت
منظری از چمن نزهت درویشان است

آنچه زرمی شود از پرتو آن قلب سیاه،
کیمیایی است که در همت درویشان است

از کران تا بکران گرچه ظلم است ولی
از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

ای تو اگر مفروش این همه نخوت که ترا
سر و زر در کنف همت درویشان است

گنج قارون که فرو می‌شود از قهر و ز ناز
خانه باشی که هم از غیرت درویشان است

من غلام نظر آصف عهدم کورا
صورت خواجگی و سیرت درویشان است

حافظ از آب حیات ازلی می‌خواهی
منش خاک در خلوت درویشان است

جواب فال (۴۹)

کمی به معنویت بیاندیش و از فکرهای بیهوده و اندیشیدن به مال و منال دنیا بپرهیز، با یاران خود مهربان‌تر باش به خدا توکل کن که او راهگشا ست .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

دل غمگین

۵۲

روزگاریست که سودای بتان دین منست
غم این کار نشاط دل غمگین منست

دیدن روی ترا دیده جان‌بین باید
وین کجا مرتبه چشم جهان‌بین منست

یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
از مه روی تو و اشک چو پروین منست

تا مرا عشق تو تعلیم سخن گفتن داد
خلق را ورد زبان مدحت و تحسین منست

دولت فقر خدایا بمن ارزانی دار
کاین کرامت سبب حشمت و تمکین منست

واعظ شحنه شناس این غلطت گو مفروش
زانکه مسند گه سلطان دل مسکین منست

یارب این کعبه مقصود و تماشاگه کیست
که مغیلان طریقش گل و نسرین منست

حافظ از حشمت پرویز دگر قصه مخوان
که لبش جرعه‌کش خسرو شیرین منست

جواب فال (۵۲)

از فراق و دوری یارت به تنگ آمده‌ای با رنج بردن کاری از پیش نمی‌بری با اراده‌ای آهنین و تصمیمی راسخ در راه موفقیت قدم گذار انشاءالله که به مقصود و مرادت خواهی رسید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

منزلگه یار

۵۱

لعل سیراب بخون تشنه لب یار منست
وز پی دیدن او دادن جان کار منست

شرم از آن چشم سیه باد و شرکان دراز
هر که دل بر دن او دید و در انکار منست

ساروان رخت به دروازه هرکان سر کو
شاهراهی است که منزلگه دلدار منست

بنده طالع خویشم که درین قحط وفا،
عشق آن لولی سرمست خریدار منست

طبله عطر گل و زلف عبیرافشانش
فیض یک شمه ز بوی خوش عطار منست

باغبان سبزه نسیم ز در خویش مران
کاب گلزار تو از اشک چو گلنار منست

شربت قند و گلاب از لب یارم فرمود
نرگس او که طبیب دل بیمار منست

آنکه در طرز غزل نکته به حافظ آموخت
یار شیرین سخن نادره گفتار منست

جواب فال (۵۱)

یاری که برگزیده‌ای زبانزد و شهره زیبایی و دلربایی است و تو شیفته سیرت و صورت او شده‌ای انتخاب بسیار درستی است انشاءالله که زندگی خوبی در پیش داشته باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

لب شیرین کلام ۵۴

ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است — ببین که در طلبت حال مردمان چون است
به یاد لعل تو و چشم مست میگونت — ز جام غم می لعلی که می خورم خون است
ز مشرق سر کوی آفتاب طلعت تو، — اگر طلوع کند طالعم همایون است
حکایت لب شیرین کلام فرهاد است، — شکنج طره لیلی مقام مجنون است
دلم بجو که قدت، همچو سرو دلجوی است — سخن بگو که کلامت لطیف و موزون است
ز دور باده به جان راحتی رسان ساقی — که رنج خاطرم از جور دور گردون است
از آن دمی که ز چشمم برفت رود عزیز — کنار دامن من همچو رود جیحون است
چگونه شاد شود اندرون غمگینم — به اختیار که از اختیار بیرون است

ز بخت دمی طلب یاری کند حافظ
چو مفلسی که طلبکار گنج قارون است

جواب فال (۵۴)

در فکر این هستی که به علت تنگ‌دستی به کسی که دلباخته هستی نمی‌رسی ولی بدان که مال و منال دنیا خوشبختی نمی‌آورد پس دلسرد

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پیر مغان ۵۳

منم که گوشه میخانه خانقاه من است — دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است
کرم ترانه چنگ و صبوح نیت چه باک — نوای من بسحر آه عذرخواه من است
ز پادشاه و گدا فارغم بحمدالله — گدای خاک در دوست پادشاه من است
غرض ز سجده بجا زام وصال شماست — جز این خیال ندارم خدا گواه من است
مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ورنه — رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است
از آن زمان که برین آستان نهادم روی — فراز مسند خورشید تکیه گاه من است

گناه اگرچه نبود اختیار ما حافظ
تو در طریق ادب باش گو گناه من است

جواب فال (۵۳)

خودت را از آلودگی‌ها پاک کن توبه کرده و به درگاه خداوند متعال که رهگشای هر ره گم کرده است روی آور بخاطر نیت خیر و سیرت پاک انشاءالله که خداوند با تو باشد پس ناشکری مکن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

گنجینه محبت ۵۶

دل سراپرده محبت اوست — دیده آیینه دار طلعت اوست
من که سر در نیاورم به دو کون — گر دنم زیر بار منت اوست
تو و طوبی و ما و قامت یار — فکر هر کس به قدر همت اوست
گر من آلوده دامنم چه زیان — همه عالم گواه عصمت اوست
من که باشم در آن حرم که صبا — پرده دار حریم حرمت اوست
بی خیالش مباد منظر چشم — زانکه این گوشه جای خلوت اوست
دور مجنون گذشت و نوبت ماست — هر کسی پنج روز نوبت اوست
ملکت عاشقی و گنج طرب — هر چه دارم ز یمن دولت اوست
من و دل گر فدا شدیم چه باک، — غرض اندر میان سلامت اوست

فقر ظاهر مبین که حافظ را
سینه گنجینه محبت اوست

جواب فال (۵۶)

جز به خدای خود به کسی دیگری اعتنا نداری و همیشه از او مدد می‌جویی این حق‌شناسی و دینداری تو زبانزد همه است و بدان با مهربانی و خوی نیکی که داری همیشه موفق هستی و دست خدا به همراهت است.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حدیث غمزه ۵۵

خم زلف تو دام کفر و دین است — نگارستان او یک شه این است
جمالت معجز حسن است لیکن — حدیث غمزه‌ات سحر مبین است
ز چشم شوخ تو جان کی توان برد — که دایم با کمان اندر کمین است
بر آن چشم سیه صد آفرین باد — که در عاشق‌کشی سحر آفرین است
عجب علی است علم هیئت عشق — که چرخ هشتم و هفتم زمین است
تو پنداری که بد گو رفت و جان برد — حسابش با کرام الکاتبین است

مشو حافظ ز کید زلفش ایمن
که دل بر دو کون در بند دین است

جواب فال (۵۵)

در زمان تولد مانند لوح سپید ناتوشته‌ای هستیم این اعمال بعدی ماست که ناتوشته را نوشته می‌کند و همین نوشته‌های برروی لوح است که مرتبه ما را در درگاه حق مشخص می‌کند پس بکوش که جز نیکی در نامه اعمالت ننویسند.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خال مشکین ۵۷

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست

گرچه شیرین دهنان پادشاهند ولی
او سلیمان زمانست که خاتم با اوست

روی خوبست و کمال هنر و دامن پاک،
لاجرم هست پاکان دو عالم با اوست

خال مشکین که بدان خاص کندم کونست
سر آن دانه که شد خرمن آدم با اوست

دلبرم عزم سفر کرد خدا را یاران
کیستم با دل مجروح که مرهم با اوست

با که این نکته توان گفت که آن نخجیر دل
کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست

حافظ از مفتقدان است گرامی دارش
زانکه بخشایش بس روح مکرم با اوست

جواب فال (۵۷)

یارت از تو آزرده شده و از تو دروی می‌کند با صبر و بردباری عمل کن و از این دوری موقت ناراحت مباش به خدا توکل کن و چاره هر دردی را از او بخواه انشاءالله که یار و یاورت خواهد بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عنبر افشان ۵۸

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست
که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

نظیر دوست ندیدم اگرچه از مه و مهر
نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست

صبا ز حال دل تنگ ما چه شرح دهد
که چون شکنج ورق‌های غنچه تو بر توست

زمین بوس این دیرند سوزم و بس
بسا سر اکه درین کارخانه خاک بدست

مگر تو شانه زدی زلف عنبر افشان را
که باد غالیه سا گشت و خاک عنبر بوست

نثار روی تو هر برگ گل که در چمن است
فدای قد تو هر سرو بن که بر لب جوست

زبان ناطقه در وصف شوق مالان است
چه جای گفت بریده زبان بیهده گوست

رخ تو در دلم آمد مراد خواهم یافت
چرا که حال نکو در قفای فال نکوست

ز این زمان دل حافظ در آتش هوس است
که داغدار ازل همچو لاله خودروست

جواب فال (۵۸)

با دوستان و یارانت با مهر و محبت و وفاداری برخورد کن و بدان که سعادت و موفقیت تو در داشتن یاران خوب است پس در این راه تلاش کن و نتیجه‌اش را ببین، باوفا باش و جفاکاری را کنار بگذار.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حال پریشان ۵۹

دارم امید عاطفتی از جناب دوست
کردم جنایتی و امیدم بعفو اوست

دانم که بگذرد ز سر جرم من که او
گرچه پریوش است ولیکن فرشته خوست

چندان گریستیم که هر کس که بر گذشت
در اشک ما چو دید روان گفت کاین چه جوست

هیچ است آن دهان که نبینیم از و نشان
موییست آن میان و ندانیم کآن چه موست

دارم عجب ز نقش خیالش که چون نرفت
از دیده‌ام که دیدنش کارشت و شوست

بی گفت و گوی زلف تو دل راهی کشد
با زلف دلکش تو که را روی گفت و گوست

عمریست تا ز زلف تو بویی شنیده‌ام
زان بوی در مشام دل من هنوز بوست

حافظ بداست حال پریشان تو ولی
بر بوی زلف یار پریشانیت نکوست

جواب فال (۵۹)

عاشقی را پیشه راهت کرده‌ای ولی معشوق را ناخواسته از خود رنجانده‌ای از غم و فراق دوری‌اش پریشانی ولی بدان که این پریشانی دیری نمی‌پاید وصال یار نزدیک است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

جلال و جمال یار ۶۰

این پیک نامور که رسید از دیار دوست
آورد مژده جان ز خط مشکبار دوست

خوش می‌دهد نشان جلال و جمال یار
خوش می‌کند حکایت عزه و وقار دوست

دل دادمش به مژده و بخلعت همی برم
زین نقد قلب خویش که گردم نثار دوست

شکر خدا که از مدد بخت کارساز
بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار
در گردشند بر حسب اختیار دوست

گر باد فتنه هر دو جهان را بهم زند
ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست

کحل الجواهری بمن آرای نیم صبح
زان خاک نیکبخت که شد رهگذار دوست

ما هیم و آستانه عشق و سر نیاز
تا خواب خوش که را برد اندر کنار دوست

دشمن بقصد حافظ اگر دم زند چه باک
منت خدای را که نیم شرمسار دوست

جواب فال (۶۰)

بزودی خبرهایی به گوشت می‌رسد که زندگی‌ات را دگرگون می‌کند خوشی و سعادت برایت به ارمغان می‌آورد و دردهایت را از یادت می‌زداید، امیدوار باش و خوشبین، خدا با توست .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

تمنای وصل

۶۱

صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست
بیا و نکهت ای از گیسوی معنبر دوست

به جان او که به شکرانه جان برافشانم
اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست

وگر چنانکه در آن حضرت نباشد بار
برای دیده بیاور غباری از در دوست

من گدا و تمنای وصل او هیهات
مگر به خواب ببینم خیال منظر دوست

دل صنوبریم همچو بید لرزان است
ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست

اگرچه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
به عالمی نفروشیم مویی از سر دوست

چه باشد ار شود از بند غم دلش آزاد
چو هست حافظ مسکین غلام و چاکر دوست

جواب فال (۶۱)

عاشقی و فکر عشقت به جنون کشانده‌ات نمی‌دانی که آیا او هم تو را لایق عشق می‌داند یا نه . بدان که با عشق پاک و قلبی پر مهر و نیتی حقیقی موفقیت با توست.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پیک مشتاقان

۶۲

مرحبای پیک مشتاقان بده پیغام دوست
تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

والهم و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
طوطی طبعم ز شوق شکر و بادام دوست

ظرف او داست و خاش دانه آن دام من
بر امید دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست

سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر
هر که چون من از ازل یک جرعه خورد از جام دوست

بس نگویم شرح شوقم خود از آن یک حرف بس
درد سر باشد نمودن بیش ازین ابرام دوست

گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا
خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست

میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق
ترک کام خود گرفتستم تا برآید کام دوست

حافظ اندر دردا دمی سوز و بی درمان بساز
زانکه درمانی ندارد دردی آرام دوست

جواب فال (۶۲)

صبور و بردبار باش و بیشتر به خودت توجه کن البته فداکاری و از خود گذشتگی شما در برابر دوستان و یارانت قابل تقدیر است برای رسیدن به وصال یار دلخواهت از هیچ کوشی کوتاهی نکن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خرابات

۶۳

روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
در خیمه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست

گر آدم به کوی تو چندان غریب نیست
چون من درین دیار هزاران غریب هست

در شرق خانقاه و خرابات فرق نیست
هر جا که هست پرتو روی حبیب هست

آنجا که کار صومعه را جلوه می‌دهند
ناموس دیر راهب و نام صلیب هست

عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد
ای خواجه درد نیست وگرنه طبیب هست

فریاد حافظ این همه آخر به هرزه نیست
هم قصه‌ای غریب و حدیثی عجیب هست

جواب فال (۶۳)

شما در دوران جوانی به آرزوها و آمال خود دست می‌یابی ولی بدان که شهرت و مکنت ماندنی نیست آنچه از انسان باقی می‌ماند خوی نیک و رفتار پسندیده اوست پس اگر به مال و منالی دست یافتی مغرور و متکبر مشو و فخر فروشی نکن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سبب مپرس

۶۴

اگرچه عرض هنرپیش یار بی ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پر از عربی است

پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن
بسوخت عقل ز حیرت که این چه بوالعجبی است

درین چمن گل بی خار کس نچید آری
چراغ مصطفوی با شرار بولهبی است

سبب مپرس که پرخ از چه مغبچه پرورشد
که کام بخشی او را بهانه‌ای سببی است

بنیم جو نخرم طاق خانقاه و رباط
مرا که مصطبه ایوان و پای خم طنبی است

جمال دختر رز نور چشم ماست مگر
که در نقاب زجاجی و پرده عنبی است

هزار عقل و ادب داشتم من ای خواجه
کنون که مست خرابم صلاح بی ادبی است

بیاری که چو حافظ هزارم استظهار
به گریه سحری و به نالهٔ نیم شبی است

جواب فال (۶۴)

شما انسانی باهوش و ذکاوت هستی از این استعدادهای خدایی استفاده کن و قدر خود را بدان عمرت را بیهوده هدر مده و قدر لحظات زندگی‌ات را بدان از توانائیهایت استفاده کن تا پیشرفت کنی.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ناله بلبل

۶۶

بنال بلبل اگر با منت سر یاریست — که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاریست
در آن زمین که نسیمی وزد ز طره دوست — چه جای دم زدن نافه‌های تاتاریست
بیار باده که زنگین کنیم جامه زرق — که مست جام غروریم و نام پرهیزیست
خیال زلف تو تختی نگاه بر خاصیست — که زیر سلسله رفتن طریق عیاریست
لطیفه ایست نهانی که عشق از خیزد — که نام آن نه لب لعل و خط زنگاریست
قلندران حقیقت به نیم جو نخرند — قبای اطلس آنکس که از هنر عاریست
بر آستان تو مشکل توان رسید آری — عروج بر فلک سروری به دشواریست
سحر گرشمه چشمت به خواب می دیدم — نبی مراتب خوابی که به ز بیداریست

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ
که رستگاری جاوید در کم آزاریست

جواب فال (۶۶)

کسی که سیرت زیبا دارد ارزش و مقامی والاتر از کسی دارد که صورتش زیباست علم و دانش است که اعتبار و موفقیت می‌آورد نه زیبایی پس در راه کسب علم و دانش بکوش.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پیوند عمر

۶۵

خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست — ساقی کجاست کو سبب انتظار چیست
هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار — کس را وقوف نیست که انجام کار چیست
پیوند عمر بسته به موئیست هوش دار — غمخوار خویش باش غم روزگار چیست
معنی آب زندگی و روضه ارم — جز ظرف جویباری و خوشگوار چیست
مقرر دست هر دو چو از یک قبیله اند — مادل بشو که در دهیم اختیار چیست
راز درون پرده چه داند فلک خموش — ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست
سهو و خطای بنده و کرشمه اعتبار نیست — معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواسته کردگار چیست

جواب فال (۶۵)

با خدا باش و یا د لو را هرگز از لحظات زندگیت دور مکن خودپسندی را کنار بگذار دنیا و آخرت خود را با نیکی به دیگران بساز.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مشکین خال

۶۸

ماهم این هفته برون رفت و چشم سالیست — حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالیست
مردم دیده ز لطف رخ او در رخ او — عکس خود دید و گمان برد که مشکین خالیست
می چکد شیره هنوز از لب همچون شکرش — گرچه در شیوه گری هر مژه‌اش قتالیست
ای که انگشت نمایی به کرم در همه شهر — وه که در کار غریبان عجبت اهمالیست
بعد از ینم نبود شائبه در جوهر فرد — که دهان تو درین نکته خوش استدلالیست
مژده دادند که بر مالگذری خواهی کرد — نیت خیر گر دان که مبارک فالیست

کوه اندوه فراقت به چه حیلت بکشد
حافظ خسته که از نالهٔ تو چون نالیست

جواب فال (۶۸)

روزهای رنج و سختی به زودی برایت به اتمام خواهد رسید و درهای سعادت و خوشی بروبت گشوده خواهد شد، پایان شب سیه سپید است. به خدا توکل کن و شکرگذار او باش.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شمع سعادت

۶۷

یارب این شمع دل افروز ز کاشانه کیست — جان ما سوخت بپرسید که جانانه کیست
حالیا خانه بر اندازد دین و دل — تا در آغوش که می خندد و بیگانه کیست
باده لعل بشو کز لب من دور مباد — راح روح که پیمان ده پیمانه کیست
دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو — باز پرسید خدا را که بپروانه کیست
می دهد هر کش افسونی و معلوم نشد — که دل نازک او مایل افسانه کیست
یارب آن شاهد هوش ماه رخ زهره جبین — ز یکتایی که و گوهر یکدانه کیست

کشتم آه از دل دیوانه حافظ بی تو
ز لب خنده فنان گفت که دیوانه کیست

جواب فال (۶۷)

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است و همین طور زندگی را از هر لحظه که اراده کنی و با شهامت و امید آغاز کنی تولدی دوباره است در مقابل ناملایمات زندگی ایستادگی کن و بدان برای آغازی دوباره هیچگاه دیر نیست به زودی به همه خواسته‌هایت خواهی رسید. انشاءالله .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

صومعه زاهد ۶۹

کس نیست که افتاده آن زلف دوتا نیست
در رهگذر کیست که دامی ز بلا نیست

چون چشم تو دل می برد از گوشه نشینان
دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست

روی تو مگر آینه لطف الهی ست
خاکی چنین است و درین روی و ریا نیست

نرگس طلبد شیوه چشم تو نبی چشم
مسکین بترش از سر دو دیده حیا نیست

از بهر خدا از لف پیرایی که ما را
شب نیست که صد عربده با باد صبا نیست

باز آی که بی روی تو ای شمع دل افروز
در بزم حریفان اثر نور و صفا نیست

گر پیر مغان مرشدمن شد چه تفاوت
در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

عاشق چه کند گر نکند بار ملامت
با هیچ دلاور سپر تیر قضا نیست

در صومعه زاهد و در خلوت حافظ
جز گوشه ابروی تو محراب دعا نیست

ای چنگ فرو برده به خون دل حافظ
فکرت مگر از غیرت قرآن و خدا نیست

جواب فال (۶۹)

کمتر کسی است که گول ظواهر فانی دنیا را نخورده باشد ولی تو خود را از آن دسته جدا کن شروعی دوباره را آغاز کن به دنیا دل نبند و امیدوار باش خدا با توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

دل سرگشته ۷۰

مردم دیده ما جز به رخت ناظر نیست
دل سرگشته ما غیر ترا ذاکر نیست

اشکم احرام طواف حرمت می بندد
گر چه از خون دل ریش دمی طاهر نیست

بسته دام و قفس باد چو مرغ وحشی
طایر سدره اگر در طلبت طایر نیست

عاشق مفلس اگر قلب دلش گردد نثار
مکش عیب که بر نقد روان قادر نیست

عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد
هر که را در طلبت همت او قاصر نیست

از روان بخشی عیسی نزنم دم هرگز
زانکه در روح فزایی چو لبت ماهر نیست

من که در آتش سودای تو آبی نزنم
کی توان گفت که بر داغ دلم صابر نیست

روز اول که سر زلف تو دیدم گفتم
که پریشانی این سلسله را آخر نیست

سرپنجه تقدیر نه دل حافظ راست
کیست آن کش سر پنجه تقدیر در خاطر نیست

جواب فال (۷۰)

مقام و اعتباری بدست می‌آوردید و مورد تحسین قرار می‌گیرید ولی به خود غره نشوید و همواره با دیگران با نیکی رفتار کن با مردم باش و با یاد خدا تا موفق باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

زخم نهان ۷۱

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
بر صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند
عرصه شطرنج رندان را مجال شاه نیست

چیست این مقصد بلند ساده بسیار نقش
زین مقام هیچ دانا در جهان آگاه نیست

این چه استغناست یارب وین چه قادر کبریاست
کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

صاحب دیوان ما گویی نمی داند حساب
کاندرین طغرا نشان جبه تنه نیست

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بگو
گو برو نازو حاجب و دربان بدین درگاه نیست

بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود
خود فروشان را به کوی می فروشان راه نیست

بنده پیر خرابات م که لطفش دایم است
ور نه لطف شیخ و زاهد گاه هست و گاه نیست

حافظا بر صدر ننشیند ز عالی مشربیت
عاشق رندی کش اندر بند مال و جاه نیست

جواب فال (۷۱)

از اتسانهای بی خرد دوری کن با هر کسی مشورت نکن سن زیاد دلیل بر تجربه زیاد و دنیادیدگی نیست پس کسی را برای مشورت انتخاب کن که با فهم و درایت عمل می‌کند از راهنمائی‌های یاوه‌گویان بپرهیز انشاءالله که موفقیت تو حتمی است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

راه عشق ۷۲

راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست
آنجا بجز آنکه جان بسپارند چاره نیست

هر کو که دل بعشق دهی خوش دمی بود
در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

ما را ز منع عقل مترسان و می بیار
کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست

از چشم خود بپرس که ما را که می کشد
جانا گناه طالع و جرم ستاره نیست

او را ز چشم پاک توان دید چون هلال
هر دیده جای جلوه آن مه پیاره نیست

فرصت شمر طریقه رندی که این نشان
چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست

نگرفت در تو گریه حافظ به هیچ روی
حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

جواب فال (۷۲)

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست راهی که در آن قدم گذاشته‌ای راه سعادت و پیروزی است لحظه‌ها را غنیمت شمار و از راهنمایانی که از روی حسد راهنمایی غلط می‌کنند بپرهیز با خدا باش و ثابت قدم که راه تو راه نیکوست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

حاصل کار ۷۳

حاصل کار که کون و مکان این همه نیست
باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست

از دل و جان شرف صحبت جانان غرض است
همه آن است گر از دل و جان این همه نیست

منت سدره و طوبی ز پی سایه کش
که چو خوش بنگری ای سرو روان این همه نیست

دولت آنست که بی خون دل آید به کنار
ورنه با سعی و عمل باغ جنان این همه نیست

پنج روزی که درین مرحله مهلت داری
خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست

بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی
فرصتی دان که ز لب تا به دهان این همه نیست

زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار
که ره از صومعه تا در مغان این همه نیست

دردمندی من سوخته را درمان نیست
ظاهراً حاجت تقریر و بیان این همه نیست

نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی
پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست

جواب فال (۷۴)

عمرت با چشم برهم زدنی می‌گذرد شتابان و گریزپای پس به فکر آخرت باش و توشه راه را فراهم کن با تحمل و درایت عمل کن و ثابت قدم باش و امید و توکل به خدا کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

طالع شوریده ۷۴

روش از تو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بی‌بصری نیست که نیست

تا دم از شام سر زلف تو هر جا زنند،
با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

من ازین طالع شوریده به رنجم ورنه
بهره‌مند از گهر و گوهری نیست که نیست

از حیای لب شیرین تو ای چشمه نوش
غرق آب عرق از گلگونی نیست که نیست

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز
ورنه مجلس رندان خبری نیست که نیست

شیر در بادیه عشق تو روباه شود،
آوازین راه که در وی خطری نیست که نیست

آب چشمم گهر و خاک درت خاک درت،
زیر صدفت او خاک دری نیست که نیست

از وجودم قدری نام و نشان هست که هست
ورنه از ضعف درینجا اثری نیست که نیست

غیر ازین نکته که حافظ ز تو ناخشنود است
در سراپای وجودت هنری نیست که نیست

جواب فال (۷۳)

کار فلک چیزی جز بی وفایی و غداری نیست و کار آدمیان هم چیزی جز دل دادن به این فانی زودگذر نیست پس از لحظه‌هایت بهره ببر و غم دنیا را نخور.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

غزینه دل ۷۶

هر آستان و ام در جهان پناهی نیست
سر مرا بجز این در حوالگاهی نیست

عدو چو تیغ کشد من سپر بیندازم
که تیغ ما بجز از ناله و آهی نیست

چرا ز کوی خرابات روی برتابم
کزین بهم به جهان هیچ رهم و راهی نیست

زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر
بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

غلام نرگس جماش آن سهی سروم
که از شراب غرورش به کس نگاهی نیست

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن
که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست

عنان کشیده روای پادشاه کشورحسن
که نیست بر سر راهی که دادخواهی نیست

چنین که از همه سو دام راه می‌بینم
به از حمایت لطفش مرا پناهی نیست

غزینه دل حافظ به زلف و خال مده
که کارهای چنین حد هر سیاهی نیست

جواب فال (۷۶)

فرصتی در زندگیت پیش خواهد آمد که زندگیت را زیر و رو خواهد کرد و شاید آخرین فرصت سعادت تو باشد پس مثل گذشته عمل نکن و دم را غنیمت شمار.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نرگس فتان ۷۵

خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست
تاب آن زلف پریشان تو بی چیزی نیست

از لبت شیر روان بود که من می‌گفتم،
این شکر کز دهنگدان تو بی چیزی نیست

جان درازی تو با دا که یقین می‌دانم
درکمان ابروک ترکان تو بی چیزی نیست

مبتلایی به غم و محنت ایام فراق
ای دل این ناله و افغان تو بی چیزی نیست

دوش باد از سر کویش بگلستان بگذشت
ای گل این چاک گریبان تو بی چیزی نیست

در دهن اگر چه دل از خلق نهان می‌دارد
حافظ این دیده گریان تو بی چیزی نیست

جواب فال (۷۵)

هرچه در دوران توانایی و سلامتی کاشتی در آینده درو می‌کنی اشتباهات گذشته را تکرار نکن و گمان مبر که خدا از تو غافل است هرچه کنی بر خود کنی پس جبران گذشته کن و آینده را بساز لطف خدا با توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

* برگ گل

۷۷

بلبلی برگ گلی خوشرنگ در منقار داشت
و ندر آن برگ و نوا خوش نازه‌ای زار داشت

گفتش در عین وصل این ناله و فریاد چیست
گفت ما را جلوه معشوق در این کار داشت

یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض
پادشاهی کامرانی بود از گدایان عار داشت

در دلی کیرد نیاز و ناز با حسن دوست
غرم آن کز نازنینان بخت برخوردار داشت

خیز تا بر گلک آن نقاش جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در گردش پرکار داشت

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن
شیخ صنعان خرقه رهن خانه خمار داشت

وقت آن شیرین قند نوش کو در اطوار سحر
ذکر تسبیح ملک حلقه زنار داشت

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت

جواب فال (۷۷)

صبور و شکیبا باش و با فراز و نشیب‌های زندگی و ناملایمات آن دست و پنجه نرم کن امیدت را از دست مده به مراد دلت خواهی رسید پس تلاش کن .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

رسم لطف

۷۸

دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت
بشکست عهد و رسم وفا هیچ غم نداشت

یارب مگیرش ار چه دل چون کبوترم
افکند و کشت و عزت صید حرم نداشت

بر من جفا ز بخت من آمد وگرنه یار
حاشا که رسم لطف و طریق کرم نداشت

با این همه هر آنکه نخواری کشید از او
هر جا که رفت هیچ کسش محترم نداشت

ساقی بیار باده و با محتسب بگو
انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت

هر را هر و که رو چه حریم درش نبرد
مسکین برید وادی ره در حرم نداشت

حافظ به سر تو گوی فصاحت که دهر
همچش هنر نبود و چنین نیز هم نداشت

جواب فال (۷۸)

برای جبران خطاها و شکستها هیچگاه دیر نیست بپاخیز و با سعی و همت خود به سرزنشگران نشان بده که جبران شکستهایت را می‌کنی، به امید خدا.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نسیم بهشت

۷۹

کنون که می دمد از بوستان نسیم بهشت
من و شراب فرح بخش و یار حور سرشت

گدا چرا نزند لاف سلطنت امروز
که خیمه سایه ابر است و بزم گل کشت

چمن حکایت اردیبهشت می گوید
نه عاقل است که نسیه خرد و نقد بهشت

بمی عمارت دل کن که این جهان خراب
بر آن سر است که از خاک ما بسازد خشت

وفا مجوی ز دهرش که پرتوی ندهد
چو شمع صومعه افروز اهل خانقه گشت

مکن به نامه سیاهی ملامت من مست
که آنکست که تقدیر بر سرش چه نوشت

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ
که گرچه غرق گناهست می رود به بهشت

جواب فال (۷۹)

هر انسانی در برابر امتحان الهی قرار خواهد گرفت خداوند تو را در ناز و نعمت غوطه‌ور خواهد کرد و این امتحان الهی است پس به فکر زیردستانت باش تا سربلند بیرون آیی و رحمت خدا از تو دریغ نگردد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

لطف ازل

۸۰

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

هیچکس طالب یار نه چو بیشار و چه مست
همه جا خانه عشق است چه بحر و چه کشت

سر تسلیم من و خشت در میکده ها
مدعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت

ناامیدم مکن از سابقه لطف ازل
تو چه دانی که پس پرده که خوبست و که زشت

نیمن از پرده تقوی بدر افتادم و بس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

حافظا روز اجل گر بکف آری جامی
یکسر از کوی خرابات برندت به بهشت

جواب فال (۸۰)

یک گوشت را در و گوش دیگر را دروازه کن و در برابر یاوه گویان مأیوس و ناامید نشو، کاری را که شروع کرده‌ای با علاقه و انتخاب خودت بوده و به خودت خوب و بدش خواهد رسید. انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خنده گل

۸۱

صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت — ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت

گل بخندید که از راست نرنجیم ولی — هیچ عاشق سخن سخت بمعشوق نگفت

کرطمع داری از آن جام مرصع می لعل — ای بسا ذکر به نوک مژوات باید سفت

تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد — هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت

در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا — زلف سنبل به نسیم سحری می آشفت

گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو — گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت

سخن عشق نه آن است که آید به زبان — ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت

چه کند موعظه حسن نیارست نخفت

جواب فال (۸۱)

با دیگران سنجیده ومهربان رفتار کن و با سخنانت دیگران را میازار ، صبور و متواضع باش با خوش قلبی که داری نظر دیگران را به خود جلب می‌کنی از سخنان دیگران آزرده مشو و با سخنانت دیگران را میازار.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سیلاب سرشک

۸۲

آن ترک پریچهره که دوش از بر ما رفت — آیا چه خطا دید که از راه خطا رفت

تا رفت مرا از نظر آن چشم جهان بین — کس واقف ما نیست که از دیده چها رفت

شمع نرفت از گذر آتش دل دوش — آن دود که از سوز جگر بر سر ما رفت

دور از رخ او دمبدم از چشمه چشم — سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت

از پای فتادیم چو آمد غم هجران — در درد بماندیم چو از دست دوا رفت

دل گفت وصالش به دعا باز توان یافت — عمریست که عمرم همه در کار دعا رفت

احرام چه بندیم چو آن قبله نه اینجاست — در سعی چه کوشیم چو از مروه صفا رفت

دی گفت طبیب از سر حسرت چو مرا دید — هیهات که رنج تو ز قانون شفا رفت

ای دوست به پرسیدن حافظ قدمی نه

زان پیش که گویند که از دار فنا رفت

جواب فال (۸۲)

انسانی با صداقت وعاشق پیشه هستی ولی یار دلخواه و معشوق دلربایت بار سفر را بسته و دیگر وصال او برایت میسر نخواهد بود خود را به کارهای دیگر سرگرم کن و صبور باش انشاءالله که تاب تحمل فراق را داشته باشی که وصلی در آن نخواهد بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

برق عشق

۸۳

گر زدست زلف مشکینت خطایی رفت رفت — ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت رفت

برق عشق ار خرمن پشمینه پوشی سوخت سوخت — جور شاه کامران گر بر گدایی رفت رفت

در طریقت بخش خاطر نباشد می بیار — هر که دورست از کینی چون صفایی رفت رفت

عشقبازی را گل بی‌پای دل پای دار — گر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت

گر دلی از غمزه دلدار باری بر برد — در میان جان و جانان ماجرایی رفت رفت

از سخن چینان ملالتها پدید آمد ولی — گر میان بنشینان ناسزایی رفت رفت

عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه

پای آزادی چه بندی گر به جایی رفت رفت

جواب فال (۸۳)

از فرصتهای زندگیت استفاده کن و وقتت را بیهوده تلف نکن ارزش لحظه‌هایت را بدان و با کارهای نسنجیده هدر مده انشاءالله که سعادت تو نزدیک است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نسیم می

۸۴

ساقی بیار باده که ماه صیام رفت — در ده قدح که موسم ناموس و نام رفت

وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم — عمری که بی حضور خراحی و جام رفت

منعم کن آنچنان که ندانم ز بیخودی — در عرصه خیال که آمد کدام رفت

بر بوی آنکه بر سر جامت به ما رسد — در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت

دل را که مرده بود حیاتی به جان رسید — تا بوی از نسیم شمیش در مشام رفت

زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه — رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

نقد دلی که بود مرا صرف باده شد — قلب سیاه بود از آن در حرام رفت

★ در آب و توبه چند توان سوخت همچو عود — می ده که عمر در سر سودای خام رفت

دیگر مکن نصیحت حافظ که ره نیافت

گمگشته‌ای که باده نباش به کام رفت

جواب فال (۸۴)

ثمرهٔ یک عمر زحمت و تلاشت را بیهوده و بر اثر یک اشتباه از دست می‌دهی ولی هیچگاه برای جبران گذشته دیر نیست دوباره شروع کن و فرصتهای طلایی برباد رفته را دوباره بدست آور.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۸۵ * لب لعلش

شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت
روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت

کویی از صحبت ما نیک بتنگ آمده بود
بار بربست و بگردش نرسیدیم و برفت

بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم
ذره‌ای اش بسر و اخلاص دمیدیم و برفت

عشوه‌ای داد که بر ما گذری خواهی کرد
دیدی آخر که چنین عشوه خریدیم و برفت

شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت

همچو حافظ به شب ناله و زاری کردیم
کامی در بغل و دامنش نرسیدیم و برفت

جواب فال (۸۵)

یار و دلدارت لیاقت عشقی که نثارش کردی نداشت پس از فراق و دوری‌اش دلگیر مباش و در حسرت دیدار او نسوز صلاح کارت را به خدا بسپار و به او توکل کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۸۶ لطف دوست

ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
کار چراغ خلوتیان باز در گرفت

آن شمع سر گرفته دگر چهره برفروخت
وین پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت

آن عشوه داد عشق که مفتی ز ره برفت
وان لطف کرد دوست که دشمن حذر گرفت

زنهار از آن عبارت شیرین دلفریب
گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت

با عنبری که خاطر ما خسته کرده بود
عیسی دمی خدا بفرستاد و برگرفت

هر جور و جفا که بر من و خورشن می فروخت
چون تو در آمدی بی کاری دگر گرفت

زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست
کوته نظر ببین که سخن مختصر گرفت

حافظ تو این سخن ز که آموختی که یار
تعویذ کرد شعر ترا و به زر گرفت

جواب فال (۸۶)

غم فراق و دوری از یارت به پایان خواهد رسید و او با آمدنش خیر و برکت نیز برایت به ارمغان خواهد آورد گره از مشکلاتت باز خواهد شد و با روحیه‌ای چندان برابر گذشته به جنگ با ناملایمات زندگی خواهی رفت انشاءالله که موفق شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۸۷ شکر خدا

حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت
آری به اتفاق جهانی توان گرفت

اقسام رازخلوتیان خواست کرد شمع
شکر خدا که سر دلش در زبان گرفت

زین آتش نهفته که در سینه من است
خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت

می خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست
از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

آسوده بر کنار چو پرگار می شدم
دوران چو نقطه عاقبتم در میان گرفت

آن روز شوق ساغری خندم بدست داد
کاتش بنفس عارض ساقی در آن گرفت

خواهم شدن بکوی مغان آستین فشان
زین فتنه‌ها که دامن آخر زمان گرفت

می خور که هر که آخر کار جهان بدید
اندر شبک برآمد و طل گران گرفت

حافظ تو آب لطف ز نظم تو می چکد
حاسد چگونه نکته تواند بر آن گرفت

جواب فال (۸۷)

انسانی خوش قلب و مهربان هستید مردمداری شما مورد تحسین است همیشه در کارهایت از مشورت بزرگان استفاده کن و بدان که یک دست صدا ندارد پس با دیگران همرنگ و مهربان باش انشاءالله که موفق می‌شوی .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۸۸ فراق یار

شنیده ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت

حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر
کنایتی ست که از روزگار هجران گفت

نشان یار سفر کرده از که پرسم باز
که هر که گفت برید صبا پریشان گفت

فغان که آن مه نامهربان مهرگسل
بترک صحبت یاران خود چه آسان گفت

من و مقام رضا بعد ازین و شکر رقیب
که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت

غم کهن بمی سالخورده دفع کنید
که تخم خوشدلی اینست پیر دهقان گفت

گره به باد مزن گر چه بر مراد رود
که این سخن بسلیمان باد با سلیمان گفت

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
ترا نگفت که این زال ترک دستان گفت

مزن ز چون و چرا دم که بنده مقبل
قبول کرد به جان هر سخن که جانان گفت

گفت حافظ از اندیشه تو باز آمد
من این نگفته ام آنکس که گفت بهتان گفت

جواب فال (۸۸)

از همه چیز زمانه خسته و ملول شده‌ای ناامیدی را کنار بگذار به خدا توکل کن ، از دلدارت هیچ خبری به تو نرسیده ولی نگذار این فراق و جدایی تو را از پای درآورد با خدا باش و از او مدد بخواه.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

هدهد صبا

۹۰

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت — سنجر که از کجا به کجا می‌فرستمت
حیف است طایری چو تو در خاکدان غم — زاینجا به آشیان وفا می‌فرستمت
در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست — می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت
هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر — در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
تا شکر غمت بکند ملک دل خراب — جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت
ای غایب از نظر که شدی همنشین دل — می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت
در روی خود تفرج صنع خدای کن — کآیینه خدای نما می‌فرستمت
تا مطربان ز شوق تو نغمت آگهی دهند — قول و غزل به ساز و نوا می‌فرستمت
ساقی بیا که هاتف غیبم بمژده گفت — بادِ صبحدم کن که دوا می‌فرستمت

حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر تست
بشتاب هان که اسب و قبای فرستمت

جواب فال (۹۰)

در ناامیدی بسی امید است ای عزیز غم و اندوه تو انشاءالله به زودی به پایان خواهد رسید و روزهای خزانی زندگیت بهاری خواهد شد شکر گزار پروردگارت باش که لطفش شامل حالت می‌شود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

چشم جهان بین

۸۹

یارب سببی ساز که یارم به سلامت — باز آید و بر ما ندهم از بند ملامت
خاک ره آن یار سفر کرده بیارید — تا چشم جهان بین کنمش جای اقامت
فریاد که از شش جهتم راه ببستند — آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت
امروز که در دست توام مرحمتی کن — فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت
ای آنکه بتقریر و بیان دم زنی از عشق — ما با تو نداریم سخن خیر و سلامت
درویش مکن نالهٔ از شیر احبا، — کاین طایفه از کشته ستانند غرامت
در خرقه زن آتش که خرابی ساقی — بر می‌شکند کوشه محراب امامت
حاشا که من از جور و جفای تو بنالم — بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت

کوته نکند بحث سر زلف تو حافظ
پیوسته شد این سلسله تا روز قیامت

جواب فال (۸۹)

دم را غنیمت شمار و از فرصتهای زندگیت نهایت استفاده را بکن آب رفته دیگر به جوی باز نمی‌گردد ، ناامیدی را کنار بگذار و با تلاشی دوباره خود را از بند گرفتاریها برهان.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

سودای او

۹۲

میرمن خوش سیر و می کاندر سر و پا میرمت — خوش خرامان شو که پیش قدر رعنا میرمت
گفتمت روی کی بینی پس من تعجیل چیست — خوش تقاضا می‌کنی پیش تقاضا میرمت
عاشق و مخمور و مجموعم بت ساقی کجاست — کو که بخرامد که پیش سرو بالا میرمت
آنکه عمری شد که تا بیمارم از سودای او — کو نگاهی کن که پیش چشم شهلا میرمت
گفته لعل لبم هم درد بخشد هم دوا — گاه پیش درد و گه پیش مداوا میرمت
خوش خرامان می‌روی چشم بدار ای تو دور — دارم اندر سر خیال آنکه در پا میرمت

گرچه جای حافظ اندر خلوت وصل تو نیست
ای همه جای تو خوش پیش همه جا میرمت

جواب فال (۹۲)

راهی را که انتخاب کرده‌ای تو را به مقصود می‌رساند، خصوصیا تخوب تو باعث شده اطرافیان نظر مثبتی نسبت به تو داشته باشند و مورد احترام آنان باشی، به زودی به مقصود می‌رسی، سعی کن با اعمال پسندیده همیشه مورد احترام دیگران باشی و به همین شکل موفق خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

به خدا می‌سپارمت

۹۱

ای غایب از نظر بخدا می‌سپارمت — جانم بدوستی و به جان دوست دارمت
تا دامن کفن بکشم زیر پای خاک — با دل کن که دست ز دامن بدارمت
محراب ابرویت بنما تا سحرگهی — دست دعا برآرم و در گردن آرمت
گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی — صد گونه جادویی بکنم تا بیارمت
خواهم که پیش میرمت ای بیوفا طبیب — بیمار باز پرس که در انتظارمت
صد جوی آب بستم از دیده بر کنار — بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت
خونم بریخت و زغمم خاطر خلاص داد — فتت پذیر غمزه خنجر گذارمت
می‌گریم و مرادم ازین سیل اشکبار — تخم محبت است که در دل بکارمت
بارم ده از کرم سوی خود تا بسوزد دل — در پای دم به دم گهر از دیده بارمت

حافظ شراب و شاهد و رندی نه وضع تست
فی الجمله می‌کنی و فروی گذارمت

جواب فال (۹۱)

از کارهایی که شما را خوار و کوچک کند بپرهیزید با فهم و درایت عمل کنید شما انسان فهمیده‌ای هستید و خلق و خوی انسانها را زود تشخیص می‌دهید ولی انسان جایزالخطاست پس در معاشرت با دیگران با احتیاط رفتار کنید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

شکایت ۹۴

زان یار دلنوازم شکریست با شکایت — گر نکته‌دان عشقی بشنو تو این حکایت

بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم — یارب مباد کس را مخدوم بی عنایت

رندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس — گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

در زلف چون کمندش ای دل مپیچ کانجا — سر بریده بینی بی جرم و بی جنایت

چشمت به غمزه ما را خون خورد و می‌پسندی — جانا روا نباشد خونریز را حمایت

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود — از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت

از هر طرف که رفتم جز دشمنم نیفزود — زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

ای آفتاب خوبان می‌شد اندرونم — یک ساعتم بگنجان در سایه عنایت

این راه را نهایت صورت کجا توان بست — کش صد هزار منزل بیش است در بدایت

عشقت رسد به فریاد ور خود بسان حافظ

قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

جواب فال (۹۴)

شما از یاران و نزدیکانتان آزده‌اید که چرا قدردان زحمات شما نیستند عزیز دل کاری را که انجام می‌دهی برای دل خودت انجام می‌دهی و ارزشی بسیار بالاتر از کاری دارد که برای مزد و شکر انجام دهی پس در کارهایت ثابت قدم باش که راهی که می‌روی بیراهه نیست.

حلیگس-یلدای ۱۴۰۳

خاک کشتگان ۹۳

چه لطف بود که ناگاه رشحه قلمت — حقوق خدمت ما عرضه کرد بر کرمت

به نوک خامه رقم کرده‌ای سلام مرا — که کار خانه دوران به باد بی رقمت

نکویم از من بیدل به سوگ‌ری یاد — که در حساب خرد نیست سهو بر قلمت

مرا ذلیل مگردان به شکر این نعمت — که داشت دولت سرمد عزیز و محترمت

بیا که با سر زلفت قرار خواهم کرد — که گر کرم برود بر مدارم از قدمت

ز حال ما دلت آگه شود دگر وقتی — که لاله بر دمد از خاک کشتگان غمت

روان تشنه ما را به جرعه‌ای دریاب — چو می دهند زلال خضر ز جام جمت

همیشه وقت تو ای عیسی صبا خوش باد

که جان حافظ دلخسته زنده شد به دمت

جواب فال (۹۳)

از آنچه به دست می‌آوری صدقه بده تا بدین وسیله شکرگزاریت را به پروردگار نشان دهی از هر دست که بدهی با همان دست می‌گیری در زمان توانمندی و مستمندان دستگیری کن تا روزیت برکت داشته باشد.

حلیگس-یلدای ۱۴۰۳

لب چون قند ۹۶

تویی که بر سر خوبان کشوری چون تاج — سزد اگر همه دلبران دهندت باج

دو چشم شوخ تو هم زره و خطا و جبش — چین زلف تو ماچین و هند داده خراج

بیاض روی تو روشن چو حاصل رخ روز — سواد زلف سیاه تو هست ظلمت داج

دهان شهد تو داده رواج آب خضر — لب چو قند تو برده از نبات مصر رواج

از این مرض به حقیقت شفا نخواهم یافت — که از تو درد دل ای جان نمی‌رسد به علاج

چرا ای شکینی جانان من نسنگ دلی — دل ضعیف که باشد به نازکی چو زجاج

لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است — قد تو سرو و میان تو موی و بر به هیئت عاج

فتاد در دل حافظ هوای چون تو شهی

کمینه ذره خاک در تو بودی کاج

جواب فال (۹۶)

مورد توجه اطرافیان هستنی و همه به تو علاقه‌مندند، اگر بتوانی محبت دیگران را به خود جلب کنی موفقیت خود را تضمین کرده‌ای و آینده‌ای رو به سعادت خواهی داشت.

حلیگس-یلدای ۱۴۰۳

افسون چشم ۹۵

مدام مست می دارد نسیم جعد گیسویت — خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

پس از چندین شکیبایی شبی یارب توان دیدن — که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت

سواد لوح بیش از این مسطر نیز از بهر آن دارم — که جان را نسخه‌ای باشد ز لوح خال هندویت

تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی — صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت

دگر رسم فنا خواهی که از عالم براندازی — بر افشان تا فرو ریزد هزاران جان نه هر مویت

من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی حاصل — من از افسون چشمت مست و باد از بوی گیسویت

نبی هست که حافظ راست کز دینی و از دنیی

نیاید هیچ در چشمش بجز خاک سر کویت

جواب فال (۹۵)

شما انسانی خوش قلب و صمیمی با طبیعتی حساس و لطیف هستید و این باعث خوشبختی و سعادت شما خواهد بود برای رسیدن به خواسته‌هایت صبور و با حوصله هستی و موفقیت با توست . انشاءالله.

حلیگس-یلدای ۱۴۰۳

فرخ ۹۸

دل من در هوای روی فرخ — بود آشفته همچون موی فرخ
بجز هندوی زلفش همچگس نیست — که برخوردار شد از روی فرخ
سیاهی نیک بخت است آنکه دایم — بود همراز و همزانوی فرخ
شود چون بید لرزان سرو آزاد — اگر بیند قد دلجوی فرخ
بده ساقی شراب ارغوانی — به یادِ نرگس جادوی فرخ
دو تا شد قامتم همچون کمانی — ز غم پیوسته چون ابروی فرخ
نسیم مشک تاتاری غزل کرد — شمیم زلف عنبربوی فرخ
اگر میل دل هر کس به جایی است — بود میل دل من سوی فرخ

غلام همت آنم که باشد
چو حافظ چاکر و هندوی فرخ

جواب فال (۹۸)

شب و روزت را با یاد عزیزت می‌گذرانی و لحظه‌ای از یاد او فارغ نمی‌شوی به امید او زنده هستی و زندگی با نور وجود او برایت زیباست انشاءالله که زندگی به کامت باشد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

صلاح ما ۹۷

اگر به مذهب تو خون عاشق است مباح — صلاح ما به آنست کاتو راست صلاح
سواد زلف سیاه تو حاصل الظلمات — بیاض روی چو ماه تو فائق الاصباح
چنین ظرف کدورت کسی نیافت خلاص — از آن کمانچه ابرو و تیر چشم نجاح
زدیده‌ام شده یک چشمه در کنار روان — که آشنا نکند در میان آن ملاح
لب چو آب حیات تو هست قوت جان — وجود خاکی ما را از اوست ذکر رواح
بداد لعل لبت بوسه‌ای به صد زاری — گرفت کام دلم زو بصد هزار الحاح
دعای جان تو ورد زبان مشتاقان — همیشه تا که بود متصل مساء و صباح

صلاح و توبه و تقوی ز ما مجو حافظ
ز رند عاشق و مجنون کسی نیافت صلاح

جواب فال (۹۷)

سعادت و خوشبختی زندگی خود را در گرو رسیدن به هدف خود می‌دانی ولی برای رسیدن به هدف باید تلاش بسیار بکنی و از خداوند مدد بجویی و در این کار موفق خواهی بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

کار بی بنیاد ۱۰۰

شراب و عیش نهان چیست کار بی بنیاد — ز دیم بر صف رندان و هر چه باداباد
گره ز دل بگشا و ز سپهر یاد مکن — که کس نکرد به سندس چنین گره بگشاد
ز انقلاب زمانه عجب مدار که چرخ — ازین فسانه هزاران هزار دارد یاد
قدح به شرط ادب گیر زانکه تیرگیش — ز کاسه سر جمشید و بهمن است و قباد
که آگهست که کاووس و کی کجا رفتند — که واقف است که چون رفت تخت جم بر باد
ز حسرت لب شیرین هنوز می‌نگرم — که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد
مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر — که تا بزاد و بشد جام می ز کف ننهاد
بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم — مگر ریم بگشایی درین خراب آباد
نمی‌دهند اجازت مرا به سیر و سفر — نسیم باد مصلا و آب رکناباد

قدح مگیر چو حافظ مگر به ناله چنگ
که بسته اند بر ابریشم طرب دل شاد

جواب فال (۱۰۰)

با سعی و تلاش به خواسته‌هایت می‌رسی هیچ چیز در این دنیا بدون زحمت برایت بدست نخواهد آمد پس ثابت قدم باش و با سعی و کوشش و اراده‌ای محکم برای هرچه بهتر شدن زندگیت تلاش کن وقت گرانبهاست آن را بیهوده مپندار .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پند حکیمان ۹۹

دی پیر می فروش که ذکرش بخیر باد — گفتا شراب نوش و غم دل ببر ز یاد
گفتم بیاد می دهدم باده نام و ننگ — گفتا قبول کن سخن و هر چه باد باد
سود و زیان دهایه چو خواهد شدن ز دست — گو بر این سماط نگین باش و شاد
بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ — در معرضی که تخت سلیمان رود به باد

حافظ کرت ز پند حکیمان ملالت است
گو بگذیم قصه که عمرت دراز باد

جواب فال (۹۹)

از زندگی ناامیدی غم و اندوهی به دلت چنگ می‌زند در تلاش باش تا با نور عشق زندگی‌ات را معنا بخشی و از یکنواختی خستگی آور زندگیت بکاهی و بدان ای عزیز که زندگی بدون عشق معنا و مفهومی ندارد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

بوی وصل ۱۰۱

دوش آگهی ز یار سفرکرده داد باد — من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد

کارم بدان رسید که هر از خود کنم — هر شام برق لامع و هر بامداد باد

در چین طرهٔ تو دل بی خطا ز من — هر کز نگفت مسکن مألوف یاد باد

امروز قدر پند عزیزان شناختم — یارب روان ناصح ما از تو شاد باد

خون شد دلم به یاد تو هر گه که در چمن — بند قبای غنچه گل می‌گشاد باد

از دست رفت بود وجود ضعیف من — صبحم به بوی وصل تو جان باز داد باد

حافظ نهاد نیک تو کامت برآورد

جانا فدای مردم نیکو نهاد باد

جواب فال (۱۰۱)

انسان خوش قلب و رئوفی هستید در زندگی از نصایح بزرگان استفاده می‌کنی و نتیجه خیر آن را هم دیده‌ای انشاءالله غم و غصه فراقی هم که داری به زودی پایان می‌یابد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

* روز وصل ۱۰۲

روز وصل دوستداران یاد باد — یاد باد آن روزگاران یاد باد

کام از تلخی غم چون زهر گشت — بانگ نوش شادخواران یاد باد

گرچه یاران فارغند از یاد من — از من ایشان را هزاران یاد باد

مبتلا گشتم درین بند و بلا — کوشش آن حق‌گزاران یاد باد

گرچه صد رود است در چشمم مدام — زنده رود و باغ کاران یاد باد

راز حافظ بعد ازین ناگفته ماند

ای دریغا رازداران یاد باد

جواب فال (۱۰۲)

با یاد و خاطرهٔ عزیزانت دل خوشی و فراق از آنها پریشانت کرده با خاطرات گذشته زندگی می‌کنی، امیدوار باش به خدا توکل کن انشاءالله که خوشی از دست رفته باز می‌گردد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

روی خوبت ۱۰۳

جمالت آفتاب هر نظر باد — ز خوبی روی خوبت خوبتر باد

همای زلف شاهین شهپرت را — دل شاهان عالم زیر پر باد

کسی کو بستهٔ زلفت نباشد — چو زلفت در هم و زیر و زبر باد

دلی کو عاشق رویت نباشد — همیشه غرقه در خون جگر باد

بتا چون غمزه است ناوک فشاند — دل مجروح من پیش سپر باد

چو لعل شکرینت بوسه بخشد — مذاق جان من زو پر شکر باد

مرا از تست هر دم تازه عشقی — ترا هر ساعتی حسنی دگر باد

به جان مشتاق روی تست حافظ

ترا در حال مشتاقان نظر باد

جواب فال (۱۰۳)

خوی نیک و خوش قلبی شما قابل تحسین است و دوستان زیادی را به طرف شما می‌کشاند قدرشناس باش و همیشه با مهربانی رفتار کن که راه پیشرفت تو همین است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شاهد مقصود ۱۰۴

صوفی ار باده به اندازه خورد نوش باد — ورنه اندیشه این کار فراموش باد

آنکه یک جرعه می از دست تواند دادن — دست با شاهد مقصود در آغوش باد

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت — آفرین بر نظر پاک خطاپوش باد

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود — شرمی از مظلمه خون سیاوش باد

گرچه از کبر سخن با من درویش نگفت — جان فدای شکرین پستهٔ خاموش باد

چشم از آینه داران خط و خالش کشت — لیک از بوسه ربایان بر و دوش باد

نرگس مست نوازش کن مردم دارش — خون عاشق به قدح گر بخورد نوش باد

به غلامی تو مشهور جهان شد حافظ

حلقه بندگی زلف تو در گوش باد

جواب فال (۱۰۴)

دل باخته و عاشق پیشه‌ای و در راه رسیدن به یارت از جانت هم می‌گذری هرچند که در عشق و وفای یار دلخواهت مردد هستی ولی از هیچ چیز برایش دریغ نمی‌کنی انشاءالله که به مقصودت خواهی رسید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ناز طبیبان ۱۰۵

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد — وجود نازکت آزرده گزند مباد
سلامت همه آفاق در سلامت تست — به هیچ عارضه شخص تو دردمند مباد
جمال صورت بوئی ز امن صحت تست — که ظاهرت دژم و باطنت نژند مباد
درین چمن چو در آید خزان بیابانی — رهش به سروسهی قامت بلند مباد
در آن بساط که حسن تو جلوه آغازد — مجال طعنه بدبین و بدپسند مباد
هر آنکه روی چو ماهت چشم بد بیند — بر آتش تو بجز جان او سپند مباد
ثنا ز لعل شکرفشان حافظ جوی
که حاجتت به علاج گلاب و قند مباد

جواب فال (۱۰۵)

سلامتی و تندرستی بزرگترین نعمتیست که خداوند به انسان می‌دهد شکرگزار این موهبت الهی باش و قدر سلامتی‌ات را بدان ، خداوند وجودت را از هر گزندی مصون داشته.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حلقه وصل ۱۰۶

حسن تو همیشه در فزون باد — رویت همه ساله لاله گون باد
اندر سر ما خیال عشقت — هر روز که باد در فزون باد
هر سرو که در چمن برآید — در خدمت قامت نگون باد
چشمی که نه فتنهٔ تو باشد — چون گوهر اشک غرق خون باد
چشم تو نهد دلربایی — در کردن سحر ذوفنون باد
هر جا که دلی ست در غم تو — بی صبر و قرار و بی سکون باد
قد همه دلبران عالم — پیش الف قدت چو نون باد
هر دل که ز عشق تست خالی — از حلقهٔ وصل تو برون باد
لعل تو که هست جان حافظ
دور از لب مردمان دون باد

جواب فال (۱۰۶)

با یاران و دوستانت همرنگ و بی ریا باش تا همیشه مورد مهر و محبت آنان باشی دوستان خوبی داری که در هر لحظه خیر و صلاح تو را می‌خواهند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

خاتون ظفر ۱۰۷

خسروا گوی فلک ز خم چوگان تو باد — ساحت کون و مکان عرصهٔ میدان تو باد
زلف خاتون ظفر شیفتهٔ پرچم تست — دیدهٔ فتح ابد عاشق جولان تو باد
ای که انشاء عطارد صفت شوکت تست — عقل کل چاکر طغرا کش دیوان تو باد
طیرهٔ جلوه طوبی قد چون سرو تو شد — غیرت خلد برین ساحت بستان تو باد
نه به تنها حیوانات و نباتات و جماد
هر چه در عالم امر است به فرمان تو باد

جواب فال (۱۰۷)

خبرهای خوشی به زودی دریافت می‌کنی و غم و اندوه برطرف خواهد شد و رو به سوی خوشبختی خواهی رفت، موفقیت بسیار به دست می‌آوری و زندگی به کامت خواهد بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

آهوی مشکین ۱۰۹

پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد — وان راز که در دل نهفتم به در افتاد
از راه نظر مرغ دلم گشت هوا گیر — ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد
دردا که از آن آهوی مشکین سیه چشم — چون ناف بسی خون دلم در جگر افتاد
از رهگذر خاک سر کوی شما بود — هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد
مژگان تو تا تیغ جهانگیر بر آورد — بس کشته دل زنده که بر یکدگر افتاد
بس تجربه کردم درین دیر مکافات — با دوستان مردم آزار هر که در افتاد بر افتاد
گر جان بدهد بدهد سنگ سیه لعل نگردد — با طینت اصلی چه کند بد گهر افتاد
حافظ که سر زلف بتان دست کشش بود
بس طرفه حریفی است کش اکنون به سر افتاد

جواب فال (۱۰۹)

معجزه‌ای در زندگی شما به وقوع پیوسته و زندگیت را از این رو به آن رو کرده است مواظب باش تا حسودان مانع پیشرفت تو نشوند با فهم و درایت اقدام کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۰ غیرت عشق

عکس روی تو چو در آینه جام افتاد — عارف از خنده می در طمع خام افتاد

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد — این همه نقش در آیینه اوهام افتاد

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود — یک فروغ رخ ساقی ست که در جام افتاد

غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید — کز کجا سر غمش در دهن عام افتاد

من ز مسجد بخرابات نخود افتادم — اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد

چه کند کز پی دوران نرود چون پرگار — هر که در دایرهٔ گردش ایام افتاد

دخم زلف تو آویخت دل از چاه زنخ — آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی — کار ما با رخ ساقی و لب جام افتاد

صوفیان جمله مرشد و نظربازولی

زین میان حافظ دلسوخته بدنام افتاد

جواب فال (۱۱۰)

کسانی اطرافت را گرفته‌اند که تو را ساده و بی‌فکر می‌پندارند و از فرصتهایی که برای موفقیت بدست می‌آوری سوء استفاده می‌کنند با آنها جدی برخورد کن و آنها را از این اشتباه مطلع کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۱ * رنگ گل نسرین

آنکه رخسار ترا رنگ گل و نسرین داد — صبر و آرام تو اندر بدن مسکین داد

وانکه گیسوی ترا رسم تطاول آموخت — هم تو اندر کمش داد من غمگین داد

من همان روز ز خنده ها طمع بریدم — که دهان دل شیدا به لب شیرین داد

گنج زر گر نبود رنج قناعت باقی ست — آنکه آن داد به شاهان به گدایان این داد

خوش عروسی ست جهان ازروی صورت لیکن — هر که پیوست بدو عمر خودش کابین داد

بعد ازین دست من و دامن سرو لب جوی — خاصه اکنون که صبا مژده فروردین داد

در کف غصه دوران دل حافظ خون شد

از فراق رخت ای خواجه قوام الدین داد

جواب فال (۱۱۱)

در همه حال خدا را فراموش نکن و به او توکل کن و به یاد او با ش اگر هر کارت را با یاد خدا و نام او شروع کنی دست حق یارت خواهد بود و موفقیت با توست . انشاءالله.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۲ دست قضا

بنفشه دوش بگل گفت و خوش نشانی داد — که آب من به جهان طرفه فانی داد

دلم خزانهٔ اسرار بود و دست قضا — درش ببست و کلیدش به دلستانی داد

شکسته وار به دکانت آمدم که طبیب — به مومیایی لطف تو ام نشانی داد

تنش درست و دلش شاد باد و خاطر خوش — که دست دادش و یاری ناتوانی داد

برو معالجه خود کن ای نصیحت گو — شراب و شاهد شیرین که رازیانی داد

گذشت بر من مسکین و بار قیبان گفت

دریغ حافظ مسکین من چه جانی داد

جواب فال (۱۱۲)

از فراق یار دلخواهت به تنگ آمده‌ای پریشان خاطری و ناامیدی را کنار بگذار گرچه وصال یار به این زودی میسر نخواهد شد ولی امیدوار باش که پایان شب سیه سپید است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۳ گلشن جان

همای اوج سعادت به دام ما افتد — اگر ترا گذری بر مقام ما افتد

حباب وار براندازم از نشاط کلاه — اگر ز روی تو عکسی به جام ما افتد

شبی که ماه مراد از افق شود طالع — بود که پرتو روی به بام ما افتد

ببارگاه تو چون باد را نباشد بار — کی اتفاق مجال سلام ما افتد

چون جان فدای لبت شد خیال می بینم — که قطره ای ز زلالش بکام ما افتد

خیال زلف تو گفتا که جان دهیم و دلی — کزین شکار فراوان به دام ما افتد

به ناامیدی ازین در مرو بزن فالی — بود که قرعهٔ دولت به نام ما افتد

زفاک کوی تو هر کرکه دم زند حافظ

نسیم گلشن جان در مشام ما افتد

جواب فال (۱۱۳)

درهای سعادت برویت گشوده می‌شود و راه خوشبختی بسویت باز با درایت عمل کن و از کسانی که تو را در این راه حمایت کرده‌اند قدردانی کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حدیث عشق

۱۲۱

هر آنکه جانب اهل خدا نگه دارد — خداش در همه حال از بلا نگه دارد
حدیث دوست مگو مگر بحضرت دوست — که آشنا سخن آشنا نگه دارد
دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای — فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد
کرت هواست که معشوق نگسلد پیمان — نگاه دار سر رشته تا نگه دارد
صبا دار آن سر زلف ار دل مرا نبری — زروی لطف بگویش که جا نگه دارد
چو کشتنش که دلم را نگاه دارچه گفت — ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد
سرو زر و دل و جانم فدای آن یاری — که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد

غبار راه گذارت کجاست تا حافظ
به یاد کار نسیم صبا نگه دارد

جواب فال (۱۲۱)

سفرهٔ دلت را برای هرکسی باز مکن و بدان از هر دست بدهی از همان دست می‌گیری پس ای عزیز عهد و پیمان را محکم دار تا طعم وفاداری را بچشی انشاءالله که موفق باشی به امید خدا.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مطرب عشق

۱۲۲

مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد — نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد
عالم از ناله عشاق مبادا خالی — که خوش آهنگ و فرح بخش هوایی دارد
پیر ما دی کش ما گرچه ندارد زر و زور — خوش عطابخش و خطاپوش خدایی دارد
محترم دار دلم کاین مگس قندپرست — تا هواخواه تو شد فر همایی دارد
از عدالت نبود دور گرش پرسد حال — پادشاهی که به همسایه گدایی دارد
اشک خونین بنمودم به طبیبان گفتند — درد عشق است جگرسوز دوایی دارد
ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق — هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد
نکته‌ها گفت آن بت ترسا بچه با ما در مست — شادی روی کسی خور که صفایی دارد

خسروا حافظ درگاه نشین فاتحه خواند
وز زبان تو تمنای دعایی دارد

جواب فال (۱۲۲)

شما دلی با صداقت و عاشق پیشه دارید و این خلوص نیت شماست که یار دلخواهتان را به سمت شما می‌کشاند به مال و مقام، وصال یار نزدیکی است هر چند در این راه پیچ و خمهای بسیار وجود دارد به خدا توکل کن خدا به همراهت است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

درخت دوستی

۱۱۴

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد — نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد
چو مهمان غزلباتی به عزت باش بار مدان — که در دسر کشی جانا کرت مستی خمار آرد
شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما — بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
عماری دار لیلی را که صد ماه و حکم است — خدا را در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد
بهار عمر خواهی ای دل و گرنه این چمن هر سال — چو نسرین صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد
خدا را چون دل ریشم قراری هست با نخت — بفرما تا نوشین را که زودش با قرار آرد

درین باغ از خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ
نشیند بر لب جویی و سروی در کنار آرد

جواب فال (۱۱۴)

هر انسانی از نظر عاطفی به دوستان و یاران صمیمی نیازمند است سعی کن با خوی نیک و رفتار پسندیده دیگران را به طرف خود جذب کنی و اینقدر دافعه نداشته باش.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عزم میکده

۱۱۵

کسی که حسن خط دوست در نظر دارد — محقق است که او حاصل بصر دارد
چو خامه در ره فرمان او سر طاعت — نهاده ایم مگر او به تیغ بر دارد
کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه — که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد
به پای بوس تو دست کسی رسید که او — چو آستانه بدین درجه‌ای سر دارد
ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب — که بوی باده دمادم دماغ تر دارد
ز باده بیخبرت کی بود این نبض که ترا — دمی ز دوسه عقل بی خبر دارد
کسی که از ره تقوی قدم برون ننهاد — به عزم میکده اکنون ره سفر دارد

دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد
چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد

جواب فال (۱۱۵)

از مشورت با بزرگان مپرهیز ولی هر کسی را هم لایق درد دل و مشورت مدان به نصایح اهل فن گوش بده و به خدا توکل کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۶ داغ لاله

دل بامید و رویت ز چمن فراغ دارد — که چو سرو پای بندست و چو لاله داغ دارد

سر ما فرو نیاید بکمان ابروی کس — که درون گوشه‌گیران ز جهان فراغ دارد

ز بنفشه تاب دارم که ز زلف او نزندم — تو سیاه کم بهابین که چه در دماغ دارد

به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله — به ندیم شاه ماند که کفت ایاغ دارد

شب ظلمت و بیابان به کجا توان رسیدن — مگر آن که شمع رویت به رهم چراغ دارد

من و شمع صبحگاهی سزد ار به هم بگریم — که بخندیم و از ما بت ما فراغ دارد

سزدم چو ابر بهمن که بر این چمن بگریم — طرب آشیان بلبل ز سخن که زاغ دارد

سر درس عشق دارد دل دردمند حافظ

که نه خاطر تماشا نه هوای باغ دارد

جواب فال (۱۱۶)

از نامردمیها و ناملایمات زندگی خسته و بیزار شده‌ای جفاهای این دنیای فانی به زودی تمام می‌شود و روزهای خوش و بهاری زندگی چهره می‌دراند تالامید مباش و به خدا توکل کن.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۷ شیوه هستی

آنکس که بدست جام دارد — سلطانی جم مدام دارد

آبی که خضر حیات از و یافت — در میکده جو که جام دارد

سر رشته تن جان به جام بگذار — کاین رشته از و نظام دارد

ما وی و ز اهدان و تقوی — تا یار سر کدام دارد

بیرون ز لب تو ساقیا نیست — در دور کسی که کام دارد

نرگس به شیوه‌های مستی — از چشم خوشت به وام دارد

ذکر رخ و زلف تو دلم را — وردی است که صبح و شام دارد

بر سینه ریش دردمندان — لعلت نمکی تمام دارد

در چاه ذقن چو حافظ ای جان

حسن تو دو صد غلام دارد

جواب فال (۱۱۷)

انسان همانگونه زندگی می‌کند که فکر می‌کند و آنچه انجام می‌دهد قبلاً برنامه‌ریزی یا تصورش را می‌کرده است پس شاد باش و به شادی و سعادت فکر کن انشاءالله که موفقیت حتمی است و سعادتمند خواهی شد.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۸ صنم

دلی که غیب نمای است و جام جم دارد — ز خاتمی که دمی کم شود چه غم دارد

به خط و خال که دایان مده خزینهٔ دل — بدست شاه وشی ده که محترم دارد

نه هر درخت تحمل کند جفای خزان — غلام قامت سرو م که این قدم دارد

رسید موسم آن کز طرب چو نرگس مست — نهد به پای قدح هر کرا سرش دم دارد

ز راز بهای می اکنون چو گل دریغ مدار — که عقل کل به صدت عیب متهم دارد

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه مخوان — کدام محرم دل ره درین حرم دارد

دلم که لاف تجرد زدی کنون صد شغل — به بوی زلف تو با باد صبحدم دارد

مراد دل ز که پرسم که نیست دلداری — که جلوهٔ نظر بشیوهٔ کرم دارد

رهیب غرقهٔ حافظ چه طرف بتوان بست

که با صد طلبیدیم و او چو نم دارد

جواب فال (۱۱۸)

ساده و خوش قلبی مهربان و زود جوش ولی ای عزیز همیشه همین‌گونه باش و دل آزرده مشو با کسانی از در مهر و الفت درآ که لایق این عطوفت را داشته باشند.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۱۹ • خون ارغوان

تبی دارم که گر گل زنبل سایه‌بان دارد — بهار عارضش خطی بخون ارغوان دارد

غبار خط چو بشانید ز رخسارش یارب — حیات جاودانش ده که حسن جاودان دارد

چو عاشق می‌شدم گفتم که بردم گوهر مقصود — ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد

ز چشمت جان نشاید برد کز هر گوشه‌ای گرده‌ست — تیر افکن کمان دارد

چو دام طره افشاند ز مکر و خاطر عشاق — کمین از گوشه‌ای گرده‌ست تیر افکن کمان دارد

ببینش بر بر لعلی بر خاک و حال دل دل بشنو — به خار صبا گوید که راز ما نهان دارد

چو در دیت بخندد گل شود دامش ای بلبل — که از بشید و گنجور و فراوان داستان دارد

خدا را دامن ایشان ز آه و ای شبه مجلس — که بی باد گری خورده‌ست با من سرگران دارد

ز طرف جرم ایمن کن اگر امید آن داری — که از چشم بد اندیشان خدایت در امان دارد

چه قدر بخت خود گویم که ایشان اختیار شهر آشوب

نمی‌گشت حافظ را و شکر در دهان دارد

جواب فال (۱۱۹)

به دام عشق گرفتارید و در دریای عشق شناور ولی عزیز شنا کردن در دریا بهتر است از غرق شدن عاقلانه رفتار کن تا این عشق لذت بخش باشد نه نابود کننده.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

تمنای وصل

۶۱

صبا اگر گذری افتدت به کشور دوست
بیار نفحه‌ای از گیسوی معنبر دوست

به جان او که بشکرانه جان برافشانم
اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست

وگر چنانکه در آن حضرت نباشد بار
برای دیده بیاور غباری از در دوست

من گدا و تمنای وصل او هیهات
مگر به خواب ببینم خیال منظر دوست

دل صنوبرم همچو بید لرزان است
ز حسرت قد و بالای چون صنوبر دوست

اگرچه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
به عالمی نفروشیم موی از سر دوست

چه باشد ار شود از بند غم دلش آزاد
چو هست حافظ مسکین غلام و چاکر دوست

جواب فال (۶۱)

عاشقی و فکر عشقت به جنون کشاندات نمی‌دانی که آیا او هم تو را لایق عشق می‌داند یا نه . بدان که با عشق پاک و قلبی پر مهر و نیتی حقیقی موفقیت با توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

رمز عشق

۱۲۰

هر آنکو خاطری مجموع و یاری نازنین دارد
سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد

حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد

دهان تنگ شیرینت کرشمه‌ساز صد جان است
که نقش خاتم لعلش جهان زیر نگین دارد

لب لعل و خط مشکین چو این حسن است آتش زن
بنازم دلبر خود را که حسنش آن و این دارد

به خواری منگر ای منعم ضعیفان و نحیفان را
که صدر مجلس عشرت گدای رهنشین دارد

چو بر روی زمین باشی تواضع غنیمت دان
که دوران ناتوانیها بسی زیر زمین دارد

بلاکردان جان و تن دعای مستمندان است
که بیند خیر از آن خرمن که کنک از خوشه‌چین دارد

صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان
که صد جمشید و کیخسرو غلام کمترین دارد

وگر گویندی خواهم چو حافظ عاشق مفلس
بگویدش که سلطانی گدایی همنشین دارد

جواب فال (۱۲۰)

در آینده اولاد خوبی از خود بجای می‌گذارید که همیشه عصای دستتان خواهد بود و در خوبی نظیر نخواهد داشت آنچنان با داشتن آنها احساس راحتی می‌کنید که دیگر از خدا هیچ نمی‌خواهی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

گل خندان

۱۲۴

شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد
بنده طلعت آن باش که آنی دارد

شیوه حور و پری گرچه لطیف است ولی
خوبی آنست و لطافت که فلانی دارد

چشمهٔ چشم مرا ای گل خندان دریاب
که به امید تو خوش آب روانی دارد

گوی خوبی که بر د از تو که خورشید آنجا
نه سواری ست که در دست عنانی دارد

دلنشان شد سخنم تا تو قبولش کردی
آری آری سخن عشق نشانی دارد

خم ابروی تو در صنعت تیراندازی
برده از دست هر آنکس که کمانی دارد

در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز
هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد

با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف
هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

مرغ زیرک نزند دم ز خوش پرده سرای
هر بهاری که به دنباله خزانی دارد

مدعی گو لغز و نکته به حافظ مفروش
کلک ما نیز زبانی و بیانی دارد

جواب فال (۱۲۴)

به کسی دل ببند که سیرت زیبا دارد زیرا که صورت زیبا دلیل بر نیک خوبی و وفاداری نیست درستی و صداقت انسان را زیبا می‌کند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

چشم مخمور

۱۲۳

آنکه از سنبل او غالیه تابی دارد
با زبان دلشدگان ناز و عتابی دارد

از سر کشتهٔ خود می‌گذرد همچون باد
چه توان کرد که عمر است و شتابی دارد

ماه خورشید نمایش ز پس پرده زلف
آفتابی ست که در پیش سحابی دارد

چشم من گرد به هر گوشه روان سیل سرشک
تا سهی سرو ترا تازه به آبی دارد

غمزهٔ شوخ تو خونم به خطا می‌ریزد
فرصتش باد که خوش فکر صوابی دارد

آب حیوان اگر آنست که دارد لب دوست
روشن است این که خضر بهره ز آبی دارد

چشم مخمور تو دارد ز دلم قصد جگر
ترک مست است مگر میل کبابی دارد

جان بیمار مرا نیست ز تو روی وصال
ای خوش آن خسته که از دوست جوابی دارد

کی کند سوی دل خسته حافظ نظری
چشم مستش که به هر گوشه خرابی دارد

جواب فال (۱۲۳)

در راهی که می‌روی از دوستان با وفا بزرگان و مریدان و اهل فن کمک گیر جانب احتیاط را نگهدار و به خدا توکل کن انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شوخی نرگس ۱۲۶

روشنی طلعت تو ماه ندارد — پیش تو گل رونق گیاه ندارد
گوشه ابروی تست منزل جانم — خوشتر ازین گوشه پادشاه ندارد
تا چه کند با رخ تو دود دل من — آینه دانی که تاب آه ندارد
شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت — چشم دریده ادب نگاه ندارد
دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری — جانب هیچ آشنا نگه ندارد
رند گرانم ده ای مرید خرابات — شادی شیخی که خانقاه ندارد
خون خورد و خامش نشین که آن دل نازک — طاقت فریاد دادخواه ندارد
گوبر دو آستین به خون جگر شوی — هر که درین آستانه راه ندارد
نی من تنها کشم تطاول زلفت — کیست که او داغ این سیاه ندارد

حافظ اگر سجده تو کرد مکن عیب
کافر عشق ای صنم گناه ندارد

جواب فال (۱۲۶)

خوش شانس و سعادتمند و باهوش و ذکاوت هستید زبانزد خاص و عام در ابتکار و نوآوری ولی خدا را فراموش نکن و با رقیبان از در لطف درآ تا همیشه موفق باشی و خدا با تو باشد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

گنج قارون ۱۲۵

جان بی جمال جانان میل جهان ندارد — هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد
با هیچ کس نشانی زان دلستان ندیدم — یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد
شرحی درین ره صعب آتشین است — دردا که این معما شرح و بیان ندارد
سر منزل فراغت نتوان ز دست دادن — ای ساربان فروکش کاین ره کران ندارد
چنگ خمیده قامت خواندت به عشرت — بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد
ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز — مست است و حق ناکس این کان ندارد
احوال گنج قارون کایام داد بر باد — در گوش دل فروخوان تا رز نهان ندارد
گر خود رقیب شمع است اسرار او مپوشان — کان شوخ سر بریده بند زبان ندارد

کس در جهان ندارد یک بنده همچو حافظ
زیرا که چون تو شاهی کس در جهان ندارد

جواب فال (۱۲۵)

مال‌ورزی و حرص و طمع را کنار بگذار وقتی از این دنیا بروی جز لباس سفیدی بر تن چیزی با خود نمی‌بری پس از لذتهای زندگیت استفاده کن و مال اندوزی را کنار بگذار.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نهیب حادثه ۱۲۸

اگر نه باده غم دل زیاد ما ببرد — نهیب حادثه بنیاد ما از جا ببرد
دگر به عقل به مستی فرو کشد لنگر — چگونه کشتی ازین ورطه بلا ببرد
فغان که با همه کس غایبانه بخت فلک — که کس نبود که دستی ازین دغا ببرد
گذار بر ظلمات است خضر راهی کو — مباد کاتش محرومی آب ما ببرد
دل ضعیفم از آن می کشد به طرف چمن — که جان ز مرگ به بیماری صبا ببرد
طبیب عشق منم باده ده که این معجون — فراغت آرد و اندیشه خطا ببرد

بسوخت حافظ و کس حال او به یار نگفت
مگر نسیم پیامی خدای را ببرد

جواب فال (۱۲۸)

بلندپروازی را کنار بگذار نه اینکه آرزوهای بزرگ نداشته باش نه آرزوهای واهی را کنار بگذار اگر با سعی و تلاش و امید و توکل به خدا روزهای سخت زندگی به پایان می‌رسد و گشایشی در کارهایت ایجاد می‌شود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

سوخته دل ۱۲۷

نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد — بختم ار یار شود رخت از اینجا ببرد
کو حریفی کش سرست که پیش کرش — عاشق سوخته دل نام تمنا ببرد
با غبانا ز خزان بی خبرت می بینم — آه از آن روز که باد گل رعنا ببرد
رهزن دهر نخفته ست مشو ایمن ازو — اگر امروز نبرده ست که فردا ببرد
در خیال این بلیعت به هوس می بازم — بو که صاحب نظری نام تماشا ببرد
علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد — ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد
بانگ گاوی چه صدا باز دهد شوه مخر — سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد
جام مینایی می سد ره تنگ دلی ست — منه از دست که سیل غمت از جا ببرد
راه عشق ار چه کمین گاه کمانداران است — هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد

حافظ ار جان طلبد غمزه مستانه یار
خانه از غیر بپرداز و بهل تا ببرد

جواب فال (۱۲۷)

به دوست و یاری رفیق و شفیق نیاز داری تا کمی از آلام روحی‌ات بکاهد ای عزیز زندگی همیشه بر وفق مراد نمی‌چرخد سستی و بی حسی را کنار بگذار و دوباره شروع کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۲۹ عشق روی گل

سحر بلبل حکایت با صبا کرد — که عشق روی گل با ما چها کرد
از آن رنگ رخم خون در دل افتاد — وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد
غلام همت آن نازنینم — که کار خیر بی روی و ریا کرد
من از بیگانگان دیگر ننالم — که با من هر چه کرد آن آشنا کرد
گر از سلطان طمع کردم خطا بود — ور از دلبر وفا چشم جفا کرد
خوشش باد آن نسیم صبحگاهی — که در شب نشینان را دوا کرد
نقاب گل کشید و زلف سنبل — گره بند قبای غنچه وا کرد
به هر سو بلبل عاشق درافغان — تنم از میان باد صبا کرد
بشارت بر به کوی می فروشان
که حافظ توبه از زهد و ریا کرد

جواب فال (۱۲۹)

قرار نیست همیشه نزدیکان بهتر و غمخوارتر از بیگانگان باشند غم گذشته را مخور هر انسانی جایزالخطاست و ممکن است فریب فریبکاران را بخورد به خدا توکل کن ، عاقل باش انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۳۰ اشارت

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد — هلال عید به دور قدح اشارت کرد
ثواب روزه و حج قبول آنکس برد — که خاک میکده عشق را زیارت کرد
مقام اصلی ما گوشه خرابات است — خدایش خیر دهاد آنکه این عمارت کرد
بهای باده چون لعل چیست جوهر عقل — بیا که نیک و کسی برد کاین تجارت کرد
نماز در خم آن ابروان محرابی — کسی کند که به خون جگر طهارت کرد
فغان که نرگس جاسوس شیخ شهر امروز — نظر به مردکشان از سر حقارت کرد
به روی یار نظر کن ز دیده منت دار — که کار دیده نظر از سر بصارت کرد
حدیث عشق ز حافظ شنو نه از واعظ
اگر چه صنعت بسیار در عبارت کرد

جواب فال (۱۳۰)

کاری را انجام بده که قلباً به درستی آن اعتقاد داری و سرخود را کلاه نگذار و گول نابخردان را مخور از اهل فن کمک بگیر با حوصله و صبر تلاش کن تا موفق شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۳۱ خون دختر

به آب روشن می عارفی طهارت کرد — علی الصباح که میخانه را زیارت کرد
همین که ساغر زرین خور نهان گردید — هلال عید به دور قدح اشارت کرد
خوشا نیاز و نیاز کسی که از سر درد — به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
امام خواجه که بودش سر نماز دراز — به خون دختر رز خرقه را قصارت کرد
دلم ز حلقه زلفش به جان خرید آشوب — چه سود دید ندانم که این تجارت کرد
اگر امام جماعت طلب کند امروز
خبر دهید که حافظ بمی طهارت کرد

جواب فال (۱۳۱)

به درگاه خداوند روی آور با خلوص نیت و دلی پاک دست به دعا بردار و او را رهنمای خود قرار ده به او توکل کن و با سعی و کوشش خود به سعادتی که لیاقتش را داری دست می‌یابی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۳۲ فلک حقه‌باز

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد — بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد
بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه — زیرا که عرش شعبده با اهل راز کرد
ساقی بیا که شاهد رعنای صوفیان — دیگر به جلوه آمد و آغاز ناز کرد
این طرب از کجاست که ساز عراق ساخت — و آهنگ باز گشت ز راه حجاز کرد
ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم — زانچه آستین کوته و دست دراز کرد
صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت — عشق به روی دل در معنی فراز کرد
فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید — شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
ای کبک خوشخرام کجا می روی بایست — غره مشو که گرگ بدزد با هدف نماز کرد
حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد و ریایی نیاز کرد

جواب فال (۱۳۲)

نگذارید که فریبکاران از ساده دلی شما سوء استفاده کنند زودباوری را کنار بگذارید و گول دیگران را نخورید هرچند ماه هیچگاه پشت ابر نمی‌ماند و دست آنها برای شما رو می‌شود، راه حقیقت را برگزین تا سعادتمند شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

کوی یار ۱۳۴

چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد — نفس ببوی خوشش مشکبار خواهم کرد
به هرزه بی می و معشوق عمری گذرد — بطالتم بس از امروز کار خواهم کرد
هر آب روی که اندوختم ز دانش و دین — نثار خاک ره آن نگار خواهم کرد
چو شمع صبحدمم شد ز مهر او روشن — که عمر در سر این کار و بار خواهم کرد
به پای چشم تو خود را خراب خواهم ساخت — بنای عهد قدیم استوار خواهم کرد
صبا کجاست که این جان خون گرفته چو گل — فدای نکهت گیسوی یار خواهم کرد

نفاق و زرق نبخشد صفای دل حافظ
طریق رندی و عشق اختیار خواهم کرد

جواب فال (۱۳۴)

انسان با اراده به نیتی که در ذهن خود دارد دست می‌یابد برای هدفی که در پیش گرفته‌ای از هیچ کوششی دریغ مکن استوار و ثابت قدم باش به امید خدا موفقیت با توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

چه آسان ۱۳۳

بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد — باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد
طوطیی را به خیال شکری دل خوش بود — ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد
قرة العین من آن میوهٔ دل یادش باد — که چه آسان بشد و کار مرا مشکل کرد
ساربان بار من افتاد خدا را مددی — که امید کرم همرهِ این محمل کرد
روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار — چرخ فیروزه طشت است از این کهل کرد
آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ — در لحد ماه گنان ابروی من منزل کرد

نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ
چکنم بازی ایام مرا غافل کرد

جواب فال (۱۳۳)

نازک بین و عاقل باش تا در دامی که حاسدان برایت پهن کرده‌اند گرفتار نشوی و حاصل زحمتها و رنجهای گذشته‌ات هدر نرود اگرچه با تلاش و صبر و حوصله‌ای که تو داری می‌توانی هزاران بار دوباره شروع کنی و موفق شوی و این خصلت تو قابل تقدیر است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

جان ناتوان ۱۳۶

دل از من برد و روی از من نهان کرد — خدا را با که این بازی توان کرد
شب تنهایی ام در قصد جان بود — خیالش لطفهای بی‌کران کرد
چرا چون لاله خونین دل نباشم — که با ما نرگس او سرگران کرد
که را گویم که با این درد جانسوز — طبیبم قصد جان ناتوان کرد
بدان سان سوخت چون شمعم که بر من — صراحی گریه و بربط فغان کرد
صبا گر چاره‌ای وقت است دریاب — که درد اشتیاقم قصد جان کرد
میان سر با نان کی توان گفت — که یار ما چنین گفت و چنان کرد

عدو با جان حافظ آن نکردی
که تیر چشم آن ابروکمان کرد

جواب فال (۱۳۶)

به خدا توکل کن عقل را فراسوی خود قرار ده اینقدر افسوس گذشته و نامردمی‌های بدخواهان را مخور به هوش باش تا گذشته‌ها را دوباره تجربه نکنی به یاری خدا موفق خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مشکل عشق ۱۳۵

دست در حلقهٔ آن زلف دوتا نتوان کرد — تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
آنچه رمز است من اندر طلبت بنمایم — این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
دامن دوست به صد خون دل افتاد بدست — بدو سی که کند خصم رها نتوان کرد
عارضش را بمثل ماه فلک نتوان گفت — نسبت دوست به هر بی سر و پا نتوان کرد
سرو بالای من آنگه که درآید به سماع — چه عجب جامه جان را که قبا نتوان کرد
نظر پاک تواند رخ جانان دیدن — که در آیینه نظر جز به صفا نتوان کرد
مشکل عشق نه در حوصلهٔ دانش ماست — حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد
غیر تم کشت که محبوب جهانی لیکن — روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد
من چه گویم که ترا از کی طبع لطیف — تا به حدی است که آهسته دعا نتوان کرد

* بجز ابروی تو محراب دل حافظ نیست
طاعت غیر تو در مذهب ما نتوان کرد

جواب فال (۱۳۵)

قدر آنچه را که داری بدان که هیچ چیز به سادگی بدست نمی‌آید. آنچه در تقدیرت نوشته شده قابل تعویض نیست زیاده خواهی را کنار بگذار و با عشق و محبت رفتار کن خدا با توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۳۷ یک نظر

روبرویش نهادم و برمن گذر نکرد — صد لطف چشم داشتم و یک نظر نکرد
سیل سرشک مازدلش کین بدر نبرد — در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد
یارب تو آن جوان دلاور نگاه دار — کز تیر آه گوشه نشینان حذر نکرد
ماهی و مرغ و دوش ز افغان من نخفت — وان شمع دیده بین که سر از خواب بر نکرد
می خواستم که پیش اندر قدم چو شمع — او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد
جانا کدام سنگدل بی کفایت است — کو پیش زخم تیغ تو جان را سپر نکرد

گلگشت زبان بریدهٔ حافظ در انجمن
با کس نگفت راز تو تا ترک سر نکرد

جواب فال (۱۳۷)

عیب شما این است که زود ناامید می‌شوید و احساس خستگی می‌کنید ای عزیز کاری را که شروع می‌کنی تا انتها ادامه بده و از این شاخه به آن شاخه نپر، به خدا توکل کن با سعی و کوشش خودت یک راه را برگزین و ادامه بده انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

۱۳۸ دلبر برفت

دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد — یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد
یا سخت من طریق مروت فرو گذاشت — یا او به شاهراه طریقت گذر نکرد
گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم — در سنگ خاره قطره باران اثر نکرد
شوخی مکن که مرغ دل بی قرار من — سودای دام عاشقی از سر بدر نکرد
هر کس که دید روی تو بوسید چشم من — کاری که کرد دیدهٔ من بی نظر نکرد

من ایستاده تا کنش جان فدا چو شمع
او خود گذر به ما چو نسیم سحر نکرد

جواب فال (۱۳۸)

هرچه دل خود را به مال و زر و زیور خوش کنی بیشتر گرفتار خواهی شد ولی ای نازنین چه کسی مال‌های اندوخته‌اش را با خود برده است عمر گذر است و این همه گرفتاری ارزش ندارد این فانی گذرا به هیچ کس وفا نکرده دل از این دلبستگی‌های فانی برهان.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

۱۳۹ آتش غم

دیدی ای دل که غم عشق دگر با ما چه کرد — چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد
آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت — آه از آن مست که با مردم بیمار چه کرد
اشک من رنگ شفق یافت ز بی مهری یار — طالع بی شفقت بین که درین کار چه کرد
برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر — وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد
ساقیا جام می ام ده که نگارندهٔ غیب — نیست معلوم که در پردهٔ اسرار چه کرد
آنکه پرنقش ز دایره مینایی — کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد

نگذرد شرح آتش غم در دل حافظ ز دو خشت
یار دیرینه مبینید که با یار چه کرد

جواب فال (۱۳۹)

عزیز دل بدان که هرکس به جایی رسیده است ثمرهٔ آن تلاشی است که برای رسیدن به آن کشیده به همان اندازه که بکاری ، درو خواهی کرد زیاده خواه مباش و حال را دریاب از نشستن و دست روی دست گذاشتن و به آینده فکر کردن به هیچ جا نخواهی رسید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

۱۴۰ حریفان

دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد — شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد
آمد از پرده مجلس عرقش پاک کنید — تا نگوید حریفان که چرا دوری کرد
مژگانی بده ای دل که دگر مطرب عشق — راه مستانه زد و چاره مخموری کرد
نه به بیغشت آب که رکنش بصد آتش زد — آنچه با خرقه زاهد می انگوری کرد
غنچه گلبن وصلم ز نسیمش بشکفت — مرغ خوشخوان طرب از برگ گل سوری کرد

حافظ افتادگی از دست مده زانکه وجود
عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد

جواب فال (۱۴۰)

از کاری که انجام می‌دهی دست برندار و در تصمیمی که گرفته‌ای تجدید نظر کن گول و فریب افراد بدخواه را مخور به فعالیت خود ادامه بده که موفقیت تو در همین است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

۱۴۱ تمنا

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد — وانچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است — طلب از گمشدگان لب دریا میکرد

مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش — کو به تأیید نظر حل معما میکرد

دیدمش خرم و خندان قدح باده بدست — و ندر آن آینه صد گونه تماشا میکرد

گفتم این جام جهان بین بتو کی داد حکیم — گفت آن روز که این گنبد مینا میکرد

بیدلی در همه احوال خدا با او بود — اونی دیدش و از دور خدایا میکرد

این همه شعبده خویش که میکرد اینجا — سامری پیش عصا و ید بیضا میکرد

گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند — جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد

گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست

گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا میکرد

جواب فال (۱۴۱)

مشکلی در زندگیت پیش آمده که حل و فصل آن برایت مشکل است عزیزم از بزرگان و دنیا دیدگان طلب کمک کن و به خدا امید داشته باش که یاد او درمان هر دردی است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۲ گل مراد

بسر جام جم آنگه نظر توانی کرد — که خاک میکده گلگل بصر توانی کرد

مباش بی می و مطرب که زیر طاق سپهر — بدین ترانه غم از دل بدر توانی کرد

گل مراد تو آنگه نقاب بگشاید — که خدمتش چو نسیم سحر توانی کرد

گدایی در جانانه ظرفا کیمیاست — گر این عمل بکنی خاک زر توانی کرد

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون — کجا بکوی طریقت گذر توانی کرد

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی — غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور — به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد

ولی تو تا لب معشوق و جام می خواهی — طمع مدار که کاری دگر توانی کرد

دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی — چو شمع خنده زنان ترک سر توانی کرد

گر این نصیحت شاه‌ا بشنوی حافظ

بشاهراه حقیقت گذر توانی کرد

جواب فال (۱۴۲)

هیچ چیز آسان و بدون رنج بدست نمی‌آید برای رسیدن به خواسته‌هایت تلاش کن و از هیچ کوششی مپرهیز که خیر آن را در آینده خواهی دید شاد باش و از زندگیت لذت ببر.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۳ وقت سفر

یاد باد آنکه ز ما وقت سفر یاد نکرد — به وداعی دل غمدیده ما شاد نکرد

آن جوانبخت که می زد رقم خیر و قبول — بنده پیر ندانم ز چه آزاد نکرد

کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک — رهنمونیم به پای علم داد نکرد

دل به امید صدایی که گهر در تو رسد — ناله ها کرد درین کوه که فریاد نکرد

سایه تا باز گرفتی ز چمن مرغ سحر — آشیان در گلن طرفه نشاد نکرد

شاید ار پیک صبا از تو بیاموزد گاه — زانکه چالاکتر از این حرکت باد نکرد

گلک مشاطه صنعش که شکفتش مراد — هر که اقرار بدین حسن خداداد نکرد

مطربا پرده بگردان و بزن راه عراق — که بدین راه بشد یار و ز ما یاد نکرد

غزلیات عراقی است سرود حافظ

که شنید این ره دلسوز که فریاد نکرد

جواب فال (۱۴۳)

ای عزیز به کسی دل ببند که لیاقت عشق تو را داشته باشد و قدر یکدلی و یکرنگی تو را بداند آن که دلباخته‌اش هستی لایق عشق تو نیست به فراموشی بسپارش که تلاشهایت در راه رسیدن به او بیهوده بوده به خدا توکل کن انشاءالله که یار و یاورت باشد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۴ علاج دل

چیستی است ندانم که رو به ما آورد — که بود ساقی و این باده از کجا آورد

تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر — که مرغ نغمه سرا ساز خوش نوا آورد

دلا چو نخچیر شکایت ز کار بسته مکن — که باد صبح نسیم گره گشا آورد

رسیدن گل و نسرین بخیر و خوبی باد — بنفشه شاد و کش آمد سمن صفا آورد

صبا بخوش خبری بد به بلبلان است — که مژده طرب از گلشن سبا آورد

علاج ضعف دل ما کرشمه ساقی است — برآر سر که طبیب آمد و دوا آورد

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ — چرا که وعده تو کردی و ادا بجا آورد

بتنگ چشمی آن ترک لشکری نازم — که جمله بر من درویش یک قبا آورد

فلک غلامی حافظ کنون بطوع کند

که التجا به در دولت شما آورد

جواب فال (۱۴۴)

سر دو راهی مانده‌ای و از پیشامدهای زندگی متعجبی به خدا توکل کن و عاقلانه تصمیم بگیر و در راهی که انتخاب می‌کنی بی‌سرسری و بی فکر عمل نکن تا روی سعادت و خوشبختی را ببینی .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۵ باغ سینه

صبا وقت سحر بویی ز زلف یار می‌آورد
دل شوریده ما را به نوعی کار می‌آورد

من آن مشکل صنوبر را ز باغ سینه بر کندم
که هر گل کز غمش بشکفت محنت باری آورد

فروغ ماه می‌دیدم ز بام قصر او روشن
که روی از شرم آن خورشید در دیواری آورد

ز بیم غارت مژگش دل پرخون رها کردم
ولی می‌سخت خونخواره به دل‌ها بیقراری آورد

به قول مطرب و ساقی برون رفتم که دیگر
کزان راه گران قاصد خبر دشواری آورد

سراسر سخنش جاذبان لطف و احسان بود
اگر تسبیح می‌فرمود اگر زناری آورد

عفا الله چین ابرویش اگرچه ناتوانم کرد
به مژده هم پیامی بر سر بیماری آورد

عجب می‌داشتم دیشب ز حافظ جام پیمانه
ولی منش نمی‌کردم که صوفی وار می‌آورد

جواب فال (۱۴۵)

راهی که در پیش گرفته‌ای بیراهه است خیر و صلاح تو این نیست کاری انجام بده و انرژی و جد و جهد خود را برای فعالیتی مصرف کن که لایق آن باشی نه کاری که در شأن و مقام تو نیست .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۶ روز محنت

نسیم باد صبا دوش آگهی آورد
که روز محنت و غم رو به کوتهی آورد

به مطربان صبوحی دهیم جامه چاک
بدین نوید که باد سحرگهی آورد

بیا بیا که تو حور بهشت را رضوان
درین جهان بزرای دل رهی آورد

هی رویم بیش از با عنایت دوست
زهی رفیق که بختم به همرهی آورد

چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرگه ماه
چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد

رسانده رایت منصور بر فلک حافظ
که التجا به جناب شهنشهی آورد

جواب فال (۱۴۶)

ناراحتی و پریشانی را کنار بگذار، مژده که بهاران خواهد رسید زندگیت با خبر خوش دگرگون می‌شود و طعم لذتهای زندگی را خواهی چشید . انشاءالله.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۴۷ چو قدح

یارم چو قدح به دست گیرد
بازار بتان شکست گیرد

هر کس که بدید چشم او گفت
کو مفتی که دست گیرد

در بحر فتاده‌ام چو ماهی
تا یار مرا به شست گیرد

در پاش فتاده‌ام به زاری
آیا بود آنکه دست گیرد

خرم دل آنکه همچو حافظ
جامی ز می الست گیرد

جواب فال (۱۴۷)

به خدا توکل کن به سعی و تلاش خود ادامه بده که خیر و صلاحت در همین است انسان با اراده‌ای هستی و تصمیمات بخردانه می‌گیری و باعث موفقیت تو خواهد شد به امید خدا.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۰ سرزنشها

دمی با غم بسر بردن جهان یکسر نمی‌ارزد
بمی بفروش دلق ما کزین بهتر نمی‌ارزد

به کوی می‌فروشانش به جامی بر نمی‌گیرد
زهی سجاده تقوی که یک ساغر نمی‌ارزد

رقیبم سرزنشها کرد کز این باب سر برتاب
چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی‌ارزد

شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درجست
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد

چو حافظ در قناعت کوش و از دنیا دون بگذر
که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی‌ارزد

جواب فال (۱۵۰)

پریشان‌حالی و ناامیدی را کنار بگذار تو لایق بیش از آن هستی که با خود می‌کنی همه زندگی در غصه خوردن خلاصه نمی‌شود به پا خیز و با جدیت با یاری خدا به جنگ با ناملایمات برو.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۱ عشق پیدا شد

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد — عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت — عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

عقل می‌خواست کزان شعله چراغ افروزد — برق غیرت بدرخشید و جهان برهم زد

مدعی خواست که آید به تماشاگه راز — دست غیب آمد و بر سینهٔ نامحرم زد

دیگران قرعهٔ قسمت همه بر عیش زدند — دل غمدیدهٔ ما بود که بر هیچ غم زد

جان علوی هوس چاه زنخدان تو داشت — دست در حلقهٔ آن زلف خم اندر خم زد

حافظ آن روز ظفر نامهٔ عشق تو نوشت
که قلم بر سر اسباب دل خرم زد

جواب فال (۱۵۱)

برای هر کاری که زحمت بیشتر بکشی ارزش بیشتری قایل می‌شوی به نور عشقی که زندگیت را روشن کرده دلخوش باش و مشکلاتش را به جان و دل بخر امیدوار باش که راه سعادت می‌روی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۲ مهر گردون

سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد — به دست مرحمت یارم در امیدواران زد

چو پیش صبح روشن شد کمال مهر گردون چیست — برآمد خنده‌ای خوش بر غرور کامگاران زد

خیال شهسواری پخت و شد ناگه دل مسکین — خداوندا نگه دارش که بر قلب سواران زد

در آب و رنگ و خالش چه خوریم و چه دادیم — چو نقشش دست داد اول رقم بر جانسپاران زد

منش با طرهٔ پیچین کجا اندر کمند آرم — زره مویی که مژگانش ره خنجرگزاران زد

نظر بر قرعهٔ توفیق و یمن دولت شاه است — بده کام دل حافظ که فال بختیاران زد

شهنشاه مظفر فر شجاع ملک و دین منصور — که جود بی‌دریغش خنده بر ابر بهاران زد

الا آن ساعت که جام می به دست او شرف شد — زمانی ساغر شادی به یاد میگساران زد

ز شمشیر افشانش ظفر آن روز بدرخشید — که چون خورشید انجم سوز تنها بر هزاران زد

دوام عمر و ملک او بخواه از لطف حق ای دل
که پیر چرخ این یک دولت به دور روزگاران زد

جواب فال (۱۵۲)

نور امیدی در زندگیت درخشیدن می‌گیرد و گشایشی در کارهایت بوجود خواهد آمد که هرگز فکرش را هم نمی‌کردی . شکر گزار خالقت باش که در همه حال تو را سعادتمند گرداند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۳ شعری بخوان

راهی بزن که آهی برسازد آن توان زد — شعری بخوان که با او طبل گران توان زد

بر آستان جانان کز سر توان نهادن — کلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

قد خمیده ما سهلست نماید اما — بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد

در خانقه بگنجد اسرار عشقبازی — جام می مغانه هم با مغان توان زد

درویش را نباشد برگ سرای سلطان — ما هیچ و کنه دلقی کاتش در آن توان زد

اهل نظر دو عالم در یک نظر بازند — عشق او داد اول بر نقد جان توان زد

گر دولت وصالت خواهد دری نشوئی — سر را بدین تخیل بر آستان توان زد

عشق و شباب و رندی مجموعه مرادات — چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد

شد در جهان ملالت تو وین عجب نیست — گر راه زن تو باشی صد کاروان توان زد

حافظ به حق قرآن کز شید و زرق باز آی
باشد که گوی عیشی در این جهان توان زد

جواب فال (۱۵۳)

خوش قلب و مهربانی و درهای سعادت بروبت گشوده است در وقت توانمندی بیاد بیچارگان و دردمندان باش تا بدینوسیله از نعمتها و موهبتهای الهی که خداوند به تو عطا کرده شکر گزاری کرده باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۴ بیابان عشق

اگر روم ز پی اش فتنه‌ها برانگیزد — ور از طلب بنشینم یکیک برخیزد

وگر به رهگذری یک دم از هواداری — چو گرد در پی اش افتم چو باد بگریزد

وگر کنم طلب نیم بوسه صد افسوس — ز حقه دهنش چون شکر فرو ریزد

من آن فریب که در کس تو می‌بینم — بس آبروی که با خاک ره برآمیزد

فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست — کجاست شیر دلی کز بلا نپرهیزد

تو تفرجاه و صبوری که پیر خرقه شعبده باز — هزار بازی از این طرفه‌تر برانگیزد

بر آستانهٔ تسلیم سر بنه حافظ
که گر ستیزه کنی روزگار بستیزد

جواب فال (۱۵۴)

دوستان با وفا را در اطراف خود نگه دار و با آنها و کمک و همیاری یکدیگر به درجات ترقی صعود کنید ، یک دست صدا ندارد با همفکری و همیاری یاران صدیق روزگاری که فعلاً از آن ناراضی هستی و با تو سازگار نیست دگرگون می‌شود و روی سپیدی را نشانت می‌دهد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شرح قصه ۱۵۵

بحسن وخلق ووفا کس بیار ما نرسد — ترا درین سخن انکار ما نرسد

اگرچه حسن فروشان جلوه آمده اند — کسی بحسن وملاحت بیار ما نرسد

بحق صحبت دیرین که هیچ محرم راز — بیاریک جهت حق گزار ما نرسد

هزار نقش برآید ز کلک صنع ویکی — به دلپذیری نقش نگار ما نرسد

هزار نقد به بازار کاینات آرند — یکی به سکهٔ صاحب عیار ما نرسد

دریغ قافلهٔ عمر کانچنان رفتند — که گرد شان به هوای دیار ما نرسد

دلا ز خبث حسودان مرنج و واثق باش — که بد بخاطر امیدوار ما نرسد

چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را — غبار خاطری از رهگذار ما نرسد

بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه او

به سمع پادشه کامگار ما نرسد

جواب فال (۱۵۵)

دهن بین نباش و برای هر نظر و عقیده‌ای ارزش قائل شو هر کس ارزش آن را ندارد که برای شما تکلیف مشخص کند تصمیمی را که خودت می‌گیری عملی کن و در این راه تنها رفیق شفیق تو یار باوفایت است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نرگس رعنا ۱۵۶

هر که را با خط سبزت سر سودا باشد — پای ازین دایره بیرون ننهد تا باشد

من چو از خاک محمد لاله صفت برخیزم — داغ سودای توام سر بسویدا باشد

تو خدا ای گو هر یکدانه کجایی آخر — کز غمت دیدهٔ مردم همه دریا باشد

از بن هر مژه‌ام آب روان است بیا — اگرت میل لب جوی و تماشا باشد

چون گل دمی دمی از پرده برون آی و درآی — که دگر باره ملاقات نه پیدا باشد

ظل ممدود خم زلف توام بر سر باد — کاندرین سایه قرار دل شیدا باشد

چشمت از ناز به حافظ نکند میل آری

سرگرانی صفت نرگس رعنا باشد

جواب فال (۱۵۶)

با اراده و پشتکار بر هر مشکلی غالب می‌شوی . پشتکار داری و استوار و با غیرتی این خصلتهای نیکوی توست که قدم به قدم بسوی پیشرفت می‌کشاندت . خستگی ناپذیر هستی و موفق دست خدا به همراهت باد. موفق باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عین ولایت ۱۵۷

من و انکار شراب این چه حکایت باشد — غالبا این قدرم عقل و کفایت باشد

تا به غایت ره میخانه نمی دانستم — ورنه مستوری ما تا به چه غایت باشد

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز — تا ترا خود ز میان با که عنایت باشد

من که شبها رهٔ مقصود زدم با بلف و چنگ — این زمان سر بره آرم چه حکایت باشد

بندهٔ پیر مغانم که ز جهلم برهاند — پیر ما هرچه کند عین ولایت باشد

دوش ازین غصه نخفتم که حکیمی می گفت

حافظ ار مست بود جای شکایت باشد

جواب فال (۱۵۷)

آنچه شما انجام می‌دهی نشان دهنده شخصیت توست و بدان نتیجه اعمال توست که تو را به اطرافیانت می‌شناساند نه حرف های مزخرف یاوه گویان و بدگوییهای آنها پس ناراحت مباش و دست از تلاش برندار از بزرگان و اهل فن طلب کمک کن موفقیت با توست .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

محک تجربه ۱۵۸

نقد صوفی نبهد صافی و بی غش باشد — ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد

صوفی ما که ز زور و سحری مست شدی — شاکیش بگران باش که سرخوش باشد

خوش بود گر محک تجربه آید به میان — تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

خط ساقی گر ازین گونه زند نقش بر آب — ای بسا رخ که بخونابه منقش باشد

ناز پرور تنعم نبرد راه به دوست — عاشق شیوه رندان بلاکش باشد

غم دنیای دنی چند خوری باده بخور — حیف باشد دل دانا که مشوش باشد

دلق و سجادهٔ حافظ ببر و باده فروش

کز شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

جواب فال (۱۵۸)

از سختگیریهای اطرافیانت دلگیر و پریشان مشو شاید ظاهراً با تو بد تا می‌کنند ولی باطناً خیر و صلاحت را می‌خواهند. با پشتکار و درایتی که در توست از نردبان خوشبختی صعود خواهی کرد. انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۵۹ حریم وصال

خوش است خلوت اگر یار با من باشد — من بسوزم و او شمع انجمن باشد
من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم — که گاه گاه بر او دست اهرمن باشد
روا مدار خدایا که در حریم وصال — رقیب محرم و حرمان نصیب من باشد
همای گو مگس سایه شرف مگرز — در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد
بیان شوق چه حاجت که حال آتش دل — توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد
هوای کوی تو از سر نمی رود آری — غریب را دل سرگشته با وطن باشد

بسان سوسن اگر ده زبان شود حافظ
چو غنچه پیش تواش مهر بر دهن باشد

جواب فال (۱۵۹)

شما دل در گرو عشق یار بی‌وفایی دارید و این خطاست . دوست واقعی شما آن کسی است که چه در هنگام غم و چه در دوران شادی در کنارت باشد. امیدت به درگاه قادر متعال باشد که همین تو را بس است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۶۰ کلک خیال انگیز

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد — یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار — صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
غمناک نباید بود از ظن حسود ای دل — شاید که چو وا بینی خیر تو در این باشد
هر نکته و فهمی زین کلک خیال انگیز — نقشش به حرام ار خود صد رنگ چنین باشد
جام می و خون دل هر یک بکسی دادند — در دایرهٔ قسمت اوضاع چنین باشد
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود — کان شاهد بازاری وین پرده نشین باشد

آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
کاین سابقهٔ پیشین تا روز پسین باشد

جواب فال (۱۶۰)

انسان دانا در هنگام عصبانیت بر نفس خویش مسلط است و عجولانه تصمیم نمی‌گیرد. در این جهان هرکس تقدیر و سرنوشتی دارد و آنچه به پایت نوشته شده عوض کردنی نیست. روزی رسان حق تعالی است و کسی بیش از آنچه برایش مقدر کرده‌اند بدست نیاورده . به خدا توکل کن و از معاشرت با انسانهای پست و حسود و تنگ نظر بپرهیز که صلاح تو اینست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۶۱ گل اندام

گل بی رخ یار خوش نباشد — بی باده بهار خوش نباشد
طرف چمن و طواف بستان — بی لاله عذار خوش نباشد
رقصیدن سرو و حالت گل — بی صوت هزار خوش نباشد
با یار شکر لب گل اندام — بی بوس و کنار خوش نباشد
هر نقش که دست عقل بندد — جز نقش نگار خوش نباشد

جان نقد محقر است حافظ
از بهر نثار خوش نباشد

جواب فال (۱۶۱)

در این جهان خاکی خوبی و بدی، زشتی و زیبایی به هم آمیخته‌اند. و این زشتیها هستند که به زیبائی‌ها معنا می‌دهند پایان شب سیه سپید است و این سپیدی را وقتی قدردانی که سیاهی شب را دیده باشی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۶۳ تیغ دلدار

مرا مهر به چشمان ز سر بیرون نخواهد شد — قضای آسمان است این و دیگر گون نخواهد شد
رقیب آزار ما فرمود و جای آشتی نگذاشت — مگر آه سحرخیزان سوی گردون نخواهد شد
مرا روز ازل کاری بجز رندی نفرمودند — هر آن قسمت که آنجا رفت از آن افزون نخواهد شد
خدا را محتسب ما را بفریاد دف و نی بخش — که ساز شرع ازین افسانه بی قانون نخواهد شد
شراب لعل و جای امن و یار مهربان ساقی — دلا کی بشود کارت اگر اکنون نخواهد شد

مشوی ای دیده نقش غم ز لوح سینهٔ حافظ
که زخم تیغ دلدار است و رنگ خون نخواهد شد

جواب فال (۱۶۳)

عاشق پیشه و زیباپرستی و این در ذات توست. روزهای خوشی و کامروایی در پیش روی توست مراقب باشید که در عین بهره‌مندی از نعمای الهی از راه راست برنگردید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ماه مجلس ۱۶۵

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد — دل رمیده ما را رفیق و مونس شد
نگارمن که به مکتب نرفت و خط ننوشت — به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد
به بوی او دل بیمار عاشقان چو صبا — فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد
به صد رمضطربم می‌نشاند اکنون دوست — گدای شهر نگر کن که میر مجلس شد
خیال آب خضر بست و جام گیتی‌رو — به جرعه‌نوشی سلطان ابواسحاق وارس شد
طرب سرای محبت کنون شد معمور — که طاق ابروی یارش هندس شد
لب از ترشح می پاک کن برای خدا — که خاطرم به هزاران کدورت موسوس شد
گرسنه توشه ابی به عاشقان پیوند — که علم بی خبر افتاد و عقل بی حس شد
چو زر عزیز وجود است نظم من آری — قبول دولتیان کیمیای این مس شد

ز راه میکده یاران عنان مگردانید
چرا که حافظ ازین راه رفت و مفلس شد

جواب فال (۱۶۵)

بخت و اقبال با شما یار است و به همه خواسته‌های دلتان می‌رسید . کینه و حسرت را از دل بیرون کنید. قدر عمر را بدانید و از کمک به دیگران دریغ نکنید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

صبح امید ۱۶۴

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد — زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد
آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود — عاقبت در قدم باد بهار آخر شد
شکر ایزد که به اقبال گل و شاخ گل — نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد
صبح امید که شد مکتف پرده غیب — گو برون آی که کار شب ما را آخر شد
آن پریشانی شبهای دراز و غم دل — همه در سایه گیسوی نگار آخر شد
باورم نیست ز بدعهدی ایام هنوز — قصه غصه که در دولت یار آخر شد
ساقیا لطف نمودی قدحت پر می باد — که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد

در شمار ار چه نیاورد کسی حافظ را
شکر کان محنت بیرون ز شمار آخر شد

جواب فال (۱۶۴)

ناامید نباشید که ایام سختی و فراق رو به پایان است . به زودی فصل جدیدی از زندگی را آغاز می‌کنی که در آن از سختیهای گذشته اثری نمی‌یابی. هیچ نگرانی به دل راه مده و آرام استوار در راه رسیدن به مراد دلت گام بردار .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

شهریاران ۱۶۷

یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد — دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد
آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست — خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد
کس نمی‌گوید که یاری داشت حق دوستی — حق شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد
لعلی از کان مروت بر نیامد سالهاست — تا بش خورشید و سعی باد و باران را چه شد
شهریاران بود خاک میهن ما زین دیار — مهربانی کی سر آمد شهریاران را چه شد
گوی توفیق و کرامت در میان انگلند — کس به میدان در نمی‌آید سواران را چه شد
صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست — عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد
زمزمه‌سازی خوش نمی‌سازد که عود خوش نوخت — کس ندارد ذوق مستی میگساران را چه شد

حافظ اسرار الهی کس نمی‌داند خموش
از که می‌پرسی که دور روزگاران را چه شد

جواب فال (۱۶۷)

قلب پاکی داری و برای همه خیر و خوشی می‌خواهی اما افسوس که دستت نمک ندارد و جواب خوبیهایت را با بدی می‌دهند. از شکستهای پی در پی خسته و سرخورده شده ای اما امیدوار باش که همیشه اوضاع اینطور نمی‌ماند .

خدا گر به حکمت ببندد دری — رحمت گشاید در دیگری

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

آرزوی خام ۱۶۶

گداخت جان که شد و کار دل تمام و نشد — بنوختیم درین آرزوی خام و نشد
به لابگفت شبی هیچ مجلس تو شوم — شدم به رغبت خویشش کمین غلام و نشد
پیام داد که خواهم نشست با رندان — بشد به رندی و دردی کشیم نام و نشد
رواست در بر اگر می طپد کبوتر دل — که دید در ره خود تاب و پیچ دام و نشد
بدان هوس که ببینی بهم آن لب لعل — چو خون که در دلم افتاد هیچ جام و نشد
به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم — که من به خویش نودم صد اهتمام و نشد
فغان که در طلب گنج نامه مقصود — شدم خراب جهانی ز غم تمام و نشد
دریغ و درد که در جست و جوی گنج حضور — بسی شدم به گدایی بر کرام و نشد

هزار حیله برانگیخت حافظ از سر فکر
در آن هوس که شود آن نگار رام و نشد

جواب فال (۱۶۶)

قبل از اقدام به امور مهم با افراد با تجربه مشورت کنید. اسرار داشته باش که همه امور بر وفق مرادت پیش برود. چه بسا صلاح شما در این باشد که کار دیگری پیش گیرید. به خدا توکل کن و همیشه برای آغاز ی نو آماده باش.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

بشارت آمد ۱۶۹

دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد — کز حضرت سلیمان عشرت اشارت آمد

خاک وجود ما را از آب دیده گل کن — ویران سرای دل را کاگاه عمارت آمد

این شرح بی نهایت کز زلف یار گفتند — حرفی ست از هزاران کاندر عبارت آمد

صبحم بپوش زنهار ای خرقه می آلود — کان پاک پاکدامن بهر زیارت آمد

امروز جای هر کس پیدا شود ز خوبان — کان ماه مجلس افروز اندر صدارت آمد

بر تخت جم که تاجش معراج آسمان است — هست نگر که موری با آن حقارت آمد

از چشم شوخش ای دل ایمان خود نگهدار — کان جادوی کافکش بر عزم غارت آمد

آلوده ای تو حافظ فیضی ز شاه درخواه — کان عنصر سماحت بحر طهارت آمد

دریاست مجلس او دریاب وقت و دریاب

هان ای زیان رسیده وقت تجارت آمد

جواب فال (۱۶۹)

نقشه‌های بزرگی در سر داری اما تردید و دو دلی قدمت را سست کرده . با تکیه بر فضل پروردگار ، پس از سنجیدن جوانب امر قدم در راه گذار و اقدام کن که بخت با تو یار است و موفق خواهی بود.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

آتش رخسار گل ۱۶۸

زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد — از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

صوفی مجلس که دی جام و قدح می شکست — باز به یک جرعه می عاقل و فرزانه شد

شاهد عهد شباب آمد و بوسش به خواب — باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد

منجم ای می گذشت راهزن دین و دل — در پی آن آشنا از همه بیگانه شد

آتش رخسار گل خرمن بلبل بسوخت — چره خندان شمع آفت پروانه شد

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت — قطره باران ما گوهر یکدانه شد

نرگس ساقی بخواند آیت افنوکری — حلقه ذاورادها مجلس افسانه شد

ورد ها

منزل حافظ کنون بارگه پادشاست

دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

جواب فال (۱۶۸)

دوران فراق به سر می‌رسد و به وصل یار می‌رسی . روزهای خوشی و کامروایی در راه است و به هر آنچه از خدا خواسته بودی می‌رسی . آنکه روزی جفایی در حقت کرده پریشان خاطر برای جبران گذشته بسویت باز می‌گردد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عهد طرب ۱۷۱

در نماز خم ابروی تو با یاد آمد — حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

از من اکنون طمع صبر و دل و هوش مدار — کان تحمل که تو دیدی همه بر باد آمد

باده صافی شد و مرغان چمن مست شدند — موسم عاشقی و کار به بنیاد آمد

بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم — شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

ای عروس هنر از بخت شکایت منمای — حجله حسن بیارای که داماد آمد

دلفریبان نباتی همه زیور بستند — دلبر ماست که با حسن خداداد آمد

زیبا رندد رخشان که تعلق دارند — ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

مطرب از گفته حافظ غزلی نغز بخوان

تا بگریم که ز عهد طربم یاد آمد

جواب فال (۱۷۱)

صبر و تحمل و پایداری رمز موفقیت است. عاشق پیشه و دلباخته‌ای و در راه رسیدن به یارت جان نثاری می‌کنی در این راه خدا با توست زیرا که راه با سعادت است و لیاقت آنچه بدست می‌آوری را داری.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عشق تو ۱۷۰

عشق تو نهال حیرت آمد — وصل تو کمال حیرت آمد

بس غرقه حال وصل کاخر — هم بر سر حال حیرت آمد

یک دل نبد که در ره او — چو چره ز خال حیرت آمد

بی وصل بماند و ز اصل — آنجا که خیال حیرت آمد

از هر طرفی که گوش کردم — آواز سوال حیرت آمد

شد نغز از کمال عزت — آن را که جمال حیرت آمد

سر تا قدم وجود حافظ

در عشق نهال حیرت آمد

جواب فال (۱۷۰)

دلت در آتش عشق معشوق می‌سوزد و چشمانت اشکبار است از معشوق بی وفایی دیده‌ای و امید وصال نداری اما خدا تو را فراموش نکرده و به مراد دلت می‌رسی، امیدوار باش و تلاش کن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۷۲ باد صبا

مژده‌ای دل که دگر باد صبا باز آمد — بدمد خوش خبر از طرف سبا باز آمد

بکش ای مرغ سحر نغمه داوودی باز — که سلیمان گل از باد هوا باز آمد

عارفی کو که کند فهم زبان سوسن — تا بپرسد که چرا رفت و چرا باز آمد

مردمی کرد و کرم لطف خدا داد و بمن — کان بت ماه رخ از راه وفا باز آمد

لاله‌وی می نوشین بشنید از دم صبح — داغ دل بود به امید دوا باز آمد

چشم من در ره این قافله راه بماند — تا به گوشش دلم آواز درا باز آمد

گرچه حافظ در رنجش زد و پیمان بشکست
لطف او بین که از در با باز آمد

جواب فال (۱۷۲)

از زندگی رنج و مرارت بسیار کشیده‌ای و دلخسته و ناامیدی اما مژده باد بر تو که درهای رحمت برویت گشوده شده و به زودی غرق در شادی و خوشی خواهی شد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۷۳ موسم طرب

صبا به تهنیت پیری فروش آمد — که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد

هوا مسیح نفس گشت و باد نافه‌گشای — درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد

تنور لاله چنان برفروخت باد بهار — که غنچه قصه عرق گشت و گل به جوش آمد

بگوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش — که این سخن سحر از ما تو هم به گوش آمد

ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع — چکم آنکه چو شد اهرمن سروش آمد

ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد — چه گوش کرد که باده زبان خموش آمد

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس — سر پیاله بپوشان که خرقه‌پوش آمد

ز خانقاه به میخانه می‌رود حافظ
مگر ز مستی زهد و ریا به هوش آمد

جواب فال (۱۷۳)

دم را غنیمت شمار و در حال زندگی کن ، سختیها تمام می‌شود و روزهای خوش از راه می‌رسد ، به هر کسی اعتماد نکن و راز دلت را با هر کس مگو، سرّ درون را در سینه نگهدار تا به آمالت دست یابی .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۷۴ ★ دولت بیدار

سحرم دولت بیدار به بالین آمد — گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد

قدحی پر ز می سرخوش به تماشا بخرام — تا ببینی که نگارت به چه آیین آمد

مژده گانی بده ای خلوتی نافه‌گشای — که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

گریه آبی به رخ خوشگان باز آورد — ناله فریاد رس عاشق مسکین آمد

مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی ست — ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

ساقیا مژده غم خوار ز دشمن برسد — که به کام دل ما آن بشد و این آمد

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار — گریه‌اش بر سمن و بنفشه و نسرین آمد

چو صبا گفت حافظ بشنید از بلبل
عنبرافشان به تماشای ریاحین آمد

جواب فال (۱۷۴)

ناامید و دلخسته‌ای اما تقدیر در این است که مراد دلت را بگیری و کامروا شوی. با اعتماد به نفس و توکل به خدا با گامهای استوار قدم در راه گذار و بی هیچ تردید و سستی به پیش رو که پیروزی در انتظار توست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

۱۷۵ کیمیاگری

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند — نه هر که آینه سازد سکندری داند

نه هر که طرف کلاه کج نهاد و تند نشست — کلاه داری و آیین سروری داند

تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن — که دوست خوردش بنده‌پروری داند

غلام همت آن رند عافیت سوزم — که در گدا صفتی کیمیاگری داند

وفا و عهد نکو باشد ار بیاموزی — وگرنه هر که تو بینی ستمگری داند

بباختم دل و دیوانه‌وار نامم نیست — که آدمی بچه‌ای شیوه پری داند

هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست — نه هر که سر بتراشد قلندری داند

مدار نقطه بینش ز خال تست مرا — که قدر گوهر یکدانه گوهری داند

به قد و چهره هر آنکس که شاه خوبان شد — جهان بگیرد و اگر دادگستری داند

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

جواب فال (۱۷۵)

کینه و دشمنی را از دل بیرون کن و عینک خوش بینی به چشم بزن. با خدا باش و از نعمتهایی که به تو عطا کرده قدردانی کن ، زیاده خواه مباش و قضاوت بیجا و عجولانه نکن ، بر سر پیمان خود بمان تا موفق شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

محرم دل ۱۷۶

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند — وانکه این کار ندانست در انکار بماند

اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن — شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند

صوفیان واستدند از گرو می همه رخت — دلق ما بود که در خانه خمار بماند

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد — قصه ماست که در هر سر بازار بماند

هر می لعل کزان دست بلورین ستدیم — آب حسرت شد و در چشم گهربار بماند

هزدل من که ازل تا ابد عاشق رفت — جاودان کس نشنیدیم که در کار بماند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر — یادگاری که درین گنبد دوار بماند

داشتم دلقی و صد عیب مرا می پوشید — خرقه رهن می و مطرب شد و زنار بماند

بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد — که حدیثش همه جا بر در و دیوار بماند

به تماشا که ز نقش دل حافظ روزی
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند

جواب فال (۱۷۶)

دل پاکی دارید ولی گاهی از روی غفلت کاری را انجام می‌دهید که برایتان پشیمانی می‌آورد و احساس گناه می‌کنید ولی بدان خداوند بخشوده‌تر از آن است که فکرش را می‌کنی. تویی که آدم ساده دل و خوش نیتی هستی عاقلانه تر رفتار کن تا پریشان نشوی.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ایام غم ۱۷۷

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند — چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

من ار چه در نظر یار خاکسار شدم — رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند

چو پرده دار به شمشیر می زند همه را — کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است — چو صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

سرود مجلس جمشید گفته اند این بود — که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

غنیمتی شمر ای شمع وصل پروانه — که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند

تو انگر ار دل درویش خود بدست آور — که مخزن زر و گنج درم نخواهد ماند

بدین رواق زبرجد نوشته اند به زر — که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

ز مهربانی جانان طبع مبر حافظ
که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

جواب فال (۱۷۷)

در آرزوی امنیت و آرامش به سر می‌بردی مژده که دوران سختی به پایان خواهد رسید و روی سعادت را خواهی دید. خوش قلب و مهربان باش و از شادیهایی که در پیش داری لذت ببر.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مشتاقم ۱۷۸

ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند — مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند — زین قصه یک دمم که سخن می شود بلند

خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون — دل در وفای صحبت رودکسان مبند

گر جلوه می نمایی و گر طعنه می زنی — ما نیستیم معتقد شیخ خودپسند

ز آشفتگی حال من آگاه کی شود — آن را که دل نگشت گرفتار این کمند

بازار شوق گرم شد آن سرو قد کجاست — تا جان خود بر آتش رویش کنم سپند

جایی که یار ما به شکر خنده دم زند — ای پسته کیستی تو خدا را به خود مخند

حافظ چو ترک غمزه ترکان نمی کنی
دانی کجاست جای تو خوارزم یا بخند

جواب فال (۱۷۸)

آرزوی وصال دلدادمات خواب از چشمانت ربوده ، امیدوار و دلخوش باش به اراجیف یاوه‌گویان گوش مده خیر و صلاح خود را کسی بهتر از خودت نداند به خدا توکل کن و از او یاری بخواه.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مشتاقم ۱۷۸

ای پسته تو خنده زده بر حدیث قند — مشتاقم از برای خدا یک شکر بخند

طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند — زین قصه یک دمم که سخن می شود بلند

خواهی که برنخیزدت از دیده رود خون — دل در وفای صحبت رودکسان مبند

گر جلوه می نمایی و گر طعنه می زنی — ما نیستیم معتقد شیخ خودپسند

ز آشفتگی حال من آگاه کی شود — آن را که دل نگشت گرفتار این کمند

بازار شوق گرم شد آن سرو قد کجاست — تا جان خود بر آتش رویش کنم سپند

جایی که یار ما به شکر خنده دم زند — ای پسته کیستی تو خدا را به خود مخند

حافظ چو ترک غمزه ترکان نمی کنی
دانی کجاست جای تو خوارزم یا بخند

جواب فال (۱۷۸)

آرزوی وصال دلدادمات خواب از چشمانت ربوده ، امیدوار و دلخوش باش به اراجیف یاوه‌گویان گوش مده خیر و صلاح خود را کسی بهتر از خودت نداند به خدا توکل کن و از او یاری بخواه.

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مقصد عالی ۱۸۰

حسب حالی ننوشتی و شد ایامی چند — مهری کو که فرستم به تو پیغامی چند
ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید — هم گر پیش نهد لطف شما گامی چند
چون می اندر همه رفت گل افکند نقاب — فرصت عیش نگه دار و بزن جامی چند
قد آنچه باگل نه علاج دل ماست — بوسه‌ای چند بر آمیز به دشنامی چند
زاهدا ز که چه رندان به ملامت بگذر — تا خرابت نکند صحبت بدنامی چند
عیب می جمله چو گفتی هنرش نیز بگو — نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
ای گدایان خرابات خدا یار شماست — چشم انعام مدارید ز انعامی چند
پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش — که گلو حال دل سوخته با خامی چند

حافظ از شوق رخ همرنگ قرع تو بسوخت
کامگارا نظری کن سوی ناکامی چند

جواب فال (۱۸۰)

در این دوران جوانی به خود بیا و دست از بطالت و بیهودگی بردار از استعدادهای درونی‌ات استفاده کن تا دیر نشده بپا خیز که عمر شتابان می‌گذرد و افسوس گذشته دردی را درمان نمی‌کند. خوددار باش و اسرار دل با هر بیگانه‌ای فاش مگو به خدا توکل کن و امیدت به او باشد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

مبارک سحری ۱۸۱

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند — وندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
بی خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند — باده از جام تجلی صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی — آن شب قدر که این تازه براتم دادند
بعد از این روی من و آینه وصف جمال — که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب — مستحق بودم و دانیا به زکاتم دادند
هاتف آن روز بمن مژده این دولت داد — که بر آن جور و جفا صبر و ثباتم دادند

همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود
که ز بند غم ایام نجاتم دادند

جواب فال (۱۸۱)

با صبر و حوصله عمل کرده‌ای و اکنون زمانیست که نتیجه اعمال نیکت را دریافت داری خداوند نظر لطفش را به تو کرده و بهترینها را برایت می‌خواهد. به وصال یارت خواهی رسید و به آرزوهایی که در سر داری خواهی رسید خدا را شکر کن که هرچه داری از او داری.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

ساکنان حرم ۱۸۲

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند — گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند
ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت — با من راه‌نشین باده مستانه زدند
آسمان بار امانت نتوانست کشید — قرعه کار به نام من دیوانه زدند
جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه — چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند
شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد — صوفیان رقص کنان ساغر شکرانه زدند
آتش آن نیست که از شعله او خنده شمع — آتش آنست که در خرمن پروانه زدند

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب
تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

جواب فال (۱۸۲)

مشتاق دلدادمات هستی و او هم مشتاق توست. کینه‌ها و عدالتها را از دل پاک کن از در دوستی با همه رفتار کن. پیمان شکن مباش و بر سر عهد خود وفادار بمان تا بر مشکلات فائق آیی و به مراد دلت برسی. انشاءالله.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

طره یار ۱۸۳

نقد ما را بود آیا که عیاری گیرند — تا به همدمان داران پی کاری گیرند
مصلحت دیدم آنست که یاران همه کار — بگذارند و خم طره یاری گیرند
خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی — گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند
قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش — که درین خیل حصاری به نواری گیرند
یارب این بچه ترکان چه دلیرند به خون — که به تیر مژه هر لحظه شکاری گیرند
رقص بر شعر تر و نالهٔ نی خوش باشد — خاصه رقصی که در آن دست نگاری گیرند

حافظ ابنای زمان را غم مسکینان نیست
زین میان گر بتوان به که کناری گیرند

جواب فال (۱۸۳)

از زورگویی به زیردستان بپرهیز و با لطف و محبت رفتار کن تا نتیجه‌اش را ببینی . عمر شتابان می‌گذرد و افسوس خوردن فایده ای ندارد پس از زمان حال به فکر آینده باش. بلندپرواز و زیاده خواه مباش تا به آنچه آرزویش را در سر می‌پروراني دست یابی .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

جام عدل ۱۸۴

کری فروش حاجت رندان روا کند — ایزد کسی بخشد و دفع بلا کند
ساقی به جام عدل بده باده تا گدا — غیرت نیاورد که جهان پر بلا کند
حتا کزین غمان برسد مژده امان — گر سالکی به عهد امانت وفا کند
گر رنج پیش آید و گر راحت ای حکیم — نسبت مکن بغیر که اینها خدا کند
در کارخانه‌ای که ره و عقل و فضل نیست — وهم ضعیف رای فضولی چرا کند
مطرب بساز پرده که کس بی اجل نمرد — وان کو نه این ترانه سراید خطا کند
ما را که در عشق و بلای خار گشت — یاد اجل دوست یا می صافی دوا کند
جان رفت در سری و حافظ هنوز هست
عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

جواب فال (۱۸۴)

دل سوخته و جفا دیده‌ای پریشانی و ناامید ولی این ناامیدی به امید خدا دوامی ندارد و به زودی برطرف خواهد شد. پشیمانی به گذشته هیچ سودی ندارد پس وقت را هدر نده و از لحظه لحظه زندگی استفاده کن معجزه‌ای در زندگیت رخ می‌دهد که فکرش را هم نمی‌کردی و فرصت را از دست مده تا به آنچه می‌خواهی برسی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

دفع خماری ۱۸۵

دوش گفتم ببند لعل لبش چاره من — هاتف غیب ندا داد که آری بکند
کس نیارد بر او دم زدن از قصه ما — گرش با دیده بگوش گذاری بکند
داده‌ام باز نظر را به تذروی پرواز — باز خواند مگرش نقش و شکاری بکند
شهر خالی ست ز عشاق بود کز طرفی — مردی از خویش برون آید و کاری بکند
گو کریمی که ز بزم طربش غمزده‌ای — جرعه‌ای در کشد و دفع خماری بکند
یاد ما باد خبر وصل تو یا مرگ رقیب — بود آیا که فلک زین دو سه کاری بکند
حافظا گر نروی از در او هم روزی
گذری بر سرت از گوشه کناری بکند

جواب فال (۱۸۵)

تجربه‌هایی که به دست آوردی حاصل تلاش فراوان بود که انجام دادی با توکل به خدا به آرزوهایت می‌رسی. با مردم با محبت رفتار ن.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

لشکر غم ۱۸۷

آن کیست کز وی کرم با ما وفاداری کند — بر جای بدکاری چو من کیدم نکوکاری کند
اول به بانگ نای نی آرد به دل پیغام وی — وانگه به یک پیمانی با من وفاداری کند
دلبر که جان فرسود ازو کام دل کشود ازو — نومید نتوان بود ازو باشد که دلداری کند
گفتم که بگشوده‌ام از لطف و تا من بوده‌ام — گفتا نش فرموده‌ام با تو طراری کند
پشمینه پوش تندخو از عشق نشنیده ست بو — از تنگ‌شکر مغز بگو تا ترک هشیاری کند
چون من گدای بی‌نشان مشکل بود پای چنان — سلطان کجا عیش نهان با بند بازاری کند
زان طره پرپیچ و خم سهل است اگر بینم ستم — از بند و زنجیرش چه غم هر کس که عیاری کند
شد لشکر غم بی‌عدد از بخت می‌خواهم مدد — تا فخر دین عبدالصمد باشد که غمخواری کند
با چشم پرنیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
کان طره پرنیرنگ او بسیار طراری کند

جواب فال (۱۸۷)

دوستان با وفا را در اطراف خود حفظ کن و از رفاقت با انسانهای دوست نما دوری گزین از کسانی که خیر و صلاحت را نمی‌خواهند بپرهیز تا افسوس نخوری که همه سختیهایی که تحمل می‌کنی از آنان است و اگر به گفته حافظ عمل کنی و یاران بدخواه را دور سازی روی شادی و خوشی را خواهی دید.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حکیمانه ۱۸۶

گلبانگ مشکین تو روزی که زما یاد کند — بر داجر دو صد بنده که آزاد کند
قاصد منزل سلمی که سلامت باش — چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند
امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند — گر خرابی چو مرا لطف تو آباد کند
یارب اندر دل آن خسرو شیرین انداز — که به رحمت گذری بر سر فرهاد کند
شاه را بود از طاعت صد ساله و زهد — قدر یکساعه عمری که در او داد کند
حالیا عشوه ما زتو زنبیاد م برد — تا دگر بار چگیسانه چه بنیاد کند
گوهر پاک تو از رحمت ما مستغنی است — فکر ما شاطه چه با حسن خداداد کند
ره نبردیم بمقصود و خود اندر شیراز
خرم آن روز که حافظ ره بغداد کند

جواب فال (۱۸۶)

مشتاق دیدن روی زیبای دلدارت هستی صبور باش و امیدت به خدا باشد، غم و غصه را رها کن ، خودت باش و دست از تلاش بر مدار که خداوند انسانهای سخت کوش را دوست دارد و انشاءالله تو را به مراد دلت می‌رساند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

وصل خورشید ۱۸۹

در نظر بازی ما بی‌خبران حیرانند — من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند
عاقلان نقطهٔ پرکار وجودند ولی — عشق داند که درین دایره سرگردانند
جلوه‌گاه رخ او دیدهٔ من تنها نیست — ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند
عهدها با لب شیرین دهنان بست خدا — با همه بنده و این قوم خداوندانند
مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم — آه اگر خرده ز پیشین بگرو نستانند
وصل خورشید به شب پرهٔ اعمی نرسد — که در آن آینه صاحب‌نظران حیرانند
لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ — عشقبازان چنین مستحق هجرانند
گرم چشم سیاه تو بیاموزد کار — ورنه مستوری و مستی همه کس نتوانند
گر بنوشت گذار ارواح بر دیوی تو باد — عقل و جان گوهر هستی به نثار افشانند

زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد
دیو گریزد از آن قوم که قرآن خوانند

جواب فال (۱۸۹)

ساده دلی و با تقوا ، نیتت برای هر کاری خیر است و مورد لطف خدا قرار داری هرچند دیگران قدر خوش قلبی و صداقت تو را ندانند و قدر دان تو نباشند ولی همین شیوه را ادامه بده که خیر و صلاح است و روزی می‌رسد که دیگران قدرت را بدانند و به ارزش وجودی تو پی ببرند. انشاءالله.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

عزم وطن ۱۸۸

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند — همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
دی گله‌ای ز غمزه‌اش کردم و از سر فسوس — گفت که این سیاه کج گوش بمن نمی‌کند
تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او — زان سر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
پیش کمان ابروش لابه همی کنم ولی — گوش کشیده است از آن گوش بمن نمی‌کند
با همه عطف دامنت آیدم از صبا عجب — کز گذر تو خاک را مشک ختن نمی‌کند
چون ز نسیم می‌شود زلف بنفشه پرشکن — وه که دلم چه یاد از آن عهدشکن نمی‌کند
دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود — جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند
ساقی سیم ساق من گرچه ز دردمی دهد — کیست که تن چو جام می جرعه دهن نمی‌کند
دست خوش جفاکش آب ز خم گریغش ابر — بی مدد سرشک من ذرّه عدن نمی‌کند

گفته غمزه‌ات شد حافظ ناشنیده پند
تیغ سزاست هر که راد سخن نمی‌کند

جواب فال (۱۸۸)

در تصمیمی که گرفته‌ای ثابت قدم باش و در انجامش تردید و دودلی نداشته باش که زندگیت را دگرگون خواهد کرد . دل به کار بسپار و با همت بالا و توکل بر پروردگار اقدام کن انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نرگس مست ۱۹۱

غلام نرگس مست تو تاجدارانند — خراب بادهٔ لعل تو هوشیارانند
به زیر زلف دوتا چون کند کسی بنگر — که از یمین و یسارت چه سوگوارانند
گذار کن چو صبا بر بنفشه‌زار و ببین — که از تطاول زلفت چه بیقرارانند
نصیب ما بهشت است اگر شاه بر رخ — که مستحق کرامت گناهکارانند
بنین بر آن گل عارض غزل سرایم پس — که عندلیب تو از هر طرف هزارانند
تو دستگیر شو ای خضر پی خجسته که من — پیاده می‌روم و همرهان سوارانند
بیا به میکده و چهره ارغوانی کن — مرو به صومعه کانجا سیاه‌کارانند

خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد
که بستگان کمند تو رستگارانند

جواب فال (۱۹۱)

آنقدر پاک دل و مهربانی که خاطر هیچ کس را آزرده نمی‌سازی و رفتار تو همه بدکاران را پریشان و پشیمان می‌کند. صداقت و خوش قلبی تو، تو را به اوج خواهد رساند خداوند انسانهای مثل تو را دوست دارد و همیشه یا رو یاورشان می‌ماند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

زلف عنبرین ۱۹۰

سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند — پری رویان قرار دل چو بستیزند بستانند
به فتراک جفا دلها چو بربندند بربندند — ز زلف عنبرین جانها چو بگشایند بفشانند
به عمری یک نفس با ما چو بنشینند برخیزند — نهال شوق در خاطر چو برخیزند بنشانند
سرشک گوشه‌گیران را چو دریابند دریابند — رخ مهر از سخن‌گستران نگردانند اگر دانند
ز چشم لعل رمانی چو می خندند می‌بارند — ز رویم را ز پنهانی چو می بینند می‌خوانند
دوای درد عاشق را کسی کو سهل پندارد — ز نکته‌دانان که در تدبیر درمانند درمانند
چو منصور از مراد آنان که بر دار بر دارند — بدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند می‌رانند

درین حضرت چو مشتاقان نیاز آرند ناز آرند
که با این درد اگر بر بند درمانند درمانند

جواب فال (۱۹۰)

غصه خوردن را دوست داری و این به ضرر توست در هر کاری که انجام می‌دهی بهانه‌ای برای پریشانی درست می‌کنی و هیچگاه راضی نیستی ساده‌ای و زود فریب می‌خوری ، مواظب باش که دامهای زیادی برایت گسترده است به خدا توکل کن که مشکل گشاست و تو را از گرفتاریها نجات خواهد داد.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

بوته هجران ۱۹۳

شادان کن و بسوی زین سان کنند — زاهدان را رخنه در ایمان کنند
هرکجا آن شاخ نرگس بشکفد — گلرخانش دیده نرگسدان کنند
ای جوان سرو قد گویی ببر — پیش از آن کز قامتت چوگان کنند
عاشقان را بر سر خود حکم نیست — هرچه فرمان تو باشد آن کنند
پیش چشم کمتر است از نظره‌ای — این حکایتها که از طوفان کنند
یار ما چون کیسه و آغاز سماع — قدسیان بر عرش دست افشان کنند
مردم چشم به خون آغشته شد — در کجا این ظلم بر انسان کنند
خوش بر آبا غصه‌ای دل کامل راز — عیش خوش در بوته هجران کنند

سرمکش حافظ ز آه نیم شب
تا چو صبحت آینه رخشان کنند

جواب فال (۱۹۳)

عشق و زندگی نور امیدی است ولی این عشق نباید تو را از راه راست منحرف کند که ضرر آن بیش از آرامشی است که انتظارش را داری. میانه‌روی را پیش گیر و دست از خیالبافی بردار، برای انجام کارهایت با درایت و به موقع اقدام کن با سعی و تلاش انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

حکایتی به تصور ۱۹۴

آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند — آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند
در دم نهفته به ز طبیبان مدعی — باشد که از خزانه غیبش دوا کنند
مشتاق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد — هر کس حکایتی بتصور چرا کنند
گر ننگ از این حدیث بنالد عجب مدار — صاحبدلان حکایت دل خوش ادا کنند
می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب — بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند
پیراهنی که آید از او بوی یوسفم — ترسم برادران غیورش قبا کنند
بگذر به کوی میکده تا زمره حضور — اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند
پنهان ز حاسدان به خودم خوان که منکران — خیر نهان برای رضای خدا کنند

حافظ دوام وصل میسر نمی‌شود
شاهان کم التفات به حال گدا کنند

جواب فال (۱۹۲)

مشکلات و رنجهای زیادی در راه رسیدن به آرزوهایت داری ولی بکوش و با اراده در راه قدم بگذار تا موفق شوی که ارزش این همه رنج را دارد، امیدوار باش که ناامیدی بدترین دردهاست.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

واعظان ۱۹۵

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند — چون بخلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس — توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند
گوییا باور نمی‌دارند روز داوری — کاین همه قلب و دغل در کار داوری می‌کنند
یا بساین نو دولتان را با خر خوشان نشان — کاین همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند
ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان — می دهند آبی و دلها را تواتگری می‌کنند
حسن بی پایان او چندان که عاشق می‌کشد — زمره دیگر عشق از غیب سر بر می‌کنند
بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی — کاندر آنجا طینت آدم مخمر می‌کنند

صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت
قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند

جواب فال (۱۹۵)

به حرف دلت گوش کن و پند و نصایح دورویان را گوش مده آنان که زبان به نصیحت تو گشوده‌اند اول باید خود را اصلاح کنند تو خود راه را از بیراهه تشخیص می‌دهی و احتیاج به یاوه گویی آنها نداری به خدا پناه ببر که او تو را به اوج می‌رساند.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

کوی عشق ۱۹۴

گفتم کیم دهان و لبت کامران کنند — گفتا بچشم هر چه تو گویی چنان کنند
گفتم فراق مصر طلب می کند لبت — گفتا درین معامله کمتر زیان کنند
گفتم به نقطه دهنت خود که برد راه — گفت این حکایتی است که با کلک دل کنند
گفتم صنم پرست شو با صد نشین — گفتا به کوی عشق هم این و هم آن کنند
گفتم هوای میکده غم می برد ز دل — گفتا خوش آنکسان که دلی شادمان کنند
گفتم شراب و خرقه نه آیین مذهب است — گفت این عمل به مذهب پیر مغان کنند
گفتم ز لعل نوش لبان پیر را چه سود — گفتا به بوسه شکرینش جوان کنند
گفتم که خواجه کی به سر خجلتی رود — گفت آن زمان که دشمنی در قرآن کنند

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا طلایه یمن است آسمان کنند

جواب فال (۱۹۴)

خوش قلب و مهربانی و مورد لطف خداوند قرار داری، اسرار درونت را به هرکس مگو و راز دل با هر کس فاش مکن ، برای رسیدن به آمال و آرزوهایت تلاش کن بی‌گدار به آب نزن، سنجیده رفتار کن با امید به خدا انشاءالله به زودی به مراد دلت می‌رسی.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

زیرکان جهان ۱۹۷

شراب بی‌غش و ساقی خوش‌دو دام‌نهند — که زیرکان جهان از کمندشان نرهند
من آنچه عاشقم و رندمست و نامه سیاه — هزار شکر که یاران شهر بی‌گنهند
خجاله پیش درویش است و راهروی — بیا رباده که این سالکان نه مردرهند
ببین تیر گدایان عشق را کاین قوم — شبان بی‌کمر و خسروان بی‌کلهند
بهوش باش که هنگام باد استغنا — هزار خرمن طاعت به نیم جو ننهند
مکن که گوکبه دلبری شکسته شود — چو بندگان بگریزند و چاکران بجهند
غلام همت دردی‌کشان یکرنگم — نه آن گروه که ازرق لباس و دل سیهند
قدم منه بخرابات جز بشرط ادب — که ساکنان درش محرمان پادشهند

جناب عشق بلند است همتی حافظ
که عاشقان ره‌بی‌هنان به خود ندهند

جواب فال (۱۹۷)

عاشقی و دلباخته در راه عشق همه چیزت را فدا می‌کنی و بدینوسیله دل معشوق را بدست خواهی آورد با خلوص نیت و قلب صافی که داری یار هم به اندازه تو شیفته‌ات خواهد شد وفادار ومتعهد بمان و خدا را از یاد نبر.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

رمز عشق ۱۹۶

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند — پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند — عیب جوان و سرزنش پیر می‌کنند
هر قلب تیره به هیچ نمد حاصل و هنوز — باطل درین خیال که اکسیر می‌کنند
گویند رمز عشق مگویید و مشنوید — مشکل حکایتی‌ست که تقریر می‌کنند
ما از برون در شده مغرور صد فریب — تا خود درون پرده چه تدبیر می‌کنند
تشویش وقت پیر مغان می‌دهند باز — این سالکان نگر که چه با پیر می‌کنند
صد ملک دل بنیم نظر می‌توان خرید — خوبان درین معامله تقصیر می‌کنند
قومی به جد و جهد نهادند وصل دوست — قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند
فی‌الجمله اعتماد مکن بر ثبات دهر — کاین کارخانه‌ایست که تغییر می‌کنند

می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

جواب فال (۱۹۶)

خوددار و رازدار باش و اسرار دل فاش مکن که حاسدان در کمینند . مهربان و خوش مشرب باش و با سعی و تلاش خود پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کن . انشاءالله که موفق می‌شوی.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

رونق میکده ۱۹۹

سالها دفتر ما در گرو صهبا بود — رونق میکده از درس و دعای ما بود
نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان — هرچه کردیم به چشم کرمش زیبا بود
دفتر دانش ما جمله بشوئید بمی — که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود
از بتان آن طلب ای حسن شناسی ای دل — کاین کسی گفت که در علم نظر بینا بود
دل چو پرکار بر آن سو و در آنی می‌کرد — وندر آن دایره سرگشته بپا برجا بود
مطرب از درد محبت غلمی می‌پرداخت — که حکیمان جهان را مژه خون پالا بود
می نگفتم ز طرب زانکه چو گل بر لب جوی — بر سرم سایه آن سرو سهی بالا بود
پیر گلرنگ من اندر حق ازرق پوشان — رخصت خبث مده‌ار نه حکایتها بود

قلب اندوده حافظ بر او خرج نشد
کاین معامل به عیب و هنر بینا بود

جواب فال (۱۹۹)

امیدوار باش و ثابت قدم در راه رسیدن به آمال و آرزوهای بزرگ و ارزشمندی که در سر داری تلاش کن و برای رسیدن به آنها از اهل فن یاری جو و فن و روش کار را دریاب ، لایق آنچه بدست می‌آوری هستی و ذات تو بزرگوار است.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

صفای دل ۱۹۸

بود آیا که در میکده‌ها بگشایند — گره از کار فروبسته ما بگشایند
اگر از بهر دل زاهد خودبین بستند — دل قوی دار که از بهر خدا بگشایند
به صفای دل رندان صبوحی‌زدگان — بس دربسته به مفتاح دعا بگشایند
نامه تعزیت دختر رز بنویسید — تا به مغبچگان زلف دوتا بگشایند
گیسوی چنگ ببرید به مرگ می ناب — تا حریفان به خون از مژه‌ها بگشایند
دیده‌ها را ببندند خدایا مپسند — که در خانه تزویر و ریا بگشایند

حافظ این خرقه که داری تو بینی فردا
که چه زنار ز زیرش به دغا بگشایند

جواب فال (۱۹۸)

صادق باش و حرف دلت را راحت بیان کن یکرنگ باش که با دورویی و تزویر هیچ کس به جایی نمی‌رسد. با اراده و ثابت قدم باش و از درگاه خداوند طلب آمرزش کن امیدوار باش و به خدا پناه ببر.

حلیفکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

علاج دل ۱۴۴

چیستی است ندانم که رو به ما آورد — که بود ساقی و این باده از کجا آورد

تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر — که مرغ نغمه‌سرا ساز خوش نوا آورد

دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن — که باد صبح نسیم گره‌گشا آورد

رسیدن گل و نسرین بخیر و خوبی باد — بنفشه شاد و کش آمد سمن صفا آورد

صبا به خوش خبری مژده بلبلان است — که مژدهٔ طرب از گلشن سبا آورد

علاج ضعف دل ما کرشمهٔ ساقی است — برآر سر که طبیب آمد و دوا آورد

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ — چرا که وعده تو کردی و ادا بجا آورد

به تنگ چشمی آن ترک لشکری نازم — که جلد بر سر درویش بینوا آورد

فلک غلامی حافظ کنون به طوع کند
که التجا به در دولت شما آورد

جواب فال (۱۴۴)

سر دو راهی مانده‌ای و از پیشامدهای زندگی متعجبی به خدا توکل کن و عاقلانه تصمیم بگیر و در راهی که انتخاب می‌کنی سرسری و بی فکر عمل نکن تا روی سعادت و خوشبختی را ببینی .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

پروانه بی پروا ۲۰۰

یا دبا دآنکه نمانت نظری با ما بود — رقم مهر تو بر چهرهٔ ما پیدا بود

یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم می‌کشت — معجز عیسویت در لب شکر خا بود

یاد باد آنکه صبوحی زده در مجلس انس — جز من و یار نبودیم و حدیث ما با بود

یاد باد آنکه رخت شمع طرب می‌افروخت — وین دل سوخته پروانه ناپروا بود

یاد باد آنکه در آن بزمگه خلق و ادب — آنکه او خندهٔ مستانه زدی مهیا بود

یاد باد آنکه چو یاقوت قدح خنده زدی — در میان من و لعل تو حکایتها بود

یاد باد آنکه نگارم چو کمر بر بستی — در رکابش مه نو پیک جهان پیما بود

یاد باد آنکه غرابت ننشین بودم دست — وآنچه در مجلسم امروز کم است آنجا بود

یاد باد آنکه به اصلاح شمای شد راست
نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود

جواب فال (۲۰۰)

گذشته‌ها گذشته با دست روی دست گذاشتن آینده را هم خراب می‌کنی به پا خیز انسانهای بزرگ آرزوهای بزرگ دارند امیدوار باش و آینده را بساز که جبران گذشته را کرده باشی و افسوس نخوری .

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

نسیم می ۸۴

ساقی بیار باده که ماه صیام رفت — در ده قدح که موسم ناموس و نام رفت

وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم — عمری که بی حضور صراحی و جام رفت

متهم کن آنچنان که ندانم ز بیخودی — در عرصه خیال که آمد کدام رفت

بر بوی آنکه بر سر جامت به ما رسد — در مصطبه دعای تو هر صبح و شام رفت

دل را که مرده بود حیاتی به جان رسید — تا بوی از نسیم شمیش در مشام رفت

زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه — رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

نقد دلی که بود مرا صرف باده شد — قلب سیاه بود از آن در حرام رفت

★ در آب و تاب تو به چند توان سوخت همچو عود — می ده که عمر در سر سودای خام رفت

دیگر مکن نصیحت حافظ که ره نیافت
گمگشته‌ای که باده نابش به کام رفت

جواب فال (۸۴)

ثمرهٔ یک عمر زحمت و تلاشت را بیهوده و بر اثر یک اشتباه از دست می‌دهی ولی هیچگاه برای جبران گذشته دیر نیست دوباره شروع کن و فرصتهای طلایی برباد رفته را دوباره بدست آور.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia

برق عشق ۸۳

گر زدست زلف مشکینت خطایی رفت رفت — ور ز مسندی شمار ما جفایی رفت رفت

برق عشق ار خرمن صبر و شکیبایی سوخت سوخت — جور شاه کامران گر بر گدایی رفت رفت

در طریقت رنجش خاطر نباشد می بیار — هر کدورت را که بینی چون صفایی رفت رفت

عشقبازی را تحمل باید ای دل پای دار — گر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت

گر دلی از غمزه دلدار باری بر دبرد — در میان جان و جانان ماجرایی رفت رفت

از سخن چینان ملالتها پدید آمد ولی — گر میان نشینان ناسزایی رفت رفت

عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه
پای آزادی چه بندی گر به جایی رفت رفت

جواب فال (۸۳)

از فرصتهای زندگیت استفاده کن و وقت را بیهوده تلف نکن ارزش لحظه‌هایت را بدان و با کارهای نسنجیده هدر مده انشاءالله که سعادت تو نزدیک است.

حلیکس-یلدای ۱۴۰۳

DALHOUSIE GET INVOLVED CLUB
انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه دالهوزی
انجمن فرهنگی ایرانیان نوواسکوشیا
Iranian Cultural Society of Nova Scotia